همه‌کس و همه‌چیز در خدمت توده‌های زحمتکش

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۸۹
دوره دوم
دوشنبه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۶۰
بها ۲۰ ریال

در مرحله سوم انقلاب، مهمترین وظیفهٔ حاکمیت انقلابی توجه به وضع توده‌های زحمتکش و برآوردن خواست های آنان است

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیاد گذار جمهوری اسلامی ایران، در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای محمدعلی رجائی، وظیفهٔ **اساسی ومسئولیت مهم حاکمیت انقلابی را توجه** به‌وضع توده‌های مستضعف وتامین وبهبود شرایط کار وزندگی آنان تعیین کردند.

بقیه در صفحه ۱۱

مار درآستین انقلاب را سرکوب کنیم!

بنی صدر درنهایت جبن وزبونی از ایران گریخت وبه آنجا رفت که باید می‌رفت: آغوش **بختیار واویسی! اما همانطور که آیت‌الله مشکینی** درنماز جمعه قم گفت:

"این سئوال **برای ملت مطرح است که چگونه آقای بنی‌صدر و رجوی با** هواپیمای ایرانی **به‌آن راحتی ازایران فرارمی‌کنندکه شمامسئولین دولتی نتوانستیدانجام وظیفه کنید**. (کیهان- ۱۰ مرداد ۱۳۶۰)

پاسخ به این سئوال، که به حق برای **همه‌ٔ** مدافعان انقلاب ایران مطرح است، تنها از این جهت **اهمیت ندارد** که عاملان فرار **بنی‌صدر ورجوی** و پیش از آنها سرگرد **داریوش خیرخواه را رسوا می‌کندو** از سر راه انقلاب برمی‌دارد، بلکه بیشتر از این **نظر اهمیت داردکه باردیگرنشان می‌دهدکه هنوز** دشمن درخانهٔ ما کمین کرده **وچون مار درآستین انقلاب** هرلحظه آماده است

بقیه در صفحه ۱۱

بمب گذاری و ترور، کار تفاله‌های آمریکا ودرخدمت امپریالیسم آمریکاست

موج ترور کور پیوسته در وطن انقلابی ماگسترش می‌یابد. ضدانقلابیون هرجاکه دستشان برسد، بدون کمترین رحم وشفقت، بمبی منفجرمی‌کنند و یا کسانی را بارگبار مسلسل به خاک و خون می‌کشند. ضدانقلابیون، از **رهبری مجاهدین خلق**"، رنجبری‌ها وپیکاری‌ها گرفته تا ساواکی‌ها، **ماموران ساواسلطنت**‌طلبان ازهیچ جنایتی فروگذارنمی‌کنند." درتهران بمب نیرومندی در کنار بیمارستان منفجرمی‌شود و دهها کودک بیگناه را به‌خون میکشاند. درکرمانشاه انفجاربمب در بازارخرید مردم، عابران بیگناه را به‌قتل می‌رساند. از مسئولان مملکتی، افرادی پشت سرهم ترورمیشوند

ازسوی دیگر درشهرهای مختلف اروپای غربی، اعضای "شورای مقاومت ملی" (که "سپهسالار فراری دستور تشکیل آنرا به مسعود رجوی داده) یعنی طاغوتی‌های فراری، فرزندان **اویسی‌ها و خسروداد‌ها وساواکی‌های متواری** به سفارتخانه‌های ایران حمله می‌کنند، **تا** توطئهٔ امپریالیسم را برای بی‌اعتبار نشان دادن جمهوری اسلامی ایران کامل کنند.

این توطئه هرچند درلحظه **کنونی** ناشی ازعکس‌العمل فوری ضدانقلاب **در** برابرشکست سختی است که با **سقوط بنی‌صدر** براو وارد شده، اما هدف **آن** ایجاد اغتشاش ونا امنی، ترساندن **مردم** ودرنهایت درصورت موفقیت **ـ سوق**

بقیه در صفحه ۴

دستی باز، وظایفی عظیم درپیش

رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به حجت‌الاسلام دکترمحمدجواد باهنر، نخست وزیر تازه، بارمسئولیت خطیری را در یکی از مهم‌ترین وحساس‌ترین مراحل انقلاب بر دوش ایشان و دولتی که معرفی می‌کنندمی‌گذارد.

شتاب روندگسترش و ژرفایی انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران و واکنش‌های نومیدانه‌ای که دردشمنان رنگارنگ داخلی وخارجی انقلاب برمی‌انگیزد، وظایف حادی را دراین مقطع زمانی مطرح می‌کندکه از عهدهٔ اجرای آن برآمدن یابرنیامدن بستگی تنگاتنگ باسرنوشت انقلاب دارد. ازاین حیث نظری به گذشته نزدیک می‌تواند مارادرارزیابی درست موقعیت کنونی یاری کند.

آقای بهزادنبوی، سخنگوی دولت آقای رجائی، درمصاحبهٔ مطبوعاتی ۱۲ مرداد ۶۰ خویش، ضمن بررسی **عملکرد دولت پیشین اعلام** کردکه "کارنامهٔ دولت، به خاطر شروع **جنگ**، مخالفت‌های بنی‌صدر ومشکلات دیگر، **چندان** درخشان نیست". (کیهان ۱۳ مرداد **۶۰**) ودراشاره به فرار بنی‌صدرورجوی، که به‌یک **رو** شکست رسوای مجموعهٔ مخالفان خط امام **می‌**‌باشد، تاکیدنمودکه "ماد یگرچیزی به نام **جریان** بنی‌صدرنخواهیم داشت". این به‌معنای آن **است** که، ازیک سو، یک رشته از عمده‌ترین **تعهدات و** وظایف حاکمیت انقلابی هنوزنتوانسته است **به** اجرادرآید، وازسوی دیگر، جریانی که **زیرپرچم** رئیس جمهورمعزول متشکل شده بودودراجرای آن تعهدات و وظایف اخلال می‌کردعرصهٔ **عمل رابا** رسوایی تمام خالی گذاشته است.

پس با توجه به بی‌اعتباری و هزیمت

بقیه در صفحه ۱۰

تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی درخاورمیانه نیاز تاریخی است

جهان سالهای **شگفتی را پشت سر** می‌گذارد. در دودههٔ **آخرقرن بیستم** نبردکار وسرمایه درمقیاس **جهانی نبرد** سرنوشت رابه‌پایان **می‌برد. ازیک سو** خلق‌های تحت ستم در "**جهان سوم**" پیاپی بپا می‌خیزندو**از سوی دیگرطبقهٔ** کارگر کشورهای سرمایه‌داری **به‌سنگرهای** انحصارات یورش می‌برد. **امپریالیسم**، که دوران گندیدگی **واحتضار خود را** طی می‌کند، باچنگ ودندان **درصدد** است این‌وضع رابسود خودتغییردهدیا حداقل آن رامتوقف کندوبه تعویق بیندازد.

درلحظهٔ تاریخی حاضر، امپر‌یالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکای جهانخوار، برای **حفظ منافع خوددو نقطه را درجهان مرکز ثقل قرارداده است**: خاورمیانه واروپای غربی. و از **این‌دو**، بخاطر شرایط استراتژیک ومنابع

بقیه در صفحه ۲

کارنامه ابوالحسن بنی صدر (۵)

معامله کارتر- بنی صدر- قطب زاده برای آزادکردن «گروگان» های جاسوس آمریکائی

(قسمت دوم)

درشماره پیش، درمتن کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر، نظریات اورادرباره اشغال لانهٔ جاسوسی آمریکا بررسی **کرد**یم ونشان دادیم که او، به‌محض آنکه **به**‌مقام ریاست جمهوری رسید، چگونه تلاش وسیعی رابرای بی‌اعتبارکردن این **عمل** انقلابی وآزادکردن "گروگان "های **جا**سوس آغازکرد. دراین شماره ادامهٔ مطلب را، که متاسفانه درشماره گذشته بعلت تراکم مطالب بچاپ نرسید، می‌خوانید. خواننده را توجه می‌دهیم که قسمت اول این مطلب درآنجا پایان گرفت که **امام خمینی** باصدورفرمانی در روز ۲۱ اسفند ۱۳۵۸، توطئه "کمیسیون آزادسازی گروگان‌ها" را، که باهمفکری و **همکاری** بنی‌صدر ـ قطب زاده ـ والدهایم تدارک دیده شده بود، خنثی کردو **درنتیجه** کمیسیون ازایران رفت، به دنبال عزیمت کمیسیون، بنی‌صدر به تلاش خودادامه دادو این‌بار مستقیما با کارترمعامله کرد، که شرح آن دراین شماره می‌آید.

معامله با کارتر

این مرحله به سودانقلاب پایان یافت، اما بنی‌صدردست ازفعالیت برای آزادکردن بدون قیدوشرط "گروگان"‌های جاسوس برنداشت.

درسالروز برپایی جمهوری اسلامی ایران، ابوالحسن بنی‌صدردرسخنرانی خود درمیدان آزادی، آنطورکه کارتر بعدا اعتراف کرد، جمله‌ای **رابکار** برد که آمریکا رامطمئن می‌کردکه "**گروگان**"ـ ها آزاد خواهند شد. اکنون می‌توان با

بقیه در صفحه ۲

حضور زحمتکشان روستاها درصحنه یکی ازعمده ترین ضامن ها برای تحکیم وگسترش انقلاب است

عمده ترین مسائل دهقانان زحمتکش وضرورت حل آنها

ضدانقلاب باحمایت امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، دربرابرپیشرفت وتعمیق **انقلاب ما**، که‌وارد سومین **مرحله** تکامل اعتلائی خود شده است، **برتعداد و** رنگارنگی دسایس وتوطئه‌های خودمیافزاید. **حوادث وجریانات اخیر**، فاجعه‌آفرینی‌ها، تشنج‌زائی‌ها، **ایجاد برخوردها، بمب**‌گذاری‌ها وخرابکاری‌ها گوشه‌هایی ازاین توطئه‌است که بر زمینه وسیع جنگ تجاوزکارانه صدامی و ایجاد انواع دشواری‌های اقتصادی- اجتماعی جریان می‌یابدومتاسفانه چه بسا قشری‌گری‌ها وتنگ‌نظری‌ها وندانم‌کاری‌ها و فقدان برنامه‌ریزی‌های جامع ومسامحه‌کاریها نیزمزید برعلت شده و میشود. دربرابرهمهٔ این مشکلات، توده مردم زحمتکش قد علم کرده‌اندوزیر**رهبری امام خمینی**، **رهبر روشن‌بین و** تزلزل‌ناپذیرانقلاب توطئه‌هارا عقیم میگذارندوباهرگام **به** سوی تعمیق انقلاب وسرکوب ریشه‌های فاسدضدانقلاب، **که** درکلان سرمایه‌داری وبزرگ مالکی متجلی است، پیش میروند.

توده‌ها واز حمله توده‌های زحمتکش دهقان در صحنه هستندومدافع انقلاب، توده‌های زحمتکش ومبارزروستاهای ایران، همانندهموطنان انقلابی خود در شهرها، با حضور پیگیر خویش در صحنه و ایثار و از جان‌گذشتگی هم‌چون گذشته سعی درحفظ انقلاب ونگهبانی **و گسترش** دستاوردهای عظیم و باشکوه آن **دارند**

بقیه در صفحه ۷

گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی باجمهوری سوسیالیستی ویتنام

همکاری‌های اقتصادی وفنی اتحاد شوروی وجمهوری سوسیالیستی ویتنام ۲۶ سال پیش آغاز گردید. رهبران عالیرتبه جمهوری سوسیالیستی ویتنام همواره براین مطلب تاکید داشته‌اند که کمک‌های اقتصادی وفنی اتحاد شوروی درباز سازی زندگی اقتصادی وفرهنگی وپایه‌گذاری اقتصاد ملی سوسیالیستی درویتنام نقش بسیارارزنده و موثری داشته‌است.

اخیرا درمسکو موافقت‌نامهٔ جدیدی **در**

بقیه در صفحه ۹

کارنامه ابوالحسن...

بقیه از صفحه ۱

بازگشت به‌آن روز، چندو چون معامله‌ٔ کارتر- بنی‌صدر- قطب زاده‌رادریافت بنی‌صدر درسخنرانی خودگفت :

"... هیچگونه بدرفتاری باگروگان‌ها نمی‌شودو تحت مراقبت پزشکی و تحت مراقبت دولت‌هم هستند ... بعد ازاین‌که شاه سابق را ازپاناما به مصر بردند **پیامی برای‌ماآمد** که‌شما به وعده‌تان‌وفابکنید. گفتم وعده‌ٔما چه بوده ... گفتندکه‌انتقال ومراقبت پزشکی از گروگان‌ها ... گفتم ... شمابی‌جهت نگران‌هستند" (این همان جمله‌ٔ رمز نیست؟- اتحادمردم-) ... رئیس جمهورپس ازقرائت پیام دوم‌آمریکا ... گفت: "... پریشب ... شورای انقلاب تصمیم‌گرفت که اگر آمریکاطبق‌یک‌پیمان رسمی‌اعلام بکندکه تاتشکیل‌مجلس و اتخاذ تصمیم از سوی مجلس درباره گروگان‌هانه‌تبلیغی‌بکندنه‌ادعایی‌بکند، نه‌حرفی‌بزندونه‌تحریکی‌بکند، شورای انقلاب می‌پذیردکه‌گروگان‌هارا تحت نظارت‌خود درآورد..." (کیهان- ۱۴ فروردین ۱۳۵۹)

دقت دراین سخنان دومساله را روشن می‌کند :

اول : بنی‌صدرمی‌گوید : "پیامی برای ماآمد" ومعلوم نمی‌کندکه‌پیام از کجا آمد؟ حالا بااعتراف کارترمعلوم می‌شودکه این‌پیام ازجانب آمریکائی‌ها بوده، پس آنها درخفابابنی‌صدررابطه داشته‌اند. این "پیام" هم "پیام‌دوم" آمریکابه بنی‌صدر نیست، که‌خودش‌در همین‌مراسم آن‌راخواندودرآن‌ازوعده‌و این‌حرفها خبری نبود.

دوم : مضمون پیام، به اعتراف بنی‌صدر، این‌است که "شمابه‌وعده‌تان وفابکنید" پس معلوم است‌بنی‌صدر به آمریکائی‌هاوعده‌داده‌بود. کارتر هم به اعتراف خوداین نکته راتاییدمی‌کند. بعلاوه نقل‌قولی ازبنی‌صدر هست که در این‌امرجای شک باقی‌نمی‌گذارد.

بنی‌صدر روز ۱۵ اسفند ۱۳۵۸ در اوج کوشش اول برای آزاد کردن "گروگان"ها گفته بود :

"دولت قبلا وعده داده بود و خلف وعده موضع دولت را تضعیف می‌کند". (کیهان)

حالامعلوم می‌شودکه این وعده‌از جانب بنی‌صدر داده شده بود. این سخنان‌بنی‌صدر، که درواقع حاوی شرایط‌او برای آزادکردن "گروگان"ها- ست‌وتنها درعدم تبلیغ آمریکاخلاصه می‌شود، درست همان چیزی بود که آمریکائی‌هامی‌خواستند.

کارتربعدا اعتراف‌کرده‌است :

"... بیانیه‌ٔوی (بنی‌صدر) تحت عنوان گام مثبت در ماجرای بحران گروگان‌هادرایران‌بخشی‌ازمعامله‌ای‌بود که می‌رفت به آزادی‌گروگان‌هامنجر شود... این‌معامله به‌کلمات رمزی که قراربودبنی‌صدر دریکی‌ازنطق‌هایش درتهران بکاربرد متکی‌بود... بنی- صدرآن‌روز صبح‌نطقی درتهران ایراد کرده‌بودکه‌نشان می‌دادموافقت خودرا اعلام‌کرده است ... درعلائم مبادله شده‌قراربودجمله‌خاصی درنطق‌بنی‌صدر گنجانده‌شود، نه‌این‌که‌بصورت‌رمزباشد بلکه قرار شده بودوی برای‌تایید این معامله جمله‌ٔ خاصی رابیان‌کند. ما نطق وی را در وزارت خارجه (آمریکا) ترجمه‌کردیم‌و مطمئن‌شدیم که‌بنی‌صدر این‌جمله‌رابکاربرده‌است..." (کیهان ۲ تیر ۱۳۶۰)

کارترزمان‌ایراداین‌نطق‌راآوریل ۱۹۸۰ ذکرمی‌کند، که برابراست با فروردین ۱۳۵۹.

و درست بخاطرمعامله‌ٔ پشت پرده‌است که بلافاصله بعداز پخش سخنان‌بنی‌صدر، روزبعد، یعنی ۱۳ فروردین ۱۳۵۹ اعلام شد.

"درپی اعلام شرایط رئیس جمهوری‌دکترابوالحسن‌بنی‌صدر برای تحویل گروگان‌هاوسیله‌ٔدانشجویان‌به دولت، صبح‌امروزخبرگزاری فرانسه گزارش دادکه دولت ایالات‌متحده‌ٔ آمریکا شب گذشته به‌ایران‌اطمینان‌داد که طبق خواست‌رئیس‌جمهوری‌آن کشور ازاین پس ازهرگونه تبلیغی درباره‌گروگانهاتاتعیین‌تکلیف‌مطلق‌آنان توسط مجلس خودداری‌نموده، بشرط آن که ... بنی‌صدر به قول خودعمل‌نماید و گروگان‌ها راتحت نظارت و مراقبت دولت‌ایران قراردهد..." (کیهان - ۱۴فروردین ۱۳۵۹)

حالایک باردیگرمضمون‌این‌خبررا که حاوی اعلام‌آمادگی آمریکاست، با سخنان بنی‌صدر مقایسه‌کنید، آمریکا عینا شرایط‌بنی‌صدر راپذیرفته‌است. این‌رامی‌گویند معامله‌ٔناب!

شریک سوم معامله، یعنی‌قطب - زاده، هم همان روزاعلام می‌کند :

"... در این حال خبرگزاری پارس به نقل از قطب زاده... گزارش دادکه‌دولت‌آمریکاباشرایط عدم‌اعمال فشار به دولت ایران پس از تحویل "گروگان"ها توسط شورای انقلاب موافقت کرده‌است" (کیهان- ۱۴ فروردین ۱۳۵۹)

وجالب این جاست که روز ۱۴ فروردین، روزنامه‌کیهان، که‌آن موقع توسط دکترابراهیم یزدی‌اداره‌می‌شد، بااین‌تیتردرشت منتشرشد : "گروگان - های آمریکایی پس فرداتحویل‌دولت می‌شوند."

به‌این‌ترتیب به‌نظر می‌رسیدکه‌همه چیز باموفقیت‌انجام شده‌ومعامله‌سرگرفته است. کارترآنقدر از پایان‌کار اطمینان داشت که: "درآن هنگام کامیون‌ها برای انتقال و آزادی گروگان‌ها از ساختمان سفارت آمریکا در تهران آماده‌شده‌بود" (کیهان-۲تیر ۱۳۶۰)

وظاهرا این اطمینان بیهوده نبود. بنی‌صدر باسوء استفاده از مقام خود، حتی دستور تحویل گرفتن "گروگان"ها را هم به سپاه پاسداران داده‌بود. درحالیکه‌خبرموافقت‌شورای انقلاب‌ازبیخ‌وبن‌دروغ بود. روز ۱۶ فروردین ۱۳۵۹ مهندس عزت الله سحابی عضوشورای‌انقلاب‌اعلام کرد :

"نامه‌ٔ آمریکا درمورد پذیرش شرایط رئیس جمهورایران‌درجلسه‌ٔ پنجشنبه شب شورای‌انقلاب مطرح‌شدو چون‌شرایط ازدیدماکافی به‌نظر نمی- رسید، ازاین‌نظر امروز مابه‌جاسوسخانه آمریکا نخواهیم‌رفت..." (کیهان)

کارکه به اینجا رسید، بنی‌صدر برای آزادکردن "گروگان"هابه‌دروغ‌و نیرنگ‌هم متوسل شد، تامعامله راهرجور هست، جوش بدهد. این‌بخش‌ازماجرا را از زبان‌آقای‌محمدزاده، مسئول‌دفتر سیاسی سپاه پاسداران وعضوشورای عالی سپاه، بخوانید.

"... همه‌ٔ مادرآنجاجمع شدیم (درزمان فرماندهی‌آقای دوزدوزانی) بعداز تشکیل جلسه آقای دوزدوزانی گفت که بنی‌صدر به‌من‌تلفن‌کرده‌وگفته است‌که "گروگان" ها راچرا‌شماتحویل نمی‌گیرید؟ من‌جواب‌دادم برچه‌مبنایی؟ وایشان گفت که من‌صحبت‌کرده بودم و قراربود به‌شماهم‌گفته شودوآن این که سپاه قراراست "گروگان" ها را تحویل بگیردو به‌وزارت خارجه ببرد. همه ما واقعا از این‌مساله تعجب کردیم ... سپاه‌چگونه‌می‌توانست‌وجه‌المصالحه‌این مساله شودو "گروگان" ها را از دست دانشجویان پیروخط‌امام تحویل‌بگیرد وبه‌دولت تحویل‌بدهدو دولت هم بر اساس مواضع خود چندروز بعدآنهارابه آمریکاتحویل بدهد..."

آقای‌محمدزاده‌سپس‌به‌شرح ملاقات چندتن ازمسئولین سپاه‌بابنی‌صدرمی- پردازدومی‌افزاید :

"... ازدفترایشان (بنی‌صدر) به‌لانه‌ٔجاسوسی‌رفتیم برای صحبت با برادران‌دانشجو. درآنجا بودکه‌حقایق ابعاد‌پیچیده‌تری پیداکردومادیدیم که در۳ساعتی‌که‌مابا‌آقای‌بنی‌صدرصحبت کردیم ایشان‌تنهاگوشه‌ای‌ازمسائل‌اساسی واصلی صحبت‌های خودودانشجویان را بیان‌کرده‌اندوآن‌هم‌تنهاقسمتی‌ازبعضی مسائل راگفته بودندکه‌به‌نفع دیدگاه خودشان بودوقسمت‌هائی‌راکه به ضرر ایشان‌بود بازیرکی هرچه تمامتربه‌هیچ وجه عنوان نکرده‌اند... درآنجابودکه مااحساس تعهدکردیم که مساله را با برادران شورای انقلاب مطرح‌کنیم ... (پیام‌انقلاب- ارگان‌سپاه‌پاسداران - شماره ۳۶)

وسرانجام :

"... باچندتن ازاعضای‌آن‌شورا (انقلاب) تماس گرفتیم ومساله‌راگفتیم واحساس خطرمان را بیان کردیم. این بودکه‌صبح روز بعدعده‌ای ازاعضای شورای‌انقلاب به‌خدمت‌امام‌رسیدندو امام دستورفرمودندکه..." (همانجا)

وامام خمینی دستوردادند :

"تاتشکیل مجلس "گروگان" ها به دست‌دانشجویان‌مسلمان‌باقی‌می‌مانند ..." (کیهان-۱۹فروردین ۱۳۵۹).

وبه‌این‌ترتیب باردیگرکوشش‌های بنی‌صدر نقش برآب وشامگاه همین روز رابطه‌ٔ ایران باآمریکا قطع شد.

باز هم تبلیغ علیه انقلاب دوم

امابنی‌صدر به‌مخالفت خودبا اشغال‌لانه‌ٔ جاسوسی ادامه‌داد وازاین پس با کینه‌ٔپایان‌ناپذیری به تبلیغ علیه این‌اقدام انقلابی‌پرداخت. اوگفت :

"... چه‌کسی‌و درکجای‌دنیا می‌پذیرد که درمبارزه باآمریکا ما به استناد در دست داشتن گروگان ها تواناتر شده‌ایم؟ نباید اثرات روزهای نخست تصرف مرکز حکومتی آمریکا بر ایران رادایمی‌تصورکرد. امروز رفتار ما بیشتر بیانگر ضعف‌های ماست‌وبه‌غریقی می‌مانیم که‌بجای تلاش برای نجات قطعی خویش، به هرشیئی چنگ می- زند..." (۲۲ اسفند ۵۸)

بنی‌صدرآنقدرجلورفت‌که‌انقلاب دوم راگناه‌مردم‌ایران ارزیابی‌کرد، آن هم گناهی‌بزرگ که سبب سلطه‌فاشیسم درآمریکا شده‌است :

"... اینک‌مابارهاکردن‌زمینه‌های اصلی‌مبارزه وودادن‌ابتکار عمل‌به‌دشمن اصلی‌وایجاد بهانه‌ٔ عاطفی، داریم موجب تغییر روحیه و رفتارمردم‌آمریکا درجهت تقویت تمایلات فاشیستی و مداخله‌گرانه می‌شویم. مطالعه‌ٔ جریان رشدفاشیسم دراروپای‌مرکزی‌جای‌تردید نمی‌گذارندکه عوامل‌عاطفی بیشتر از عوامل‌دیگردر رشداین‌گونه تمایلات موثرمی‌شوند. دراین‌جاهمین‌قدرمی- گوییم که جریانی‌که مساعدگروگان‌گیری بخودگرفت‌همان‌جریان‌رشدافکارتجاوز گرانه‌است..." (۱۲فروردین ۵۹)

بدین‌سان بنی‌صدر به‌مردم‌ایران که فریاد "مرگ‌برآمریکا" برمی‌کشیدند، اعلام می‌کرد که اگرآمریکا در ایران دخالت کرد، تقصیر شماست‌نه‌امپریا- لیسم آمریکا، که‌موجودی‌بسیارعاطفی‌و احساسی‌است وفقط نبایداحساساتش را تحریک کرد!

وبالاخره‌هم‌اعلام‌کردکه :

باگرفتن‌گروگان‌هاماگروگان‌آمریکا شدیم..." (انقلاب‌اسلامی- ۱۵آبان ۱۳۵۹)

دانشجویان‌مسلمان‌پیروخط‌امام نیز، ازنظربنی‌صدر سرنوشت بهتری‌از مسئله‌اشغال‌لانه‌ٔجاسوسی نداشتند. بنی‌صدر درآغاز باتکراراینکه این "بچه‌های‌عزیز! بایدبروندردانشکده - شان ... درسشان را ... بخوانند" (۲۷بهمن۵۸- اطلاعات) کوشید از ارزش‌عمل‌انقلابی این جوانان دلاور میهن‌بکاهد. لیکن‌ازآنجاکه این ترفند واین‌صدای کوچک درون‌فریادهای مردم، که سیل وار می‌آمدند و می‌خروشیدند : "دانشجوی خط امام، برتو درود برتو سلام" و "افشا کن، افشاکن" گم شد، و دیگر طاقت نیاورد وبه‌مقابله‌رودررو باآنهابرخاست :

"... آخر شما به عنوان‌مردم‌از آنها بپرسید مگر این‌مملکت‌دولت نداردومگردولت‌امام‌نیست. اگرشما در خط‌امام‌هستید سعی‌کنید‌درچارچوب همین‌دولت عمل‌کنید‌نه‌این‌که‌خودتان برای خودتان یک دولت در دولت باشید..." (کیهان- ۱۷آبان۵۸)

وبازهم : "... وجوددوحکومت (دانشجویان‌وشورای‌انقلاب) درایران قابل‌قبول‌نیست..." (۹بهمن ۵۸- کیهان)

بنی‌صدر درقالب کلمات‌متداول خود و به روش بنی‌صدری سئوال‌می- کردکه :

"... این‌همه‌سروصدا درباره ملاقات‌هیات بین‌المللی... سرگرم شدن وسرگرم‌کردن نیست؟ مبارزه با آمریکا درنگاهداشتن "گروگان" ها خلاصه‌می‌شود؟ ... کوشش‌برای‌استقرار حاکمیت‌دولت (یعنی‌حاکمیت بنی- صدریسم) درهمه‌ٔ نقاط‌کشور... مبارزه باآمریکاست و یاجنگ‌اعصاب‌به راه‌انداختن‌برسرتحویل‌دادن‌یانادادن "گروگان ها به‌شورای‌انقلاب ..." (۱۹ اسفند ۵۸ -کتاب صدمقاله - جلددوم)

بنی‌صدر این حملات رابه مناسبت‌های‌مختلف‌تکرارکرد، وهر بار خشمگین‌تر وبی‌پرده‌تر اوج‌حملات‌اوبه "گروگان‌گیری" هنگامی بودکه‌مساله در مجلس‌شورای‌اسلامی‌طرح‌شدو "گروگان" -ها آزاد شدند. ازاین‌پس (که شرح‌آن درجای‌خودخواهدآمد) مساله "گروگان" هابصورت چماقی در دست بنی‌صدر درآمد، تاهمزمان با مائو- ئیست‌ها، لیبرال‌هاو امپریالیسم‌خبری مدام بگوید :

"... تصمیم درباره‌ٔ گروگان- گیری درزمانی وبه صورتی‌اتخاذشده است‌که به سودکارترموثرنخواهدشد، بلکه به زیان او موثرخواهدشدوگمان می‌کنم این‌نظرمن‌که مستندبه تجربه‌ٔ طولانی‌من در روحیه و روانشناسی غربی‌ها به لحاظ‌اقامتم درآنجاها و مطالعه‌ام دراین زمینه‌هااست، درست ازآب درآید. بنابراین وضع خارجی‌ما مشکل‌ترخواهدشد..." (۱۳آبان ۵۹ کارنامه‌ٔبنی‌صدر)

واز این‌هم صریح‌تر:

"... اگرماهرکار را در موقع خود انجام داده‌بودیم، نه‌محاصره‌ٔ اقتصادی‌می‌شدیم، نه "گروگان ها آن سرنوشت راپیدامی‌کردند، نه جنگ به ماتحمیل‌می‌شد، نه‌اوضاع ما ازهر نظر به‌هم می‌ریخت..." (۱۵تا۲۱ اسفند -کارنامه‌ٔبنی‌صدر).

یعنی "آمریکای‌عزیز" که هیچ قصد مداخله‌وتجاوز به‌کشورمارانداشت فقط پس از "گروگان‌گیری" جاسوس- هایش درایران محاصره‌ٔاقتصادی‌کرد، جنگ‌به‌راه‌انداخت، به ترور وخرابکاری دست زد.

البته‌بنی‌صدرمعلوم نکردکه‌حالا که "گروگان" ها رفته‌اند چراهنوز جنگ ادامه داردو چرا روزی‌نیست‌که‌آمریکا به‌صورتی درایران توطئه‌ای‌نچیند. بنی‌صدربه‌این‌سئوال‌هاجواب‌ندادوهرگز به روی خودنیاوردکه خوداو، برای‌آزاد کردن‌بدون‌قیدوشرط‌این "گروگان" ها، باکارترنماینده‌ٔشیطان‌بزرگ‌هم معامله کرده‌است.

(ادامه‌دارد)

تشکیل جبههٔ متحد...

بقیه از صفحه ۱

عظیم سوخت، که حیات‌امپریالیسم در گرو تامین‌آنست، خاورمیانه‌اهمیت بیشتری دارد. درواقع آنچه در خاور- میانه‌می‌گذرد، درتعیین‌سرنوشت‌جهان نقش مهمی دارد. خلق‌های‌این‌منطقه‌با عامل‌مستقیم‌امپریالیسم، یعنی‌اسرائیل روبروهستندکه با یاری ارتجاع عرب و دوستان و دست نشاندگان آمریکا، در خدمت اهداف امپریالیسم و از جمله جلوگیری از تغییرآرایش نیروها در منطقه‌به‌زیان‌امپریالیست‌هاست. به‌این ترتیب روشن‌است که کشورهای‌انقلابی منطقه چه نقش حساسی در تعیین‌سر- نوشت منطقه ومالا سیرتکامل جهان به سوی‌فروپاشیدن ومحو کامل نظام سرمایه‌داری‌دارند.

خوشبختانه بایدگفت که ایران انقلابی، به‌محض آن که وزارت خارجه خودرا از چنگال لیبرال‌هابدرآورد، با درک این ضرورت تاریخی و اهمیت عملکردکشورهای‌انقلابی، به‌نیازخلق- های منطقه پاسخ مثبت داد. این نیاز که در واقع رمز پیروزی انقلاب برضد- انقلاب درمقیاس منطقه است، چیزی غیر از اتحادهمه‌ٔنیروهای انقلابی‌در خاورمیانه نیست. اکنون در دوسوی خط سرنوشت درخاورمیانه، کشورهای انقلابی‌ومرتجع دربرابرهم صف‌بسته‌اند تمامی‌کوشش دشمن- وازجمله‌حملات اخیراسرائیل‌به‌لبنان- برآنست که از اتحادکامل‌کشورهای‌انقلابی جلوگیرد ومانع از وحدت عمل دولت‌های‌مترقی شود. پاسخ این توطئه‌ٔ شوم را تنها باید با وحدت داد. وحدت علیه اسرائیل‌وحامی آن‌امپریالیسم جهانی، بسرکردگی‌آمریکا!

خوشبختانه‌آقای**میرحسین‌موسوی** وزیرامورخارجه جمهوری‌اسلامی‌ایران، درمراسمی‌که به‌مناسبت روزقدس در تهران برگزارشد، دربرابرصفوف‌فشرده توده‌های میلیونی‌اعلام کرد که ایران انقلابی‌برآنست که دراین راستاحرکت کند. آقای**موسوی**اعلام کرد که سیاست خارجی‌ایران‌درمنطقه برسه پایه‌استوار است :

۱ـ استمرار مبارزه با آمریکاو استمرار شعارمرگ‌برآمریکا،

۲ـ کشور و دولت ما درکنار رزمندگان لبنانی، فلسطینی، سوری و تمام ملت‌هائی که بارژیم اشغالگر فلسطین درحال‌نبردند، نبردخواهد کرد،

۳ـ دولت ماتلاش خواهد کرد برای ایجاد یک جبههٔ متحداسلامی ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی در میان همه کشورهای اسلامی. دولت و ملت‌مادست خودرابرای فشردن تمام دست‌هائی که آماده تشکیل چنین جبهه‌هایی هستند، درسراسرجهان‌دراز کرده‌وآماده‌فشردن‌آن‌دستهای صمیمی است که‌می‌خواهند باصهیونیسم و امپریالیسم بجنگند"

(کیهان- شنبه ۱۰مرداد ۱۳۶۰)

بایدباکمال خرسندی گفت‌که‌این سخنان طلیعه‌ٔ سمت‌گیری سیاست خارجی‌ایران بسوی آن‌سیاستی‌است‌که انقلاب بزرگ ما طلب می‌کند. اتحاد ایران با نیروهای انقلابی‌منطقه، که **حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** رئیس مجلس شورای‌اسلامی، هم رئوس‌آن را درمصاحبه باروزنامه‌ٔجمهوری‌اسلامی چنین تعیین‌کرده :

"**پیشنهادمن این‌است‌که‌کشور- های‌اسلامی درمبارزه‌اقتصادی‌وسیاسی و نظامی‌متحدبشوند، خیلی‌سریع می- توانندشراسرائیل رابکنند،**" (۱۲ مرداد ۱۳۶۰).

می‌تواندنقش بزرگی درتعمیق و گسترش مبارزه درمنطقه ایفا کند. فشردن دستهائی‌که‌آماده‌تشکیل‌جبهه‌ٔ متحدضدامپریالیستی‌وضدصهیونیستی درسراسرجهان هستندومی‌خواهند با صهیونیسم و امپریالیسم بجنگند - چنانکه وزیرامورخارجه‌جمهوری‌اسلامی ایران گفته است - این نقش را کامل می‌کندوایران انقلابی‌رادرنبردانقلاب وضدانقلاب درگستره جهان عملا در جایی‌قرارمی‌دهدکه در شان انقلاب بزرگ‌ماست. ادامه‌ٔفعال‌وعملی این سیاست اعلام شده ازجانب وزیر امور خارجه‌ٔ جمهوری اسلامی ایران - که آرزوی همه‌ٔانقلابیون راستین ایران و جهان‌است - تضمین‌واقعی‌و وثیقه‌ٔ مطمئنی است برای پیروزی قطعی و نهائی انقلاب درایران و در سراسر منطقه. مردم انقلابی ایران درانتظار گامهای مشخص وعملی برای تحقق‌این سیاست هستند، وچنانکه‌زندگی نشان داده‌است، آماده‌اندکه برای تحقق سیاست انقلابی تاپای جان‌پیکارکنند.

استراتژی جنون هسته‌ای (۲)

در شماره ۸۷ "اتحاد مردم" در بحث پیرامون "استراتژی جنون هسته‌ای" خطوط کلی رهنمود شماره ۵۹ رئیس جمهور آمریکا در برانگیختن جنگ هسته‌ای "محدود" و "درازمدت" تشریح شد. در این شماره دنباله این مقاله که ابعاد دیگر این سیاست خطرناک و [illegible] را در قالب انواع دیگر تئوری‌ها نشان می‌دهد از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

همانطورکه مقام‌های بلند پایه اتحاد شوروی بارها تصریح کرده‌اند، درباره نیات اتحاد شوروی و پیرامون این مساله می‌توان گفت که: "دکترین‌های استراتژیکی اتحاد شوروی کاملا جنبه دفاعی دارند و نیروی موشکی و هسته‌ای اتحاد شوروی فقط برای پیشگیری از تجاوز احتمالی است. اتحاد شوروی هیچگونه‌ای طرحی برای پیشدستی در وارد کردن ضربات هسته‌ای به هیچ کشوری تدوین نکرده‌است. کوشش اتحاد شوروی معطوف به‌این است که اوضاع به جائی کشانده نشودکه وارد کردن ضربه اول و یا دوم ضرورت پیداکند، به طورکلی اتحاد شوروی کوشش می‌کند که اصولا جنگ هسته‌ای پیش نیاید. درحقیقت، مواضع وبرداشتهای اتحاد شوروی را نسبت به این مسائل چنین می‌توان تلخیص نمود، قدرت دفاعی اتحاد شوروی بایددرچنان سطح کارآیی باشد که هیچ کشوری به‌خوداجازه ندهد صلح و امنیت این کشور رانقض کند. بدین ترتیب بایدگفت که انگیزه تدوین طرحهای استراتژی هسته‌ای جدیدایالات متحده آمریکا به‌هیچوجه خطرموهوم شوروی نیست. بلکه برعکس کارزار تبلیغاتی درباره‌برتری هسته‌ای اتحاد شوروی که گویا در سالهای آینده بدست خواهدآمد، دستاویزی برای توجیه نیات محافل تجاوز گر امپریالیستی است که‌تلاش دارند تعادل‌نیروی نظامی رابنفع خود تغییردهند.

ذخیره‌کردن کلاهک‌های جداشونده

یادآوری این مطلب‌لازم است که این نه اتحاد شوروی بلکه ایالات متحدآمریکا بود که یک‌رشته‌برنامه‌های‌نظامی برای‌برهم‌زدن‌تعادل نیروهای‌استراتژیکی به‌موردِاجرا گذارد. از جمله‌این‌برنامه‌ها‌تجهیز‌نیروهای‌موشکی‌ایالات متحدهٔ‌آمریکا به‌کلاهک‌های جداشونده‌بودکه‌به طورکلی‌شماره‌کلاهک‌های هسته‌ای‌ذخائرموشکی آمریکا را ۲۵٪ افزایش داد.

وزارت دفاع آمریکا پیوسته طرحهای جدیدی‌برای تولیدکلاهک‌های هسته‌ای‌کاملترو دقیق‌تربا‌پیمانکاران‌عملی‌وفنی‌خودتهیه‌کرده و به‌اجرا می‌گذاردتادقت موشکهای‌استراتژیکی ایالات‌متحده را بالابردوسیستم‌های هدایت وارتباطی آنها را تکمیل نماید.

رهبران‌آمریکابا به راه‌انداختن کارزار تبلیغاتی ادواری درباره "خطرشوروی" از برتری‌نظامی‌این‌کشور دررشته‌هائی سروصدا راه می‌اندازندکه خوددرصددکسب آن‌اند. منظور ازجاروجنجال‌های تبلیغاتی کنونی درباره "برتری نیروی متقابل" موشکهای شوروی این است که سری جدیدتولیدتسلیحات‌استراتژیکی ایالات متحدهٔ‌آمریکادردهه ۸۰ که پیچیده‌ترو مخوف‌تر است توجیه شود. دیدگاه‌های‌استرا‌ـ تژیکی مقامات آمریکائی درباره‌ضرورت "عکس العمل" دربرابر خطر "ضربه‌متقابل‌نیروهای شوروی" درست موجدچنین خطری از جانب ایالات‌متحدهٔ‌آمریکاست. زیرااز‌نقطه‌نظرنظامی‌و تکنیکی‌آن‌نیروئی راکه وزارت دفاع آمریکابعذر واردکردن ضربه‌متقابل پدیدمی‌آوردمی‌تواند برای‌پیشدستی درحمله بکار گرفته شود.

توسعه استراتژی هسته‌ای‌آمریکاطی ۲۰ـ۳۰سال‌اخیرقانونمندی‌دیگر رانیز نشان‌داد. هرقدردیدگاه‌های استراتژیکی‌واشنگتن‌مزورانه‌ـ‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند به همان نسبت از واقعیات اوضاع‌بین‌المللی دورگشته‌اند. انباشتهای جدیدوسائل امحاء به مقیاس جهانی درزرادخانه‌ها عملا به ذخایرموجود هسته‌ای که می‌توانند چندین بار حیات را درکره زمین نابودکنند، چیزی نمی‌افزایند. بدین‌سان‌می‌بینیم که مفهوم برتری نظامی بمعنای سنتی‌آن یعنی‌توانائی پیروزی درعملیات جنگی دیگر اهمیت خودرا از دست می‌دهدوباوجودذخایر عظیم کنونی‌سلاح‌هسته‌ای‌امری‌ناممکن‌می‌گردد. بنابراین، استدلال‌درباره افزایش ذخایر و تکمیل‌سلاح‌هسته‌ای برای هواداران‌مسابقه تسلیحاتی هرروز دشوارترمی‌شود. بهمین‌علت آنهاناگزیرند به‌استدلالهای‌واهی‌ومن‌درآوردی متوسل‌شوند. واقعیت‌این‌است که اکنون‌برای تحقق‌دیدگاه‌های جدیداستراتژیکی سلاحهائی ساخته‌می‌شوندکه دهها میلیارددلار خرج‌بر‌ـ می‌دارند.

تئوری «ضربهٔ نیروی ضدضربه»

حال‌به‌این‌مطلب‌می‌پردازیم که‌منظوراز "ضربه‌نیروی ضدضربه" محدودچیست؟ دراین موردتوضیحات مقامات رسمی‌آمریکادوپهلو و مبهم است و از نقطه نظرنظامی‌قابل توجیه نیست. اگرمنظور روانه‌کردن چندموشک‌علیه آماج‌های نظامی‌دشمن باشد، چنین اندیشه‌ای مانندتهدیدبه حمله‌هسته‌ای همه‌جانبه‌چیزی جزخودکشی‌نیست. بدیهی‌است که‌این‌اقدام‌به طرف دیگربهانه می‌دهدکه تمام قدرت‌هسته‌ای استراتژیکی‌اش را که عملا دست نخورده باقی مانده‌علیه طرف مهاجم وارد عمل‌کند. اگر منظور طراحان واشنگتن حمله موشکی‌هم‌آهنگ به تمامی‌آماج‌های استراتژیکی طرف مقابل‌است این بدان معناست که باچندین هزارترمی هسته‌ای به سرزمین طرف متخاصم ضربه وارد شود. درآن‌صورت طرف‌مهاجم نبایدتردید داشته باشدکه به چنین حمله علیه به اصطلاح آماج‌های‌انتخابی‌باضربات نابودکننده تمام عیار پاسخ داده خواهدشد، حتی‌پیش‌ازآن که حمله "نیروی متقابل" به‌آماج‌های‌خودرسیده باشد.

علاوه براین، این‌نظریه‌استراتژیکی با واقعیات موجودنظامی‌ـ سیاسی و روانی‌بهیچ وجه مطابقت ندارد. کاملا آشکار است که‌جنگ هسته‌ای را که وقوع آن دهشت بار ترین فاجعه درتاریخ‌بشرمی‌تواندباشد، نمی‌توان با شیوه‌های محاسبه دستگاه‌های‌کامپیوتری‌وزارت جنگ آمریکاکه درآنها‌به عوامل‌انسانی‌توجهی نمی‌شودهدایت کرد. برتری برای وارد کرد ن یک‌ضربه به‌نیروی‌متقابل که درشرایط کنونی تناسب نیروها نمی‌تواندبمعنای ضربه خلع سلاح کننده طرف باشد، اهمیت نظامی و سیاسی واقعی خود را از دست می‌دهد.

سخن‌گفتن درباره امکان پیروزی‌براساس محاسبه تناسب کلاهک‌های هسته‌ای که‌می‌ـ توانند پس ازنابودکردن پالایشگاه‌های‌نفت، نیروگاه‌هاو دیگر تاسیسات مهم حیاتی، در ذخیره باقی‌بمانندـ که‌البته بسیاری از کار‌ـ شناسان آمریکائی چنین تصور می‌کنندـ عملا بمعنای بی‌اعتنائی به عقل سلیم‌است، دراین موردباکمال‌وضوح وصراحت بایدگفت، تلاش برای تفوق درمسابقه‌تسلیحاتی به‌تصورپیروزی درجنگ هسته‌ای یک جنون خطرناک است.

درپس تغییرات در نظریه‌های استراتژی هسته‌ای آمریکا تنهانتیجه‌گیری‌های انتزاعی کارشناسان وزارت جنگ ایالات متحدهٔ‌آمریکا قرارندارد، بلکه خط مشی ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا درزمینه تسلیحات استراتژیکی درهمین سمت پیش می‌رود. براون وزیردفاع پیشین ایالات متحده درسال ۱۹۸۰ در سخنرانی خوددر آناپولیس به‌این‌مطالب اشاره کرد. وی گفت نظریات استراتژی هسته‌ای مورد قبول‌همگانی بمعنای تشریح وتوضیح نقشه جنگ واقعی نیست. هدف‌این‌نظریات‌آن‌است‌که امکاناتی فراهم شودکه اگر دشمن ازآنها آگاهی‌یابد از آزمودن‌ما و یاکوشش برای‌واردکردن‌فشارهای شدیدبرماصرفنظرنماید. مفهوم ساده این‌بیان رسمی‌واشنگتن آن‌است که اقدامات وکوشش‌ـ های ایالات‌متحده آمریکا درزمینه‌استراتژیکی بدرجات زیادی ناشی‌ازملاحظات سیاسی‌است که باتوجه به ادعاهای رسمی‌نظریات نظامی فوق‌العاده مشکوک بنظرمی‌رسند.

هدف‌های رهنمود ۵۹

هدف‌ازانتشاراطلاعات مربوط به‌رهنمود شماره ۵۹ که دراوت سال ۱۹۸۰ عمدا در مطبوعات سازمان داده شد، کاملاروشن‌است.

چنانکه‌همه‌می دانند درمیان محافل‌حاکمه ایالات متحدآمریکامتداول‌است که مهمترین مسائل مربوط به صلح وامنیت بین‌المللی، خلع سلاح‌و تنش‌زدائی را به "مسابقه فوتبال" در سیاست داخلی‌کشور تبدیل کنند. حزب دمکرات در دوره تبلیغات انتخاباتی حساب می‌کرد با پیروزی دراین‌مسابقه حسن نظرمحافل‌راست‌ـ گرای ایالات متحده آمریکاو کسانی را که استدلالهای‌شان راباورکرده‌اند، بطرف خود جلب کندودرعین‌حال‌لیبرالهای درون حزب راکه باتشدیدمسابقه تسلیحاتی‌مخالف‌هستند تحت فشارقراردهد. اماچنانکه دربالاخاطر نشان شد، گرایش بسوی‌استراتژی هسته‌ای که در رهنمود شماره ۵۹ فرمول‌بندی شده‌است، چندین انتخابات رئیس جمهوری را از سر گذارنده است. تنها خوداین مطلب نشان‌می‌ـ دهدکه نیروی محرک‌این گرایش رابایـد در عوامل‌سیاسی‌جدی‌تری غیرازملاحظات‌مبارزات قبل از انتخاباتی جستجو کرد. تغییرفزاینده تناسب نیروهابه نفع سوسیالیسم در دهه ۷۰ واعتلای نیرومندجنبش رهائی‌بخش‌ملی‌موجب شده‌است که ارتجاعی‌ترین محافل‌امپریالیستی برای بهره برداری از روند تشنج‌زدایی به نفع خود و درصورت امکان متوقف کردن‌این روند برتلاش خودبیفزایند. درضمن خود سرشت اجتماعی‌سیاست امپریالیستی‌گزینش وسیله‌ـ های عمده را درمقابله باتنش‌زدائی‌وتحولات مترقی درجهان پدیدمی‌آورد، کوشش عمده‌ای درجهت تقویت قدرت نظامی‌استفاده‌ازنیروی نظامی وتهدید به‌استفاده ازاین نیرو بکار برده می‌شود. افزایش ذخایر سلاح هسته‌ای بخش جدائی ناپذیرازمهمترین‌عناصرسیاست تشدیدمسابقه تسلیحاتی و رویاروئی بااتحاد شوروی‌است که درسطح عالی‌بصورت‌مقابله نظامی سوسیالیسم وامپریالیسم‌تجلی‌می‌کند. به همین علت تقریبا از اواسط دهه هفتاد در ایالات‌متحده آمریکا جستجو برای یافتن امکاناتی جهت رهائی ازبن‌بست‌استراتژیکی‌از راه آغاز دورجدید مسابقه تسلیحاتی‌به‌اعتبار نظریات جدیدکارشناسان نظامی‌درباره جنگ جهانی، شدت یافت. کان یکی‌از کارشناسان نظامی‌معروف ایالات متحدهٔ‌آمریکابیشرمانه‌در این‌باره چنین اظهارنظر کرده‌است: "ما می‌ـ خواهیم نیروهای هسته‌ای و حتی‌خودجنگ هسته‌ای رابه عامل معقولانه‌ترازآن چه که به عنوان وسیله سیاست ازآن‌استفاده‌شود تبدیل کنیم".

بعلت‌این‌که تجاوزهسته‌ای بمقیاس وسیع علیه اتحادشوروی برای ایالات متحده آمریکا به‌منزله خودکشی خواهدبود و وارد کردن ضربات "خلع سلاح‌کننده" درشرایط‌کنونی غیر عملی است. کوششهائی‌برای یافتن راه خروج ازبن‌بست به کمک نظریه‌هائی ازقبیل "حمله موشکی به‌آماجهای انتخابی"، "ضربات‌محدود ضدنیرو" آغازشد که می‌بایست به ابزار فشار سیاسی ایالات متحدهٔ‌آمریکا به طرف مقابل تبدیل شوند. نظریه "جنگ‌های محدود". و تسلیحاتی که بدین منظور تهیه‌می‌شود، بنابر عقیده‌مولفان این نظریه‌ها بایدجهانیان را متقاعدسازندکه برای ایالات متحدهٔ‌آمریکابکار بردن‌سلاح‌هسته‌ای (تاکتیکی‌وسپس‌استراتژیکی) اقدامی‌نامعقول‌نیست، زیرا مستلزم آن‌نیست‌که به یک درگیری نابودکننده همگان‌منجر شود. بدین ترتیب سیاستمداران‌آمریکائی‌می‌خواهند به‌مردم چنین تلقین‌کنند که‌گویاجنگ‌هسته‌ای می‌تواند محدودباشد وبدین‌وسیله‌مجاز بودن چنین جنگی را به افکارعمومی‌بقبولانند.

افسانهٔ «خطرشوروی» محورمسابقه‌تسلیحاتی

درارزیابی‌خط مشی‌رهبری‌سیاسی‌آمریکا در زمینه تسلیحات استراتژیکی‌لازمست به‌این مطلب توجه شودکه در شرایط تعادل قدرت نظامی میان اتحادشوروی‌وایالات‌متحدهٔ‌آمریکا معیارهای شناخته شده نظریه‌های استراتژیکی گذشته برای فعالیت نیروهائیکه مایل‌به‌ادامه مسابقه‌تسلیحاتی‌هستند محدودمی‌شوند. در این شرایط است که‌به‌صورت‌های‌مختلف همان افسانه‌های واهی "خطرشوروی" رامطرح‌می‌کنند وبرای بالابردن قدرت تسلیحات هسته‌ای ایالات متحدهٔ‌آمریکاوظایف استراتژیکی‌نوینی‌را **پیش می‌کشندتابدینوسیله امکان ادامه مسابقه تسلیحاتی‌راتامین‌نمایندوانباشت هرچه‌بیشتر ذخایر سلاح هسته‌ای راهدفمندوانمودسازند. این جریان درواقع نظریه‌اندیشمندان‌رادرباره پیوند متقابل‌دیالک تیکی میان‌وسایل‌وشیوه ـ های‌اجرائی‌جنگ تسلیحات، تاکتیک‌واستراتژی تایید می‌کند.** چنانکه یکی‌ازاندیشمندان بزرگ دراین باره خاطرنشان‌کرده‌است: سازماندهی ارتش و شیوه‌هائی‌که دراجرای جنگ‌بکار برده می‌شودبه شرایط مادی بستگی دارند. کامیابی ـ های دانش و صنعت همواره همین‌که‌بمرحله عمل‌درآمدند‌درامورنظامی مورداستفاده قرار گرفتندوبی‌درنگ موجب تغییرات وحتی‌تحو‌ـ لات کیفی درشیوه‌های اجرای جنگ شده‌اند.

وحشت دربرابر ضربه‌نابودکننده‌متقابل به‌امپریالیسم اجازه نمی‌دهدکه درعمل سلاح موشکی هسته‌ای را بکاربرد.

برنامه‌های استراتژیکی که به آنهااشاره شداهداف سیاسی دیگری را نیز شامل‌اند. رهبری وزارت دفاع آمریکااین وظیفه‌رادربرابر خودقرارداده‌است که دور جدید مسابقه تسلیحاتی پر خرج را که در دهه هشتاد آغاز شده به اتحادشوروی بویژه درآن رشته‌هائی تحمیل کند که‌آمریکا درآن رشته ها خود را نیرومندتصورمی‌کند. واشنگتن نیات خودرا در این‌باره که قصد دارد اتحادشوروی را با آغاز دور جدید تولیدوآغاز تولیدانواع‌سلاح های جدید موشکی هسته‌ای‌ازلحاظ اقتصادی‌بی‌رمق کند، پنهان نمی‌دارد.

بدین ترتیب معلوم می‌شودکه در پس رهنمودشماره ۵۹ نیات سیاسی‌جدی‌ودرازمدت محافل‌امپریالیستی ایالات متحده آمریکانهفته است وهمین محافل‌هستندکه‌اندیشه‌های‌استرا‌ـ تژیکی‌مشکوک رابه عامل معینی درسیاست آمریکا تبدیل کرده‌اند.

سرتاسر تاریخچه مسابقه تسلیحات هسته‌ای طی‌سالهای پس‌ازجنگ، مشحون از تلاشهای ناموفق ایالات متحد آمریکا برای رهائی ازبن‌بست سلاح‌هسته‌ای‌است. امیدهای سیاستمداران‌ونظامیان‌آمریکابرای دستیابی به برتری درزمینه سلاحهای هسته‌ای بر اتحاد شوروی و یاحداقل بدست آوردن برتری های یک جانبه نظامی دراین‌زمینه برای ایالات متحده آمریکا درگذشته همواره به یاس‌گراییده وبطریق‌اولی‌درشرایط‌کنونی تناسب نیروهای جهانی‌محکوم به ناکامی‌خواهندبود. دراتحاد شوروی اقتصاد، علم و تکنیک‌اکنون در چنان سطح عالی قرارداردکه این‌کشورقادراست در کوتاه ترین‌مدت‌هرنوع سلاح مدرنی را تولید کندکه دشمنان صلح بخواهندآنراوسیله‌تهدید قرار دهند، با وجود این، اتحاد شوروی بارها اعلام کرده است که در صدد دستیابی به‌برتری‌نظامی‌برطرف‌دیگرنبوده‌ونیست و چنین کوششی باسیاست کشورشوراهامغایرت دارد. درعین حال‌اتحادشوروی‌اجازه‌نخواهد دادکه طرف دیگر برتری نظامی نسبت به وی کسب کند. علاوه براین، تلاش برای بی‌رمق کردن اتحادشوروی ازلحاظ اقتصادی باتحمیل مسابقه تسلیحاتی نامحدودبه همان میزان بی‌اساس وبی‌فرجام است.

درعصرسلاح‌هسته‌ای‌امنیت‌رابا‌تصمیمات نظامی‌نمی‌توان‌تامین‌نمودوامنیت‌هرگزبامسابقه تسلیحاتی تامین نمی‌شودبلکه بایدشیوه‌ها و برخوردهای‌اصولی‌جدیدی‌دراین‌راه بکاربرده شود. موفقیت درامرتنش‌زدائی‌وموافقت‌نامه‌ـ های مهم درباره محدودکردن تسلیحات در دهه هفتاد، امکان کاربرد چنین‌شیوه وبر‌ـ خوردومزایای آن رانشان داد.

مخالفان تنش‌زدائی‌وطرفداران‌مسابقه تسلیحاتی‌درایالات‌متحده آمریکاتلاش‌دارندان بغرنجیهای اوضاع بین‌المللی ومشکل‌تطبیق دادن سیاست آمریکا باتوازن‌عینی‌استراتژیکی درعرصه جهانی‌که در دهه هفتادو آغاز دهه هشتاد پدید آمده برای پیشبرد نقشه‌های‌خود استفاده کنند. نفوذاین‌گروه‌بندی‌ها‌هنوزمطلق نیست، امافعالیت‌های تحریک آمیزآنان‌زیان‌ـ های‌سیاسی‌ملموسی‌راببارمی‌آورد. درضمن‌حتی درشرایط پیچیده کنونی در ایالات متحده و خارج از آن‌بسیاری ازشخصیت‌های‌محافل‌حاکم درآمریکاباوجوداتکا به‌قیدوشرطهائی ناگزیر به این‌مطلب اعتراف دارند که‌ادامه مذاکرات درباره محدودکردن‌تسلیحات استراتژیکی سودمندوبصلاح است.

پایان

در جلسه علنی هفته گذشته مجلس گفته شد:

سرمایه‌داران غارتگر هنوز هم هستند

با اجرای طرح اصلاحات ارضی اسلامی شرخانها و فئودالها را از سر روستائیان کوتاه کنید!

رئیس مجلس از ناتوانی شهربانی در جلوگیری از ترورهای ضدانقلابی بشدت انتقاد کرد.

مجلس شورای اسلامی در جلسات علنی هفته‌گذشته‌خود شاهد مراسم **تحلیف** آقای **محمدعلی رجائی** به‌عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران بود. درهمین **هفته** اکثریت نمایندگان مجلس به‌نخست **وزیری حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر رای** اعتماد دادند.

در این جلسات تروریسم وجنایات ضدانقلاب به‌شدت محکوم شد و **یکی از** نمایندگان اعلام کرد که سرمایه‌داران غارتگر هنوزهم هستند، که‌خود را **ظاهرا** درصف انقلاب جازده‌اند.

درجلسه علنی روز دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۰، که‌به‌ریاست **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** تشکیل شد، پس از سخنان ناطقین پیش‌ازدستور، مراسم تحلیف آقای **محمدعلی رجائی**، رئیس جمهور جدید، به‌عمل‌آمد. دراین جلسه مراسم تحلیف ۲۷ نماینده مجلس نیز انجام گرفت مجلس دراین روز بحث‌وبررسی پیرامون طرح اراضی شهری راادامه‌داد.

درجلسه علنی مجلس، که روز سه‌شنبه ۱۳ مرداد ۶۰ تشکیل شد، نامهٔ رئیس‌جمهوری مبنی برمعرفی **حجت‌ــ الاسلام دکترجوادباهنر** به‌سمت نخست وزیری، ازسوی رئیس‌مجلس قرائت شد دراین جلسه‌همچنین برای ۲ تن از نمایندگان مجلس، که‌ازطریق انتخابات میاندوره‌ای به‌مجلس راه‌یافته‌اند، مراسم تحلیف بجاآمد. مجلس دراین‌روزبحث وبررسی راجع به‌طرح‌قانونی اراضی شهری راادامه‌داد.

سرمایه‌داران غارتگر هنوزهم هستند

فخرالدین حجازی، نماینده مردم تهران، یکی از ناطقین‌پیش‌از دستوراین جلسه‌بود. وی طی سخنانی ضمن اظهار تاسف‌ازاینکه "**هنوز پاسخی به ندای مستضعفان دربرآوردنیازشان‌نداده‌ایم**" یادآورشدکه:

"**هنوز بازارمابعضی سرمایه‌ــ داران هستندکه‌حلقومشان‌فراختراست و هاضمهٔ‌آنهاداغتر، احتکارچی‌وانحصارــ چی‌وبعضی‌ازآنهاحتی خودرا به‌ظاهر در صف‌انقلاب‌هم جازده‌اند. من‌از شاگرد کفاشهای بازارتهران شرمسارم که دستشان‌خونین‌است‌ازتیزی درفش و در دکانهای‌نمور رنج‌می‌برند وماحتی سرــ پناهی برایشان‌نساخته‌ایم. دهکده‌های ماازخانه‌های‌کلوخی‌شکل گرفته که یک زمین‌لرزه‌دهها‌هزارشان را نابودمی‌کند وهنوز به‌این‌مولدین زحمتکش دردمند نرسیده‌ایم.**"

ناطق دربخش‌دیگری‌از سخنان‌خود گفت:

"**اگر ما به مستضعفان دردمند نرسیم، هم برخلاف سوگندمان عمل کرده‌ایم، هم‌زمینهٔ تبلیغات ضدانقلاب راگسترده‌ترساخته‌ایم. آنهامی‌گویند‌اگر مابودیم، چنین‌می‌کردیم.**"

ناطق درقسمت دیگری از سخنان خود، ضمن‌محکوم کردن تروریسم، عاملان‌ترورهای‌شخصیت‌ها و مردم بیگناه را "**ضدخلق**"، "**دژخیم**" و "**جنایتکار**" خواند. ناطق همچنین‌گفت:

بگذاررادیو اسرائیل وصدای آمریکا مارا جنایتکار معرفی‌کنند. دنیا می‌داندکه‌جنایتکاران‌کیستند "حجازی درپایان‌سخنان‌خود خواستار تصفیه ارتش‌از عناصر جنایتکارشد.

بنی‌صدر حامی خوانین بود

آقای **تاج‌گردون**، نمایندهٔ مردم کهکیلویه وبویراحمدی، یکی از ناطقین پیش‌ازدستور این‌جلسه‌بود. ناطق طی سخنانی به‌فعالیت‌های مخرب فئودالها و ضدانقلابیون درحوزهٔ‌انتخابیهٔ‌خود اشاره‌کردوگفت

"**بیشترین‌خوانین‌آن‌منطقه اغلب نه‌تنها ساواکی، بلکه‌عضو سیای آمریکای جنایتکار وازعمال شاه‌بوده‌اند و مردم عشایرهمیشه‌تحت‌فشارسه‌قدرت: سیا، ساواک‌وماموریـن دژخیم‌خان بسرمی‌برده‌ــ اند. زمینهای‌احیاشده‌کشاورزان را غصب وتصاحب‌کرده‌ودربسیاری از موارد به شرارت وارعاب‌مردم مشغولند.**"

ناطق همچنین‌گفت: "**اینان‌که‌سابقا تحت‌حمایت‌رژیم شاه‌خائن‌بودند، در زمان‌ریاست‌جمهوری بنی‌صدراز حمایت وی‌برخوردار و رشدوتقویت‌شده و کسب وجهه‌می‌نمودند. تاآنجائیکه اطلاع دارم برابرمدارک موجوداطلاع دارم حقوق ماهیانه‌دریافت‌می‌داشته‌اند و حتی در برخی‌مواقع براثراغتشاش در منطقه، پس ازدستگیری‌آنها توسط دادگاه‌های‌انقلاب بنابه‌توصیه‌بنی‌صدر بدون محاکمه آزاد می‌شده‌اند.**"

پس‌ازپایان‌سخنان‌ناطقین پیش‌از دستوراین‌جلسه، **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی**، رئیس‌مجلس، طی سخنانی، ضمن‌محکوم‌کردن بمب‌گذاری‌های ضدــ انقلاب‌گفت:

"**آقای‌بنی‌صدر به‌طور رسمی در مصاحبه می‌گوید که درایران‌نیروهادست اندرکارندکه‌یاران‌امام را از صحنه بیرون کنند تاحکومت خودبه‌خودبدست‌افرادی مثل‌ایشان‌بیفتد.**"

آنگاه‌مجلس‌وارد دستور شد و نامهٔ رئیس‌جمهوری مبنی بر معرفی **حجت‌ــ الاسلام دکترمحمدجوادباهنر** به عنوان نخست‌وزیر قرائت‌شد. بحث و رای‌گیری پیرامون نخست‌وزیری دکتر**باهنر**به‌جلسه بعدی مجلس‌موکول‌شد.

سپس مجلس بحث دربارهٔ‌طرح قانونی‌اراضی شهری راآغازکرد و پس از پیشنهادهای‌مختلف دربارهٔ طرح‌مذکور مواد ۱۰ و ۱۱ این طرح مورد تصویب‌قرار گرفت، ولی‌مادهٔ ۱۲ از تصویب‌نمایندگان نگذشت.

درجلسه علنی روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ۶۰، مجلس به‌نخست‌وزیری **حجت‌ــ الاسلام دکترباهنر**رای‌داد. پیش‌ازجلسهٔ علنی‌مجلس، به‌درخواست عده‌ای از نمایندگان، یک‌جلسهٔ‌غیرعلنی و غیرــ رسمی برای بحث دراین‌موردتشکیل‌شد. پس‌ازتشکیل‌جلسه‌علنی، **حجت الاسلام هاشمی‌رفسنجانی**، رئیس‌مجلس، تاکید کردکه‌یکی‌از اهداف عمدهٔ‌ضدانقلابیون ترور نمایندگان‌مجلس‌است. وی از نیروــ های‌امنیتی وانتظامی خواست‌که مراقبت خود را افزایش‌دهند. سپس در مورد نخست‌وزیری **حجت‌الاسلام دکتر باهنر** رای‌گیری‌مخفی وباورقه‌به‌عمل‌آمد، که با ۱۳۰ رای‌موافق‌و ۱۴ رای‌مخالف‌و ۲۴ رای ممتنع‌از مجموع ۱۶۸ رای، به‌تصویب‌رسید.

دراین‌جلسه‌همچنین اعتبارنامهٔ **موسی سلیمی**، نماینده‌میانه، به تصویب رسید. سپس بحث دربارهٔ‌موادی‌از طرح اراضی شهری ادامه‌یافت.

درجلسه‌علنی روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ۶۰ مجلس، ابتدا **کاظم نوروزی**، نمایندهٔ‌آمل، به‌عنوان‌اولین ناطق پیش ازدستور سخن‌گفت. وی‌ضمن اشاره به توطئه‌های‌مختلف‌آمریکا، توطئهٔ‌اخیرآنرا تشریح‌کرد. ناطق‌بااشاره‌به‌سخنرانی ۱۷ شهریور ۵۹ **بنی‌صدر**، که‌موجب امیدواری طرفداران‌آمریکاواتحادچپ‌نماهاوچپ‌ــ های‌آمریکائی‌باآنها‌شد، آنراباجمعه سیاه مقایسه‌کرد. وی‌تاکیدکرد:

"**همه‌کسانیکه‌بعداز ۱۷ شهریور ۵۹ دست‌به‌ایجاد دفتر هماهنگی‌زدند، منتظر بازگشت امریکابودند.**"

ناطق ازدادستان‌کل‌انقلاب ودادستانی‌انقلاب‌شهرستانها خواست که **موسسین** و فعالین این دفاتر به‌ویژه پس **از ۱۷ شهریور ۵۹**، را دستگیر ومحاکمه و **مجازات‌کنند.**

نوروزیهمچنین‌خواستارتصفیه تمام **طرفداران‌بنی‌صدر**از ادارات و بازار و **مشاغل دیگرشد.**

نمایندهٔ‌**آمل** آنگاه‌با اشاره به عدم **حمایت‌فئودالها و سرمایه‌داران و "شمال‌ــ شهریهای‌ویلانشین"** ازانقلاب و نقش فعال "**زنان ومردان جنوب‌شهر ومحلات فقیرنشین**" خواستار همفکری رئیس‌جمهور ونخست‌وزیرجدیدومجلس و برداشتن "**گامهای‌بلندواساسی در راه‌خدمت به مستضعفین**" شد.

ناطق دراین‌زمینه‌خواستار اجرای اصل ۴۹ قانون‌اساسی واسترداد اموال غصب‌وغارت‌شده‌از غاصبین و غارتگران شده‌ودر مورداصلاحات‌ارضی‌گفت:

"**باتصویب‌واجرای طرح اصلاحات ارضی‌اسلامی شرخانهاوفئودالهای‌خون‌ــ آشام‌را از سر روستائیان‌کوتاه‌کنید.**"

نوروزیدر پایان‌تاکیدکرد:

"**دولت‌آینده‌هیچ‌بهانه‌ای درعدم رسیدگی‌به‌وضع مستضعفین‌نخواهدداشت.**"

دومین‌ناطق، **زینعلی** نمایندهٔ بهبهان، به‌تشریح‌تروریسم ضدانقلابی پرداخت وآنرادلیل زوال و مرگ مسببین آن‌دانست. وی‌بااشاره‌به ترور **حجت‌ــ الاسلام بخردیان** در بهبهان، که‌به‌گفته ناطق "**طرفدارسرسخت‌لغومالکیت‌اراضی موات‌شهری واجرای بند "ج" اصلاح اراضی‌بود**" تاکیدکردکه‌این ترورها "**جز درجهت تحکیم حاکمیت امپریالیسم آمریکا وایجادرژیم خفقان نو استعماری جهت‌دیگری نمی‌تواند داشته‌باشد.**"

سپس **فوآدکریمی**، نمایندهٔ اهواز دربارهٔ‌زندگی ونظرات دکتر**آیت**، که توسط ضدانقلابیون ترور شد، سخن‌گفت.

آنگاه **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی**، رئیس‌مجلس‌با اشاره به ترور دکتر**آیت** وترور ناموفق دو نفر دیگر از نمایندگان‌مجلس، ازنمایندگان‌خواست‌که بیش‌ازپیش‌ازخود محافظت‌کنند.

رئیس‌مجلس در بخش دیگری از سخنانش گفت:

"**مردم دیروز جداًازشهربانی خشمگین‌بودندوشهربانی مقصراست.**"

حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی، ضمن‌اشاره‌به‌فعالیت‌شدید شهربانی در دوران‌رژیم‌دژخیم‌پهلوی گفت:

"**شهربانی‌امروز بیکاراست**" رئیس مجلس‌افزود: "**من‌اخطارمی‌کنم‌به‌شهرــ بانی که‌ازاین‌به‌بعدمانمی‌توانیم تحمل کنیم‌که ۵ میلیاردتومن‌بودجه‌کشور را به شمابدهیم ودرکنارکلانتری یک نماینده مجلس‌راچندماشین‌به‌گلوله ببندند و ماشین‌ازجلوی ماشین‌کلانتری‌عبورکندو شمااو را پیدانکنید.**"

رئیس‌مجلس ازشهربانی‌خواست‌که برای‌حفظ امنیت‌کشور و مردم**و**اثبات لیاقت‌خودبیشتر وجدی‌تر تلاش‌کند.

بمب‌گذاری...

بقیه از صفحه ۱

دادن ایران به‌جنگ‌داخلی است. در واقع بعدازشکست نقشه مسخ انقلاب از درون برای باردوم ــ واین بار توسط **بنی‌صدر** ــ امپریالیسم جهانی، به سرکردگی‌آمریکای جنایتکار، نقشهٔ **الکساندرهیگ**، یعنی‌ایجادجنگ‌داخلی برای‌بازگذاردن راه مداخلهٔ مستقیم آمریکادرایران را در دستور روز قرار داده‌است. امپریالیسم آمریکا برای انجام‌این‌نقشه‌خائنانه‌این‌بار دیگر آشکارا از "مجاهدین" بهره‌می‌گیردکه همچنان‌تحت‌نفوذ رهبری‌خائن وضدــ انقلابی‌این‌سازمان‌قراردارند، رهبری‌که آشکارادرمصاحبه‌باروزنامه‌ها، نشریات، مجلات‌ورادیوهای‌امپریالیستی ــ که‌این روزهاحسابی‌همدوانه‌زیربغلش‌میگذارند ــ ترور وانفجاربمب‌را، که حاصل آن از جمله‌کشتاردهها‌عابر و کودک بیگناه است، عملی "انقلابی" میشمارد. کسانی که‌هنوز تحت‌رهبری‌رجوی‌ها به کشتار مردم ومسئولان‌ادامه‌می‌دهند، آنچنان درهمدستی‌باضدانقلاب به منجلاب سقوط کشانده‌شده‌اند، که‌دریاد ندارند مجاهدین‌راستینی‌چون‌حنیف‌نژادها، صادق‌ها و... که رهبری کنونی "مجاهدین" به‌خون‌پاک‌آنهاوآرمانشان خیانت‌کرده‌است، هنگام طرح‌ریزی ترورهادرزمان‌طاغوت، ترور بزرگترین مهره‌های‌رژیم شاه‌را، اگرقراربود سبب مرگ یک‌عابر بیگناه‌هم شود، ازدستورکار خارج‌می‌کردند. وامروزکسانی‌که‌خود را "مجاهد" می‌خوانند، دست‌دردست ساواکی‌هابه‌ترورو‌کشتارمردم بی‌گناهی پرداخته‌اندکه‌تنها "جرم" آنهادفاع از انقلابشان‌ومبارزه‌بی‌امان‌باامپریالیسم غارتگرجهانی به‌سرکردگی‌آمریکاست.

نقشه‌شوم‌امپریالیسم‌آمریکا تا کنون، به‌گزارش‌سخنگوی‌دولت‌رجائی، تنهادرفاصله‌پنجم‌تادهم‌مرداد، ۳۱ نفر راکشته‌و ۴۶ نفررامجروح‌کرده‌است. اگر به این‌رقم، تعداد کشته‌شدگان و مجروحان‌انفجاربمب‌درمقابل‌انستیتو پاستور و بازارکرمانشاه راهم‌اضافه‌کنیم میزان‌کشته‌شدگان‌به ۴۹ نفرمی‌رسد و تعداد مجروحان‌از ۱۰۰ نفربیشترمی‌شود.

براستی‌هرکس‌که‌هنوز از کمترین شرف‌انسانی برخوردار باشد، برخود خواهدلرزیدکه‌از ۴۹ نفری‌که‌درانفجارــ های‌اخیرکشته‌شده‌اند، ۴۰ نفر آنها عابران‌بیگناه، کودکان، زنان و مردان زحمتکش‌وطن‌مابوده‌اند، که قربانی جنایت‌ضدانقلاب شده‌اند.

شکل‌ترورها و انفجارهای‌اخیر نشان‌می‌دهدکه‌هدف‌واقعی این جنایات‌ایجاد رعب و وحشت‌در میان مردم‌است. منفجرکردن‌اتومبیل هائی که‌درکنارخیابان‌پارک‌شده‌اند، منفجر کردن‌پل‌عابرپیاده انفجاربمب‌درمقابل بیمارستان ودر بازار، پرتاب کوکتل مولوتف‌به‌مغازه تجاری‌وخواربارفروشی و... همه وهمهٔ‌این‌جنایات‌نشان‌می‌ــ دهدکه‌ضدانقلابیون‌آشکارامردم بی‌ــ گناه‌راهدف‌گرفته‌اند، تابه‌نیت‌شوم‌خود ــ که‌حالا، بعدازتلاش‌برای بازــ گرداندن شاه‌ملعون وبختیارخائن، نوبت به بازگرداندن بنی‌صدر و ملحکش رسیده ــ برسند و بار دیگر ایران‌راتسلیم‌امپریالیسم‌جهانی‌کنند.

کسانی‌که‌دست‌به‌اینگونه‌جنایات میزنند، صرفنظر ازاین‌که‌به‌کدام‌نیت وبرچه‌پوششی‌این‌اعمال‌جنایتکارانه راانجام‌می‌دهند، خواسته‌یاناخواسته بصورت عامل مستقیم امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی‌آمریکای‌جنایت‌ــ کارعمل‌می‌کنند. ولی‌چنین‌اعمالی نه تنها به‌نتیجه‌نخواهد رسید، بلکه‌عزم مردم قهرمان‌مارا درمبارزه به‌خاطر پیروزی‌نهائی انقلاب‌بیشتر جزم خواهدکردوآنها را درمقابله‌باتوطئه امپریالیسم‌استوارترخواهد کرد. از همین‌رواست‌که‌انقلاب از ارگان های خود در برابر این جنایت قاطعیت طلب‌می‌کند. بدون‌کمترین‌تردیدباید مرتکبین‌این‌ترورها وبمب‌گذاری‌ها را به‌سخت‌ترین‌مجازات‌هارسانید. اما در عین‌حال‌این‌قاطعیت‌انقلابی باید با درایت‌انقلابی‌نیزهمراه‌باشد. بدون شک‌بسیارندکسانی که‌فریب‌شعارهای پوچ‌رجوی‌هاراخورده‌اند و با قلبی سرشار ازعشق خدمت‌به‌مردم ومیهن دردام‌فریب‌افتاده‌اند. اینان بدون شک‌حاضربه‌کشتارمردم و پیروی از سیاست‌ضدانقلابی وشیوهٔ‌تروریستی "رهبری‌مجاهدین خلق" نیستند. درایت‌انقلابی‌طلب‌می‌کند که راه بازگشت برای اینان بازگذارده‌شود و انقلاب‌آنهارابه‌آغوش خودبپذیرد.

ودراین‌رهگذرما بار دیگر به اعضاوهواداران‌مجاهدین‌هشدارمی‌ــ دهیم. ماباز‌هم ازآنهامی‌پرسیم: آیا نمی‌بینیدکه‌آشکارابه‌همدست‌ساواکی‌ــ هاوسلطنت‌طلبان‌تبدیل‌شده‌اید؟ آیا هنوز روشن‌نیست راهی که "رهبری مجاهدین" شمارابه‌ادامه‌آن‌می‌خواند عملا به‌اتحادعلنی با بختیاروایسی ختم می‌شود؟ آیاکشتار مردم بیگناه همان آرمان‌انقلابی‌است‌که‌شما در پی آن‌بودید؟

اکنون‌که‌ماهیت ضدانقلابی و خائنانه "رهبری‌مجاهدین" برهمگان روشن‌شده‌است، باردیگر ازهمه اعضاو هواداران "مجاهدین" می‌خواهیم که راه‌راستین‌خدمت‌به‌خلق را بشناسند وباسرمشق‌گرفتن‌از**سعادتی** که‌مرگ‌خود راوثیقه‌نجات‌آنها از گرداب‌کرد، به آغوش‌انقلاب‌بازگردند. غیر از این، ادامه‌راهی‌که**رجوی**آنرااکنون از "بی. بی. سی" و "صدای‌آمریکا" فریادمی‌کند، اگرپناه بردن آشکار به‌آغوش بختیار نباشد، مبدل‌شدن "مجاهد" به "تروریستی" است که در خشم خلق ذوب‌خواهدشد.

برنامه فقروگرسنگی ریگان برای آمریکا

بنوشتهٔ "دیلی‌ورلد" (نیویورک) کاهش برنامه‌های اجتماعی‌در ایالات متحده‌آمریکا، شماره بیکاران را بالا خواهدبرد و گرسنگی وفقرمیلیون‌ها آمریکائی را افزایش خواهدبخشید.

این‌روزنامه می‌نویسد:

"پیامد مستقیم‌کاهش بودجه از سوی دولت ریگان آن خواهد بود که ۱۲۵۹۲۰۰ تن دیگر به خیل بیکاران خواهندپیوست. ازهمه بیشتر کسانی زیان خواهنددید، که کمتر ازدیگران سزاوار ازدست دادن کارشان‌هستند: جوانان، اقلیت‌هاو کارگران‌ناآموخته"

"دیلی‌ورلد" می‌افزاید:

"کاهش های ریگان ملتی‌را فقیر خواهدکرد. ۶۵۹ هزارخانواده، که تا کنون بابهره‌مند شدن ازکمک‌هزینهٔ رفاهی زندگی‌می‌گذراندند، اکنون از لیست مربوط حذف گردیده‌اند. این وضع درکالیفرنیا ازهمه وخیم‌تر است، چه دراین‌ایالت ۵۱۰۱۷ خانواده‌ازکمک هزینهٔ رفاهی محروم شده‌اند.

کاهش‌های ریگان‌ملتی را گرسنه خواهد کرد، رویهم رفته ۴۰۰۸۳۶ خانواده از هرگونه‌کمک "سازمان‌**کمک به** خانواده‌های بچه‌دار" (ای. اف. دی. سی.) بی‌بهره خواهند ماندو **۲۵۸۵۲۸** خانواده دیگر بخشی ازاین کمک **را از** دست خواهند داد. دراین زمینه **نیز** زیان‌کالیفرنیا با ۴۲۰۱۰ خانواده**ازهمه** بیشترخواهدبود".

هیروشیما

این کلمه یادآور بزرگترین فاجعه تاریخ بشری است. در آخرین روزهای جنگ دوم جهانی هنگامیکه آلمان هیتلری تسلیم شده و شکست ژاپن نیز حتمی بود، بمب افکن‌های آمریکائی بر فراز ژاپن به پرواز درآمدند و نخستین بمب اتمی خود را بر روی شهر هیروشیما افکندند. شماره کشتگان و آسیب دیدگان این بمباران وحشیانه، که هیچ توجیه نظامی نداشت و همهٔ کشته شدگان و آسیب دیدگان نیز از مردم غیر- نظامی بی دفاع در برابر بمباران اتمی بودند، بیش از صدها هزار نفر بود. امریکای جهانخوار با ترکاندن بمب اتمی برفراز هیروشیما میخواست به مردم جهان بفهماند که قادر مطلق است و هیچ کس یارای آن نیست که در برابر ارادهٔ او ایستادگی کند. سه روز پس از هیروشیما بمب اتمی دیگری بر ناکازاکی، شهر و بندر دیگر ژاپن افکنده شد و چهل هزار تن را در یک آن به هلاکت رساند.

امپریالیسم آمریکا سیاست جهانی خود را در دوران پس از جنگ بر پایه طنین مرگ آفرین بمب‌های هیروشیما و ناکازاکی آغاز نمود. امپریالیسم آمریکا میخواست نشان دهد که دیگر سخنی برتر و اراده‌ای بالاتر از ارادهٔ او نبایست در جهان وجود داشته باشد. کاخ سلطه ستمگران در تمام درازای تاریخ بر استخوان ستمدیدگان بنا شده است، اما هیچ دولت استعمارگری در تاریخ با چنین سلاح موحشی به میدان نیامده بود. بمباران هیروشیما و ناکازاکی دورنمای تیره‌ای را، که خلق‌ها در برابر نیرومندترین دولت امپریالیستی جهان مسلح به سلاح اتمی درپیش داشتند، آشکار ساخت. امپریالیسم آمریکا دندان اتمی خود را نشان میداد که قدرت مقاومت را از خلق‌های جهان در برابر سیاست غارتگرانهٔ خویش سلب کند.

اما انحصار سلاح اتمی برای مدت زیادی در دست امپریالیست‌های آمریکائی باقی نماند. اتحاد شوروی نیز به برکت علم و فن پیشرفته خود به سلاح اتمی دست یافت. وتنها پس از پایان دادن به این انحصار بود که دنیای ستم- دیدگان نفسی به آسودگی کشید. تناسب نیروهای نظامی بین کشورهائی که در اردوگاه امپریالیستی گرد آمده بودند وکشورهائی که سیستم نوین جهانی سوسیالیستی را به وجود آورده بودند، به سرعت تغییر یافت و در سال‌های دههٔ هفتم وهشتم بر پایهٔ رشد سریع اقتصادی وفنی کشورهای سوسیالیستی، توازن استراتژیکی بین دنیای سرمایه‌داری و دنیای سوسیالیسم برقرار گشت. اینک دولت ریگان میکوشد این توازن را بار دیگر به سود دنیای سرمایه‌داری تغییر دهد. واضح است که اگر تغییر دادن تناسب نیروها در دو دههٔ قبل برای امپریالیسم آمریکا میسر نشده بود در سالهای آینده نیز، بدلیل آهنگ رشد سریعتر دنیای سوسیالیسم، هرگز میسر نخواهد شد و تنها پیامدی که کوشش دولت‌های امپریالیستی میتواند به بار بیاورد، گسترش مسابقه تسلیحاتی و تمام مصائب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ناشی از آن و افزایش خطر جنگ و در صورت بروز جنگ، وپدید آمدن صدها هیروشیما و ناکا- زاکی تازه به مقیاس بی اندازه وحشتناکتر است، زیرا بمب‌هائی که برفراز هیروشیما و ناکازاکی ترکیدند، در برابر بمب‌های هسته‌ای کنونی اسباب بازی کودکانه‌ای بیش نیستند.

درک این خطر که سیاست دولت های امپریالیستی چه فاجعه‌ای میتواند برای خلق ها وبیش از همه برای خلق‌های اروپا به وجود بیاورد روز به روز در تمام قشرها وطبقات مردم آن قاره عمیق تر میشود. راه‌پیمائی بین المللی صلح، که طی پنج هفته اخیر صدها هزار نفر به آن، در قسمتی از طول مسیر ۷۰۰ کیلومتری اش، ملحق شدند، در آخرین مرحله خود به خاک فرانسه وارد شد و در روز ششم اوت، روز بمباران هیروشیما، پس از یک میتینگ در پاریس پایان یافت. شعارهای اصلی راهپیمایان عبارت بود از: "فاجعه هیروشیما نباید تکرار شود." "در اروپا جائی برای استقرار موشک‌های هسته‌ای آمریکا نیست." "مذاکره، نه مسابقه تسلیحاتی."

اوج گیری روحیهٔ ضد جنگ در اروپای غربی بویژه درمیان جوانان، محافل حاکمهٔ این کشور- ها را به شدت نگران کرده است. روحیهٔ ضد جنگ به خصوص در بین مردم آلمان غربی، که ثمرهٔ سیاست‌های جنگ‌افروزانهٔ هیتلری‌ها را از یاد نبرده‌اند، بسیار نیرومند است. سران آلمان غربی تلاش میکنند مردم را فریب دهند و آنها را متقاعد سازند که ایالات متحدهٔ آمریکا و هم پیمانان غربی اش برای انجام مذاکره با اتحاد شوروی درباره محدود ساختن سلاح‌های هسته‌ای وموشکی در اروپا تدارک می بینند. گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال چند روز پیش در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که مقدمات این مذاکره آماده شده و به زودی آغاز میگردد. خبرگزاری شوروی تاس، ضمن تفسیری این ادعای وزیر امور خارجه آلمان فدرال را تکذیب کرد و گفت که ایالات متحدهٔ آمریکا در چنین فکری نیست و دولت ریگان سیاست کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی را مصرانه دنبال میکند. این سیاست جزئی از استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا برای برقراری سلطهٔ از دست رفتهٔ خود بر جهان است عناصر دیگر این استراتژی را میتوان در توسعهٔ پایگاه‌های نظامی وتشکیل سپاه واکنش سریع و سازمان‌دهی توطئه‌ها ودسیسه‌ها برضد دولت- ها وخلق‌های مبارز علیه نفوذ آمریکا و ایجاد گروه‌بندیهای سیاسی ونظامی هوادار امپریالیسم مشاهده نمود.

تفسیر وقایع مهم جهان

در حال حاضر امپریالیست‌های آمریکائی، علاوه بر اروپا، فعالیت خود را در بخش وسیعی از خاورنزدیک ومیانه تا اقیانوس هند و خلیج فارس متمرکز ساخته‌اند ومیکوشند به کمک رژیم- های دست نشاندهٔ خود موج تازهٔ انقلابی را، که در این منطقه برخاسته است، خفه کنند و منابع عظیم این منطقه، بخصوص نفت، را در تصرف خود نگاه دارند. رژیم های خیانتکار مصر، پاکستان، عربستان سعودی واسرائیل هریک در جهت معینی به تحقق این سیاست آمریکا در منطقه کمک میکنند.

سادات به پابوس ریگان می رود

میتوان گفت که اگر خیانت سادات به خلق- های عرب نبود، هرگز اسرائیل نمی توانست با این بی پروائی زنان وکودکان فلسطینی را در زیر بمب‌های سنگین خود نابود کند. فرار خیانت بار سادات از جبههٔ واحد اعراب وتسلیم شدن او به اسرائیل برقدرت مقاومت اعراب در برابر تجاوزات اسرائیل، که از حمایت بی دریغ امپریالیسم آمریکا برخوردار است، ضربت کاری وارد نمود. هنگامیکه بگین در شرم الشیخ با سادات ملاقات نمود، سادات، صراحتا به وی اطمینان داد که اگر بین اسرائیل و سوریه جنگی درگیرد، اسرائیلی ها میتوانند از جانب مصر آسوده خاطر باشند. سادات دست اسرائیل را در حمله به سوریه ولبنان وسازمان آزادی بخش فلسطین بازگذارد. خیانت سادات، همراه با تضمیناتی که هیگ در سفر خود به اسرائیل به دولت بگین داد، زمینه مساعد سیاسی ونظامی را برای حملات وحشیانهٔ هوائی اسرائیل برلبنان فراهم ساخت. اینک سادات به واشنگتن رفته است تا بریک خیانت دیگر خود، که باز کردن پای سربازان آمریکائی به خاک مصر، زیر عنوان نیروی چند ملیتی حافظ صلح در سیناست، صحه بگذارد.

درآستانهٔ سفر سادات به واشنگتن دولت اسرائیل اعلام کرد که نوار غزه وبخش کرانهٔ غربی رود اردن را، که در سال ۱۹۶۷ به اشغال خود درآورده است، سرزمین های متعلق به اسرائیل میداند وبه هیچ قیمتی حاضر نیست آن را به صاحبان اصلی اش مسترد دارد. دراین شرایط سادات به فلسطینی ها توصیه میکند که با اسرائیل مستقیما وارد مذاکره شوند (بر سر چه؟)

استقرار نیروهای آمریکائی در شبه جزیرهٔ سینا، به عنوان نیروی چند ملیتی حافظ صلح، همزمان با تلاش آمریکا به منظور ایجاد پایگاه نظامی در راس بناس با هزینه‌ای برابر با ۴۰۰ میلیون دلار برای استقرار نیروهای واکنش سریع، کشور مصر را به نومستعمرهٔ امپریالیسم و تکیه‌گاه ضدانقلاب در مرز آسیا وآفریقا مبدل خواهد نمود. رژیم سادات هم اکنون این نقش کثیف را درمورد میهن انقلابی ما وافغانستان ایفا میکند. روزنامه "الحوادث" چاپ لبنان نوشت که هزاران ضدانقلابی ایرانی در مصر لانه کرده‌اند. مربیان آمریکائی به آنان فن بمب‌گذاری وآدمکشی را یاد میدهند. خرابکاران از راه‌های مختلف به کمک گروه‌های ضدانقلابی به داخل ایران نفوذ میکنند. سادات در تجهیز، آموزش و اعزام خرابکار به افغانستان نیز همین نقش کثیف را به عهده گرفته است. رهبری تمام این عملیات هم در دست "سیا" ست.

افغانستان- آماج توطئه رژیمهای ارتجاعی

مجله آمریکائی "نیوریپابلیک" در یک مقالهٔ مفصل جریان فرستادن سلاح برای ضد- انقلابیون افغانی، از دوران ریاست جمهور کارتر تاکنون، را شرح داده مینویسد:

"دستور تنظیم عملیات را خود کارتر شخصا صادر کرد واجرای آنرا به برژینسکی و ترنر (رئیس سیا) واگذار کرد. ابتدا برای آنکه کار مخفی بماند سلاح‌های ساخت شوروی و یا عین آن سلاح‌ها را با دقت ساخته میفرستادند. کار اصلی را مصر، که سلاح‌های شوروی داشت، به عهده گرفت، کارخانه‌های اسلحه‌سازی مصر همه روزه صدها تن سلاح وجنگ افزار برای ارسال به افغانستان تولید میکردند. هزینهٔ تولید این سلاح‌ها را عربستان سعودی وآمریکا می پرداختند براون وزیر دفاع کارتر در سفر خود به پکن موضوع انتقال سلاح‌ها به افغانستان را با رهبران چین در میان گذاشت وآنان تقبل کردند که سلاح‌ها را به پاکستان برسانند واگر مرز پاکستان وافغانستان غیرقابل نفوذ شود، خودشان از راه‌های مرزی صعب العبور کوهستانی سلاح‌ها را به ضد- انقلابیون افغانی برسانند."

از نوشتهٔ این مجله آمریکائی دیده میشود که همکاری رژیم های خیانتکاری چون رژیم سادات ملک خالد وضیاءالحق با امپریالیسم آمریکا چه نقش شومی در صدور ضد انقلاب به کشور- های منطقه ایفا میکند. سادات، خالد و ضیاء- الحق به عنوان پشتیبانی از "مجاهدان اسلامی" افغانستان با امپریالیست‌های آمریکائی و سرویس‌های جاسوسی آنها از نزدیک همکاری میکنند، اما هنگامیکه کار به دفاع از مبارزان فلسطینی در برابر تجاوز خونین اسرائیل می- رسد، "اسلام" را فراموش میکنند و کوچکترین تکانی به خود نمی دهند. کشور ۸۰ میلیونی پاکستان با آن ارتش نیرومند، همراه با عربستان سعودی بزرگترین سرمایه‌دار جهان، اگر عرق مسلمانی داشتند میتوانستند در ظرف مدت کوتاهی تجاوزکاران اسرائیلی را سرجای خود- شان بنشانند. اما "اسلام" آنها تنها یک سمت دارد وآن سمت آمریکائی است.

سفر اخیر ضیاءالحق به ریاض وگفتگوهایش با ملک خالد، قبل از هرچیز به منظور تامین هم- کاری بین این دو رژیم ارتجاعی برای پیاده کردن "اسلام" ضدانقلابی خودشان انجام گرفت.

آنچه این دو رژیم ارتجاعی را به یکدیگر وهردوی آنان را به امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا نزدیک میکند، وحشت بی- پایان آنان از اوج گیری جنبش انقلابی است که نخستین علائم آن در پاکستان شدیدتر و در عربستان سعودی خفیف تر به چشم می خورد. اسرائیل برای آنان خطری در بر ندارد. اما ایران وافغانستان میتوانند پایه‌های رژیم لرزان آنها را متزلزل کنند. سرنوشت رژیم های آنان با امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا گره خورده است. آنچه بیش از هرچیز این دو رژیم وابسته را هراسان میکند، دورنمای تثبیت اوضاع درایران وافغانستان است. طرد دار و دسته بنی صدر از مقامات دولتی ایران نوید میدهد که علیرغم عملیات تخریبی که بدست مزدوران و عوامل جاسوسی امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، وافراد فریب خورده انجام میگیرد، انقلاب ایران بدوران تثبیت وسازندگی گام نهد وبصورت یک پایگاه انقلابی موثر در منطقه درآید.

در افغانستان نیز وضع به سرعت رو به ثبات میرود. افراد فریب خورده دسته دسته باندهای ضدانقلابی، راکه به روی خلق و میهن خود اسلحه میکشند، ترک کرده به خانه و کاشانهٔ خویش بازمیگردند. اقدامات دولت افغانستان درجهت واگذاری زمین به دهقانان و الغای مالیات‌های سه ساله آنان وتصویب قانون لغو بدهی های دهقانان به ملاکان و رباخواران، پایگاه مردمی حکومت انقلابی افغانستان را بسیار توسعه داده است. اکنون خود دهقانان از مزارع وروستاهای خود در برابر یورش‌های ضد- انقلابیون دفاع میکنند. دولت همچنین بهای بذر وکود معدنی را در حدود ۲۰ درصد کاهش داده وقیمت خرید اجناس کشاورزی از دهقانان را بیش از ۲۰ الی ۳۰ درصد بالا برده است. دهقانان افغانستان بیش از پیش احساس میکنند که دولت افغانستان دولت خود آنان است و لذا از آن پشتیبانی میکنند. درافغانستان همچنین برنامه وسیعی برای جلب فرزندان زحمتکشان به دانشگاه ومدارس عالی ترتیب داده شده است. ضد- انقلاب پایگاه اجتماعی خود را از دست میدهد و به باندهای تروریست تبدیل میشود.

میتوان با اطمینان گفت که خلق برادر افغانستان مهمترین مرحلهٔ بحران خطرناکی را که امپریالیست‌های آمریکائی از دوسال پیش با همدستی رژیم های ارتجاعی منطقه وخیانت- کاران چینی برایش آفریده بودند، با موفقیت پشت سرمیگذارد، هرچند هنوز امپریالیسم خبری "از دهلی نو از قول یک منبع موثق" صدها دروغ شاخدار درباره افغانستان جعل میکند و به خورد مشتریان خود میدهد.

تروریسم بی شک در افغانستان نیز مانند ایران آینده‌ای نخواهد داشت. انقلاب اگر به سوی هدف‌های مردمی خود گام بردارد و پایگاه اجتماعی خود را مستحکم کند، هرگز با تروریسم از پای درنخواهد آمد.

تروریسم سیاست رسمی آمریکا

تروریسم در دوران کنونی از مراکز جاسوسی امپریالیستی بویژه "سیا" سرچشمه میگیرد وماهیت عمیقا ضد انقلابی دارد. همزمان با روی کار آمدن ریگان در آمریکا، بار دیگر تروریسم به مثابهٔ سیاست رسمی دولت آمریکا پا به صحنهٔ روابط بین المللی گذارده است. در آئین نامه جدید فعالیت "سیا" دست این سازمان جهنمی در ترور شخصیت‌های مخالف با سیاست آمریکا وایجاد شبکه‌های تروریستی برای پیشبرد هدف‌های سیاسی ارتجاعی آمریکا به کلی باز گذاشته شده است.

تروریسم از ماهیت وسرشت امپریالیسم سر- چشمه میگیرد. امپریالیسم هرگز نمیتواند از راه انقلاب وجنبش‌های توده‌ای به مقاصد سیاسی خود دست یابد، زیرا هدف‌ها ومقاصد امپریالیسم عمیقا ضد انقلابی وارتجاعی است واین مقاصد جز از راه ترور و کودتا یا مداخله مستقیم نظامی نمی تواند جامهٔ عمل بپوشد. دولت جدید آمریکا که مبارزه با انقلاب های ملی ومردمی وجنبش‌های کارگری در سراسر جهان را به عنوان نخستین هدف استراتژیک خود برگزیده است، تروریسم را نیز به عنوان روش نیل به این هدف انتخاب کرده است. در ظرف یکی دوماه اخیر چند توطئهٔ تروریستی برای قتل شخصیت های برجسته مخالف با امپریالیسم کشف وخنثی شده است. نقشه قتل **قذافی**، رهبر لیبی، که به نوشته مجلهٔ آمریکایی نیوزویک زیرنظر مستقیم **ویلیام کیسی**، رئیس "سیا" طرح ریزی شده بود، توطئهٔ قتل **ایندیرا- گاندی** نخست وزیر هندوستان از راه ایجاد یک سانحهٔ هوائی، تهیه مقدمات ترور **فیدل کاسترو**، رهبر کوبا در مراسم جشن انقلاب، که در اثر دستگیری عاملان آن خنثی شد، ازجمله اقداماتی است که مشارکت "سیا" در آنها به اثبات رسیده است. در ترورهای اخیر ایران نیز جای انگشت ماموران "سیا" به خوبی نمایان است.

بدیهی است که "سیا" ترور را صرفا برای ترور انجام نمی دهد. ترور در دست عمال "سیا" وسیله‌ای برای نیل به هدف‌های سیاسی دورو نزدیک است. برکنار کردن قاطع ترین مبارزان از صحنهٔ مبارزه، ایجاد زمینهٔ روانی برای نشان دادن عدم تسلط حکومت انقلابی، فراهم کردن شرایط سیاسی واجتماعی به منظور ایراد ضربت کودتائی وغیره، ازجمله این هدف های سیاسی است. تردیدی نیست که به دنبال این موج وسیع ترور درایران، امپریالیست‌های آمریکائی نقشه- های خطرناکتری نیز برای میهن انقلابی ما طرح کرده‌اند، که فرار **بنی صدر ورجوی** پیش درآمد آن میتواند باشد. درضمن در تهیهٔ این فرار نیز دست مرموز "سیا" به خوبی مشهود است. ازآنجا شروع کنیم که خبرنگار "**ایت دیز**" برای منحرف کردن نهادهای انقلابی مادر کردستان با بنی صدر مصاحبه میکند و**سرهنگ معزی**، پس از قول وقرار با ماموران "سیا" در قاهره به ایران بازمیگردد و با اعمال نفوذ **بنی صدر**، که پیوند او با امپریالیسم دیگر محرز است، از کیفرهائی میابد وهواپیمای ربوده شدهٔ ایرانی بدون هیچ مانعی در یک فرود- گاه نظامی در پاریس به زمین می نشیند. آیا میتوان بدون مداخله سرویسهای جاسوسی امپریالیستی از این هفتخوان گذشت؟ آیا عقل سالم این را می- پذیرد که "سیا" "در تمام مدت تماشاگر این منظره بوده است؟

باری، جبهه ضدانقلاب بسیار وسیعتر از ائتلاف **بنی صدر و رجوی‌ها وپیکاری‌ها و رنجبری‌ها** ست وخطر آنها نیز تنها به ترور منحصر نمیشود. ضد انقلاب جبهه جهانی دارد و ما نیز برای رویاروئی با آن باید درجستجوی دوستان مطمئن باشیم.

به مناسبت فاجعهٔ "تل زعتر" اردوگاه آوارگان فلسطین در لبنان (۲۱ مرداد ۱۳۵۵)

تاریخچهٔ کوتاهی از زندگی، رنج و پیکار خلق فلسطین

فلسطین تا پس از پایان جنگ اول جهانی جزئی از امپراتوری عثمانی بود. با فروپاشی این امپراتوری و توافق میان قدرت های استعماری فرانسه و انگلستان دربارهٔ تقسیم خاورمیانه در سال ۱۹۱۶، انگلستان در سال ۱۹۱۷ در "اعلامیه بالفور" به صهیونیستها (جنبش نژادی، که یهودیان را خلق برگزیده می شمرد و هدف آن سیادت بر فلسطین است) قول داد که به آنها در تاسیس میهنی مستقل در فلسطین کمک برساند.

در سال ۱۹۲۲، با آغاز قیمومیت انگلستان بر فلسطین، مهاجرت وسیع صهیونیستها به فلسطین و راندن حسونت بار دهقانان عرب از این سرزمین آغاز می گردد. تا آن هنگام سکنهٔ عربی ـ فلسطینی ۹۱% ساکنان فلسطین را تشکیل می داد و ۹۷% زمین های این کشور را دارا بود.

از سوی دیگر، مقاومت فلسطینیها نیز از سال ۱۹۲۱ آغاز می شود و در سالهای ۳۹ـ ۱۹۳۶ به رستاخیزی همگانی می انجامد. یکان های مسلح صهیونیست های مهاجر در عکس العمل به این رستاخیز شرکت فعال می جویند.

از سال ۱۹۴۳ گروه تروریستی ـ صهیونیستی "ایرگون" (بسرکردگی ماخیم بگین، نخست وزیر کنونی اسرائیل) وسپس سازمان نظامی "هاگاناه" با حملات خود به انگلیسی ها می خواهند به قیمومیت بریتانیا پایان دهند و سکنهٔ فلسطینی را به ترک سرزمین آباء اجدادی خود وادار سازند.

سال ۱۹۴۷، بریتانیا از سازمان ملل متحد اجازه می خواهد تا قیمومیت خود را بر فلسطین خاتمه دهد. یک کمیسیون سازمان ملل متحد پیشنهاد می کند که فلسطین **به** دوکشور عربی و یهودی تقسیم **گردد**. محمع عمومی **سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۴۷** این **پیشنهاد را تصویب وموعد تاسیس دو** کشور را ژوئیهٔ ۱۹۴۸ تعیین میکند

اما تا تاریخ نامبرده نیرو های مسلح صهیونیستی ویکان های تروریستی (مرکب از درحدود ۶۷۵۰۰ نفر) بسیاری ازمناطق را به تسخیر خوددر می آورند وبه راندن ساکنان آنها اقدام می ورزند. فلسطینی ها ازمقابله با چنین قدرت نظامی بکلی عاجزند. پس ازآن که صهیونیست ها درسال ۱۹۴۸، یک جانبه استقلال کشور اسرائیل را اعلام می کنند، کشورهای عرب به جنگی ناهماهنگ و نه چندان قاطعانه علیه اسرائیل دست می زنند. درسال ۱۹۴۹ پس از اعلام آتش بس، اسرائیل ۷۷% سرزمین های فلسطین را زیرسلطهٔ خود دارد. تا سال ۱۹۵۰، ۹۶۰۰۰۰ فلسطینی از میهن خود رانده می شوند.

درسال های بعد، آوارگان فلسطینی به اقدامات گوناگون، ولی نامتشکل وانفرادی، علیه اسرائیل مبادرت می ورزند. درسال ۱۹۵۸، سازمان "الفتح"، متشکل ازنیرو های سیاسی مختلف، تاسیس می گردد همچنین درنقاط گوناگونی که فلسطینی ها درآنها زندگی می کنند، گروه های آزادیبخش پدید می آیند.

دراول ژوئن ۱۹۶۴ "**سازمان آزادیبخش فلسطین**" پایه گذاری میشود وتاسال ۱۹۶۸ همهٔ دیگرسازمان ها و گروه های فلسطینی رادربرمی گیرد. در همین روز "صندوق ملی" و "ارتش آزادی بخش" تاسیس می یابد.

درژوئن ۱۹۶۷ اسرائیل بار دیگر تجاوزی را آغاز می کند. درجریان این تجاوز نوار غزه، کرانهٔ باختری رود اردن، شبه جزیره سینا و بلندی های جولان به اشغال اسرائیل درمی آید. ۴۰۰ هزارنفر دیگر ازمیهن خود رانده می شوند.

ازآن هنگام، جنبش مقاومت به اوج های جدیدی دست می یابد. "**سازمان آزادی بخش فلسطین**" پابپای نبرد نظامی، فعالیت های سیاسی و اجتماعی خود را گسترش می دهد.

ایالات متحدهٔ آمریکاو متحدان آن برای پیشبرد هدف های استراتژیک ـ اقتصادی خود و **رویاروئی** باجنبش آزادی بخش خلق عرب **به یاری همه** جانبه اسرائیل می شتابند.

ازسال ۱۹۶۴ تا کنون سازمان ملل متحد "**سازمان آزادیبخش فلسطین**" رابعنوان تنها نمایندهٔ راستین خلق عرب فلسطین برسمیت می شناسد و نماینده "**سازمان آزادی بخش فلسطین**" دراین سازمان بین المللی بعنوان ناظر شرکت می کند. فزون براین، بیش ازصد کشورجهان نیزدراین میان "**سازمان آزادی بخش فلسطین**" رابرسمیت شناخته اند.

"**شورای ملی سازمان آزادیبخش فلسطین**"، که درواقع پارلمان فلسطین است، ۳۰۱ نماینده از سازمان های مقاومت، سندیکاها، اتحادیه های جوانان، دانشجویان وزنان وشخصیت ـ های مستقل را دربرمی گیرد.

"شورای ملی فلسطین" کمیته اجرائی رابرمی گزینند، که ریاست آن ازسال ۱۹۶۹ تاکنون با **یاسر عرفات** است.

شرایط دشوار کار و زندگی زحمتکشان اردن

هفته نامهٔ "هوریتسونت" (جمهوری دمکراتیک آلمان) چندی پیش گفتگویی با **فائق ورد**، دبیراول کمیته مرکزی "**حزب کمونیست اردن**" منتشر ساخت.

بگفتهٔ **فائق ورد** منطقهٔ خاور نزدیک سالهاست که به یکی ازتنش ـ زده ترین مناطق جهان بدل شده است. علت این امر رابایددرسیاست تجاوز ـ کارانهٔ امپریالیسم ایالات متحدهٔ آمریکاو محافل حاکم اسرائیل جستجو کرد. **فائق ورد** یادآورمی شودکه ایالات متحده آمریکا از هیچگونه کمکی به "تل آویو" دریغ نمی ورزد واین کشور بمثابه پایگاه گسترش سیادت خودبر خاورنزدیک، خلق هاومنابع طبیعی آن ـ بویژه نفت ـ می انگارد. وی تاکید می کند:

"**در دوران اخیر، محافل امپر ـ یالیستی و صهیونیستی فعالیت های مداخله گرانهٔ خود را درمنطقه ماتقویت می بخشند. فقر وفلاکت خلق فلسطین و نقض حقوق ملی آن از فرآورده های این سیاست هستند. همچنین خطرگسترش طلبی های جدیداسرائیل علیه لبنان، سوریه، اردن و دیگرکشورهای عرب افزایش می یابد. ازاین رو، تحکیم وحدت ملی برای اردنی هاوفلسطینی ها مهم ـ ترین و مبرم ترین وظیفه است. این امر برای مقابله باتلاش های تجاوزکارانهٔ اسرائیل واستیفای حقوق خلق فلسطین ـ خق بازگشت به میهن، تعیین سرنوشت خویش و تشکیل کشوری مستقل برهبری "سازمان آزادی بخش فلسطین" ـ بس ضرور است**"

بگفتهٔ **فائق ورد**، خلق فلسطین دراین پیکار از پشتیبانی خلق های دیگر کشورهای عرب، همهٔ نیروهای ترقی ـ خواه جهان وازکمک بیدریغ و انترنا ـ سیونالیستی کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی، برخوردارمی شود.

فائق ورد اظهارمی داردکه "**حزب کمونیست اردن**" که درصفوف خود اردنی هاوفلسطینی ها را متحد می سازدو امسال سی امین سالگرد پایه گذاری خود را بزرگ خواهدداشت، خویش را پیشاهنگ مبارزه خلق عرب فلسطین در راه استیفای حقوق پایمال شده خودمی ـ شمرد. بمنظور گسترش فعالیت حزب، سال گذشته تصمیم گرفته شدکه "سازمان کمونیستی فلسطین" لبنان بعنوان بخشی از "حزب کمونیست اردن" درآن کشور به فعالیت خودادامه دهد. درمناطق غربی اردن نیز، که اکنون در اشغال اسرائیل است، بخشی از "حزب کمو ـ نیست اردن" فعالیت دارد.

فائق ورد می افزاید:

"**پیکار مشترک آگاه ترین نمایند ـ گان خلق های برادر اردن و فلسطین یکی ازویژگی های حزب ماست. ریشهٔ این خصوصیت آن است که بیش ازنیمی ازاردنی ها فلسطینی الاصل هستند. از این گذشته، اکثریت فلسطینی های رانده شده ازاسرائیل در اردن زندگی می کنند**".

بخش های "**حزب کمونیست اردن**" درمناطق اشغالی در راه ایجاد جنبشی توده ای علیه اشغالگران ودرسندیکاهاو دیگر سازمانهای توده ای به مبارزه مشغولند. هدف "**حزب کمونیست اردن**" درکشور خود برقراری مناسبات دمو ـ کراتیک ورهائی اردن ازبندامپریالیسم است.

زحمتکشان اردن درشرایط بسیار دشواری زندگی می کنند. برخی از این دشواری ها را باید در زمینهٔ اقتصادی و در پیوند با اشغال مناطق غربی اردن از سال ۱۳۳۶ به این سو جست نیمی ازکار ـ خانه های اردن، که ۳۸% فرآوردهٔ ناویژهٔ اجتماعی راتولید می کردندو ۴۰% کارگران صنعتی کشور درآنها اشتغال داشتند، در این مناطق واقع بودند. فزون بر این، بیشترمحصولات کشاورزی اردن در این مناطق تولید می شد. درحدود ۴۰% مردم اردن درکشاورزی اشتغال دارند. دهقانان متوسط و مرفه، که تنها ۶% جمعیت دهقانی را تشکیل می دهند، مالک ۵۰% زمین کشت هستند. دولت اردن برآنست که روند صنعتی کردن کشور را شتاب بخشد، امااین سیاست بروابستگی هرچه بیشتربه سرمایه خارجی و کسر تراز بازرگانی استوار است.

زحمتکشان اردن بویژه از افزایش قیمت هاو کاهش دستمزدها رنج می برند. چه کارفرمایان هرچه بیشتر به اشتغال کارگران خارجی، که سیل آنها به سوی اردن سرازیرشده است و به دستمزد نازل ترقانع هستند، دست می یازند.

فائق ورد درپایان می گوید:

"**این واقعیت ها نشان می دهدکه حزب ما درپیکار در راه حقوق زحمتکشان وبهبود شرایط کار و زندگی آنها باچه وظایف سنگینی روبروست**".



اشغالگران صهیونیست قدس زنان وکودکان بی دفاع فلسطینی راقتل عام می کنند.

احزاب، جمعیت ها وگروه ها

بنی صدر آمریکا رابه عنوان خطرناکترین دشمن اززیرضربه خارج ساخت

اخیرا اعلامیه کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران "پیروکنگرهٔ چهارم" تاریخ ۱۳ ـ۴ـ ۱۳۶۰ درباره عزل بنی صدر به دستمان رسید که قسمت هایی از آن را جهت اطلاع خوانندگان در زیر نقل می کنیم:

"بنی صدر... طی هفده ماه ریاست جمهوری بدپشت وپناه عناصر واپسگرا بورژوازی وابسته، بقایای رژیم سابق و مائوئیست های آمریکایی تبدیل گردید. قشقایی های گرفتار در بند انقلابیون، به دستور او آزاد شده و فراری گشتند، باقریها و دیگرتوطئه چینان علیه انقلاب با مساعدت وی درصد دقرار برآمدند. ازبازار ـ یان وارد کننده وفروشنده دست اول که تنها طی دوسال به اندازه بیست سال مردم را چاپیده و سود بردند گرفته تا بزرگ زمینداران و کلان ـ سرمایه داران، ازگروهک های لیبرال وهرج ومرج **طلب گرفته تا بوروکرات ها، تکنوکرات ها همه و همه ازبنی صدر درمقابل دولت حمایت می ـ کردند.**"

"بنی صدری که در ماه های اول ریاست جمهوری تهدیدکردکه سربازان نباید تا سرکوب وخلع سلاح کامل گروهک های مسلح در کردستان پوتین خودرا از پادرآورند، آنقدر درفکرجذب مخالفین دولت پیش رفت که برحادثهٔ بمباران "**دوله تو**" سرپوش نهاد وبجای محکوم کردن باند قاسملو و رژیم جنایتکار عراق، بمباران را اشتباهی نام برد و در مقام ریاست جمهوری حتی به خانواده های پاسداران وسربازان تسلیت گفت."

"بنی صدربویژه از روز ۱۴ اسفند ۵۹ به بعد علنا علم مخالفت را در ظاهر بادولت و مجلس و در واقع و نفس الامر باخط امام بر ـ افراشت."

"هدف ازعلم کردن مسئله "قانون اساسی" "آزادی" ولزوم حضور مردم درصحنه بیشتر تشنج آفرینی، تحریک وخرابکاری بود"

"قاسملو رهبرباند منحرف و خیانت ـ پیشه درکردستان نیز موضعگیری اخیر ومقاومت بنی صدر رادربرابر "روحانیون مرتجع" تحسین کرده واعلام داشت آماده است باآغوش باز او را درکردستان بپذیرد وامنیت او را از هر لحاظ تامین کند"

"پیروان کنگرهٔ چهارم حزب دموکرات کردستان ایران، از ۲۵ خرداد ۵۹ صف خود را ازصف داروسته قاسملو که درجهت تضعیف انقلاب گام برمیداشت جدا کردند، آنها بقاء و تعمیق انقلاب را شرط ضروری ولازم برای نیل مردم کردستان به حقوق روای انسانی خود دانسته وهرگونه سنگ اندازی در راه انقلاب را محکوم کردند"

"باید بااجرای بند "ج" وبند "د" برای همیشه اقدامات ریشه ای درجهت محوبزرگ مالکی وبه نفع توده های محروم به عمل آورد. حل، مسئله مسکن، بهداشت، فرهنگ، تجارت خارجی تولید وتوزیع کالاهای ضروری، تثبیت قیمت ها و جلوگیری از احتکار و گران فروشی از مسائلی است که بازندگی روزمره دهها میلیون هموطن ارتباط مستقیم دارد."

"بدون سمتگیری روشن واصولی درباره مسائل گرهی انقلاب وحل آنها به نفع توده های ده ـ ها میلیونی و بدون سمتگیری درست در سیاست منطقه ای وجهانی، انقلاب همیشه درمعرض خطر جدی توطئه گران سازشکار وتسلیم طلب به غرب و آمریکاقرار دارد."

حضور زحمتکشان روستاها یکی از عمده‌ترین ضامن‌ها برای تحکم وگسترش انقلاب است،(بقیه)

از صفحه ۱

علیرغم بسیاری نابسامانی‌ها ومسائل حل‌نشده ومشکلات جانکاه، دهقانان زحمتکش در جبهه و درپشت جبهه، در سنگر و در کشتزار، تفنگ‌در دست یا بیل در مشت، درهمهٔ عرصه‌های هم‌آوردی انقلابی حضور فعال وموثر دارند و از انقلاب‌خود، انقلاب کوخ‌نشینان، انقلاب پینه‌بدستان، مدافعه میکنند.

نقش این تودهٔ وسیع روستائی نقش موثری در به‌ثمر رسانیدن، تحکیم و گسترش انقلاب بوده وهست وآنان این نقش تاریخ ساز را، علیرغم معضلات متنوع و معتنابهی که‌برسر راه آنها و در زندگی روزمره آنها وجوددارد باهشیاری‌انقلابی وبا مایه‌گذاشتن‌ازجان‌و مال خود وازسفرهٔ تهی‌خود، به‌انجام می‌رسانند دهقانان‌زحمتکش پابه‌میدان کارزار هشته‌اند و تاتحکیم حکومت مستضعفان وریشه‌کن‌کردن آنانی که‌ده‌ماراویران‌کردند، ازپای‌نخواهندنشست. به این امیدکه‌انقلاب آمال به‌حقشان راتحقق‌بخشد وبرسالهاظلم وجور بزرگ‌مالکی و وضع نابسامان معیشتی مهرپایان‌نهد، دهقانان به‌مقابله‌باضدانقلاب وار‌بابان غارت پیشه وخوانین ستمگر برخاسته‌اند. حضور دائمی آنان‌درصحنه، که‌از پایه‌های‌مستحکم انقلاب اندونقش‌موثروتعیین‌کنندهٔ آنان‌درتعمیق انقلاب ایجاب‌میکند که‌به مشکلات‌وخواست‌هایشان‌رسیدگی شود و مسائل حیاتی شان‌حل‌گردد.

بطورکلی مشکلات‌عمده روستائیان الف) درمسئله زمین، ب) درمسائل‌تولیدی‌ونداشتن امکانات‌کشت ودامپروری و ج) در فقدان‌حداقل امکانات معیشتی‌ودشواری‌های باور نکردنی شرایط‌زندگی (درمانی وفرهنگی‌وغیره) خلاصه میشود. برخی ازنمونه‌های این مشکلات را بررسی میکنیم:

حل مسئله زمین عمده‌ترین خواست دهقانان تهیدست ونیاز مبرم جامعه انقلابی است

دراثر توطئه‌های مکرربزرگ‌مالکان‌وایادی‌شان، روحانی‌نمایان‌ضدخط امام ولیبرال‌های سازشکار وجاده‌صاف‌کن‌امپریالیسم، اجرای بندهای **"ج" و "د"** قانون واگذاری زمین، یعنی اصلی‌ترین وسرنوشت‌سازترین مواد مربوط به اصلاحات‌ارضی‌بنیادی، که‌اولی مربوط‌است به اراضی بایربزرگ‌مالکان و دومی مربوط‌است به اراضی دایر آنان وبدون اجرای این دو بند اراضی بزرگ‌مالکی دست‌نخورده‌میماند و ابدا حرفی هم ازیک اصلاحات ارضی واقعی نمی‌تواند درمیان‌باشد، متوقف‌شد. پیامدهای این امر، مشکلات‌عدیده‌اقتصادی واجتماعی‌هستند که‌گریبانگیر اقتصادکشاورزی ماشده‌ونابسامانی‌ها وبلاتکلیفی‌هائیست که دهقانان زحمتکش دچار آن‌شده‌اند وبخصوص امکاناتی‌است که ضدانقلاب برای توطئه وخرابکاری پیدا کرده است.

متوقف ماندن اجرای بند های "ج" و "د" به بزرگ‌مالکان این فرصت‌رامیدهد که‌نه‌تنهاسلطهٔ جهنمی خود را بر دهقانان زحمتکش حفظ‌کنند، بلکه آنها را نسبت به انقلاب دلسرد و ناامید سازند و از این طریق انقلاب را از داشتن یکی ازپایگاه‌های‌پشتیبان ومستحکمش محروم سازند. علاوه بر این، بزرگ‌مالکان فرصت می‌یابندکه با تجدید قوا ضربات جدی به‌انقلاب وارد بیاورند. برای آشنائی بیشتر با نحوهٔ عملکرد و توطئه‌های بزرگ‌مالکان، نمونه‌هائی را از چندروستا مثال می‌آوریم:

اعضای شورای روستائی **شغال‌تپه** (در اطراف گرگان به نمایندگی از جانب اهالی، طی نامه‌ای به مقامات مسئول منطقه، خواهان جلوگیری از توطئه‌های یکی از بزرگ مالکان طاغوتی این‌منطقه‌شده‌اند. اعضاء شورادرپایان نامه‌خواسته‌اندکه‌بند **"ج"** قانون‌اصلاحات‌ارضی هرچه‌زودتر به‌اجراگذاشته‌شود. بزرگ مالک طاغوتی این‌روستا در زمان رژیم فاسد گذشته ارتباط و همکاری نزدیک با **اویسی و قره باغی** داشته‌است. وی‌علاوه‌براینها رئیس کانون‌حزب منحله رستاخیز در منطقه بود. بعد ازانقلاب مالک عده‌ای ازمزدوران رامسلح‌کرد و به سراغ دهقانان فرستاد. دراثر درگیری متقابل، یکی از مزدوران‌کشته و تعدادی چند از اسلحه های آنان‌توسط دهقانان به دولت تحویل داده‌شد.

سال گذشته‌شورای‌روستاهای **کوزه‌لی عاشور بای و شغال‌تپه**، زمینهای مصادره‌ای را کشت وبرداشت کردند. مالک امسال سعی در جلوگیری ازکشت دهقانان دارد. او توانسته‌است با عوامفریبی از دادگاه ویژه حکم کاشت دریافت کند ومانع کشت ۴۰هکتار زمین دهقانان‌شود.

درحال‌حاضر ۵۰هکتار زمین در اختیار بزرگ‌مالک‌است و۲۲۰هکتار اززمین‌های‌اوتوسط دهقانان‌مصادره شده است که دراختیار شورای روستاهای **شغال‌تپه، عاشوربای، قرنجیک و آق‌دگش** است. این بزرگ‌مالک در گذشته توانست‌توسط پالیزبان و **قره‌باغی** ۲/۵۰ میلیون تومان وبعد ازانقلاب هم باظاهر فریبی ۲ میلیون‌تومان‌وام از دولت بگیرد. اواکنون نیز در تلاش گرفتن‌وام‌است.

نمونهٔ دیگر: بزرگ‌مالکین روستای **نواب صفوی**، که‌با ۱۶خانوارجمعیت در ۶۰کیلومتری اهواز واقع‌است‌ازتشکیل شورا در این روستا جلوگیری می‌کنند. این مالکان هریک‌درحد ۱۰۰ تا ۱۵۰ هکتار زمین‌دارند و در شهرزندگی‌می‌کنند. البته مقداری از اراضی این زمینداران بزرگ، بعدازانقلاب بین روستائیان به صورت نادرست تقسیم شده، که‌مشکلات‌چندی برای روستائیان‌فراهم‌آورده‌است. دهقانان‌این روستا خواهان‌اجرای‌کامل قانون‌اصلاحات‌ارضی و به خصوص بند **"ج"** هستند.

نمونهٔ دیگر، دهقانان‌روستای **محمد آلق** (واقع در ترکمن‌صحرا و همچنین انجمن‌های اسلامی همین‌منطقه، خواهان‌اجرای کامل قانون اصلاحات‌ارضی وجلوگیری‌از توطئه‌های بزرگ‌مالکان‌هستند، که‌از تعویق‌اجرای‌بندهای **"ج"** و **"د"** سوءاستفاده‌کرده‌ویامیکنند، وبه‌زور پول و نفوذ خود دائما درصددتحریک و خرابکاری هستندومیکوشند دهقانان‌راناراضی‌و از انقلاب مایوس‌کنند.

بزرگ‌مالکان‌سعی‌دارند ازهرفرصتی، به ویژه‌ازفرصت "طلائی" عدم‌اجرای‌قانون ومتوقف ماندن‌بندهای‌حیاتی "ج" و "د"، به‌منظورجلوگیری‌ازاجرای‌کامل‌قانون‌اصلاحات‌ارضی، تشکل دهقانان‌زحمتکش ودرنهایت‌ضربه زدن به انقلاب، استفاده‌کنند. این‌واقعیت‌رااینک دیگر به‌عیان‌میتوان دیدکه‌براثرطولانی‌شدن توقف اجرای‌بندهای "ج" و "د" قانون‌اصلاحات ارضی، بزرگ‌مالکان چنان دندان‌طمع تیز کرده وجری شده‌اندکه‌به‌این‌فکر افتاده‌اند تا اراضی واموال غصبی را (که‌به‌حق مصادره شده‌اند، پس بگیرند. یعنی آنها میخواهند دستاوردهای دوسالهٔ انقلاب را دراین زمینه- هرچند هنوز جزئی‌است - بکلی از بین ببرند. مسلم‌است‌که این‌اقدام بزرگ‌مالکان‌نه‌تنها خلاف عدالت اجتماعی وروح انقلاب وحق مسلم توده‌دهقانان است، بلکه‌در زمینه‌جلوگیری‌از افزایش‌تولید نیز ضربه‌ای‌جدی براقتصاد کشاورزی‌و در نهایت‌بر انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌واردمیاورد.

درخصوص اقدام‌های فوق، که‌به‌ویژه پس از توقف اجرای بندهای "ج" و "د" شاهد بالاگرفتن آنهابوده‌ایم، بطور خلاصه میتوان‌از قتل وترور روستائیان زحمتکش ومسئولین نهادهای انقلابی، تخریب اراضی‌مزروعی‌وپمپ‌چاه‌ها و وسائل کشاورزی، ایجاداختلاف بین‌روستائیان و پیروان مذاهب‌مختلف، همکاری مستقیم با متجاوزان صدامی و... نام‌برد.

در زمینه‌تلاش‌مذبوحانه‌بزرگ‌مالکان‌مبنی بربرگرداندن‌اراضی‌واموال‌مصادره‌ای، با کمال تاسف مشاهده‌میشودکه‌دربرخی‌ازنقاط، اشخاص ذینفوذزمینه‌سازاعمال‌ضدانقلابی غارتگران بزرگ‌مالک‌میگردند. برای‌نمونه‌در **جیرفت**بزرگ‌مالکان‌به تلاش افتاده‌اند، تا دوباره به‌اراضی و اموال غصبی از دست رفته‌دست یابند. مثلا زمینی زراعتی در روستای **خرپشت** وجود دارد، که‌متعلق به یکی‌از فئودال‌های معروف جیرفت بوده‌است. این‌قطعه زمین ۵۰-۴۰هکتار مساحت دارد ودارای‌حلقه چاهی‌استکه‌آب آشامیدنی عده‌ای از روستائیان وکارگران **خرپشت** رانیز تامین‌می‌کند. در جوار این‌زمین، شهرک‌بنهاد مسکن قراردارد. پس‌از پیروزی انقلاب شکوهمندمان خوش‌نشینان، که مدت‌زیادی‌است دراین محل‌آواره و سرگردانند اقدام به‌تصرف زمین مذکور و تقسیم آن‌بین‌خود می‌کنند. همچنین در سال زراعی گذشته، با تامین آب از شرکت کشت وصنعت، آنرابه زیر کشت‌بردند. بزرگ‌مالک به‌ژاندارمری، دادگاه انقلاب، هیئت‌هفت‌نفری و سایر ارگان‌های مملکتی شکایت‌کرد. حاکم شرع قبلی که عضو هیئت هفت‌نفری بود، به‌درستی‌کار دهقانان را تائیدکرد وعمل خان رامخالف مصالح انقلاب دانست، لیکن پس‌ازتغییر حاکم شرع و ورود شخص دیگری به‌جای وی وتوقف بندهای **"ج"** و **"د"** قانون اصلاحات‌ارضی، حاکم شرع‌جدید از خان دفاع‌میکند.

علاوه‌بر این، نمونه‌های دیگری‌وجوددارد که‌درآنها‌بزرگ‌مالکان‌حتی موفق شده‌اند که قسمتی از اموال واراضی‌مصادره‌شده‌راپس‌بگیرند یکی‌ازاین‌بزرگ‌مالکان در این منطقه‌شخصی‌است که‌به "جبهه‌ملی" تعلق دارد. اعضای‌هیئت‌هفت نفری، واگذاری زمین‌جیرفت، که‌به‌حق مدافع انقلاب و دلسوز تودهٔ محروم دهقانان هستند، بااین‌قبیل‌کارها، که‌تنها‌به‌سود بزرگ مالکان توطئه‌گر تمام‌میشود، سخت‌مخالفند. این مخالفت منطبق بر اهداف انقلاب و ماهیت انقلابی هیئت واگذاری زمین‌است.

نمونه‌های یادشده نشان‌میدهدکه‌مجموعه اقدامات‌بزرگ‌مالکان وایادی آنها رابایـد در چارچوب توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران ارزیابی‌کرد

ضدانقلابیون وازجمله **بزرگ‌مالکان‌بطور مستقیم قلب انقلاب شکوهمندمان را نشانه گرفته‌اند**. لذانه‌تنها لازمست که درمقابل‌حیله‌های‌بزرگ‌مالکان به‌منظور چنگ‌اندازی براراضی‌و اموال مصادره‌ای قاطعانه‌مقابله‌شود، بلکه‌علاوه برآن‌باید در راستای خنثی‌کردن فعالیت های مخربشان، قانون‌اصلاحات‌ارضی به‌طور کامل و در اسرع وقت به‌اجرادرآید. باقاطعیت‌میتوان گفت‌که‌تاوقتی که‌قانون اصلاحات ارضی‌وبه خصوص بندهای **"ج"** و **"د"** این قانون به‌طور کامل اجرانشود، این‌توطئه‌ها از جانب بزرگ‌مالکان‌و فئودالها و ایادی‌شان ادامه خواهد داشت.

درمرحله‌سوم انقلاب، برای‌سرکوب‌تفاله‌های‌آمریکا، برای برچیدن ریشه‌های فاسدتسلط جبروستم‌واستثمارلازم‌است‌که‌به‌اساس مطلب توجه‌کردو **همراه با یک رشته تدابیر اساسی اجتماعی - اقتصادی، بزرگ‌مالکی‌رابرای‌همیشه وبطورکامل‌برچید واصلاحات‌ارضی واقعی و بنیادی رابه‌سود دهقانان‌زحمتکش‌اجراکرد.**

کمبود امکانات‌کشاورزی ودامپروری

مشکل دیگر روستائیان، کمبود وسائل مختلف تولیدوامکانات‌کشاورزی ودامداری‌است کشت‌اراضی باوسائل وابزار آلات‌قدیمی برای دهقانان مشکلات‌بسیار به‌وجود آورده‌است. در بسیاری از روستاهای میهنمان، دهقانان‌ازابزار آلات‌سنتی جهت کارکشاورزی‌استفاده‌می‌کنند. تعدادابزاروماشینهای‌مدرن‌کشاورزی‌درروستاها بسیار اندک است. گذشته‌ازاینها، آب زراعی کافی، کود، سم، بذر و غیره مورد احتیاج کشاورزان‌است. دامداری نیز به‌علت کمبود امکانات وبویژه امکانات دامپزشکی و دارو و همچنین مرتع وعلوفه از رونق ضروری‌برخوردارنیست. اکثر دامداری‌های‌موجود درروستاهای‌کشورمان‌ازنوع‌کوچک سنتی (خانگی) و متوسط سنتی هستند. در قریه **کپرگه** (واقع در ۱۰کیلومتری شرق‌شهرستان بروجرد) وروستای **برده‌یل** (واقع در ۴۵کیلومتری مسجد سلیمان) دامداران‌به‌علت‌نبودن‌علوفه دچار مشکلات عدیده‌شدند، واین‌تنهادونمونه‌ازصدهاده‌است که‌درآن‌هادامداری‌رواج‌دارد.

کشاورزان **کپرگه**جهت‌کشت ازابتدائی‌ترین‌وسائل‌کشاورزی‌استفاده‌می‌کنند. درروستای **برده‌یل**۱۵ خانوار زندگی‌می‌کنندکه‌عمده ترین کارآنهاکشاورزی ودامداری‌است. دامداری در این‌روستابه‌شکل سنتی‌است و به علت نبودن امکانات‌ازقبیل دامپزشک‌و کمبود علوفه، دامداری رونق‌لازم‌راندارد. زمینهادوسالی‌یک بار به‌صورت دیم کشت میشوند وهرسال از علوفهٔ آنهابرای خوراک دامها استفاده‌میکنند. دراین روستاهرخانوار ۲تا ۱۰گاو و نزدیک‌به ۱۰ من (هرمن ۶/۵کیلوگرم گندم و یاجو) زمین آبش دارد. اهالی برای شخم‌زدن، تراکتور و کمباین رابامبلغی درحدود ۵۰۰تومان کرایه‌می‌کنند. دست‌آخر، به‌علت نبودن امکانات‌کشاورزی، محصولات‌تولیدشده کفاف خوراک خوداهالی‌را هم نمی‌دهد.

در شرایط توطئه‌های پیاپی امریکا، کشور ما نیازمسلم ومبرم به‌تولید زراعی ودامی‌کافی ومطمئن‌دارد. مامیتوانیم وبایدبه‌حدزیادی از واردات‌موادغذائی مستغنی‌شویم. برای‌رسیدن به‌این هدف‌انقلابی‌ومیهنی‌لازمست‌که از نظر تامین‌وسائل‌تولید، اعم‌از آب و ماشین‌آلات و بذر و کود وعلوفه و سموم ضدآفات وداروهای ضروری، به‌دهقانان ودامداران‌کمک‌لازم‌راهرچه سریعتر برسانیم.

وضع اسفناک روستائیان از نظر نبود و کمبود امکانات معیشتی و درمانی

گرچه‌تمامی‌خرابیها، کمبودهاونابرابری‌های‌موجود در روستاها از نظر امکانات‌رفاهی، معیشتی، درمانی وفرهنگی‌ناشی‌ازسلطه‌چندین ده‌ساله وسیاست‌های‌خانمان‌برانداز رژیم طاغوت در مسئله‌ارضی ودهقانی‌است، واگرچه بازسازی روستاها ورفع کمبودها مسلماوناچار زمان‌بسیارمیبرد، ولی‌نباید فراموش‌کنیم که تامین حداقل‌امکانات‌زندگی‌انسانی و تامین حداقل شرایط بهزیستی‌ودرمانی‌آموزشی‌وظائف آن‌برای روستائیان‌رنجدیده‌زحمتکش‌میهن ما یک‌ضرورت‌حیاتی است. هم‌اکنون دربسیاری‌از روستاهای‌میهنمان و از جمله روستاهای **نواب صفوی، برده‌یل وکپرگه** که از آنهانام بردیم امکانات‌زندگی حداقل‌ازقبیل: جاده، آب آشامیدنی، برق، حمام، درمانگاه، مسجد، مدرسه و... وجود ندارد. کمبود این امکانات روستائیان‌رابامعضلات بسیار مواجه‌کرده‌است ما که‌میخواهیم اثرات‌انقلاب رابه‌دهات‌ببریم و ثمرات‌جان‌بخش‌آنرا در چهار گوشهٔ میهن انقلابی‌مان‌نشان‌دهیم، نمی‌توانیم‌نسبت‌به‌این مسائل حیاتی بی‌تفاوت‌باشیم.

یک‌مسئله مهم‌دیگر، که‌جادارد در اینجا ذکرشود ایجاد شوراهای‌ده‌است، که‌بوسیلهٔ آن میتوان‌راه را برای حل بسیاری مشکلات‌کشود. ولی‌متاسفانه‌این‌امرهم به‌طور تمام وکمال در روستاها صورت‌نگرفته‌است.

حضور زحمتکشان روستاها درصحنه یکی از عمده‌ترین ضامن‌ها برای تحکیم وگسترش انقلاب است

حوادث‌فاجعه‌آمیز اخیر وعکس‌العمل توده‌های‌مردم، از تظاهرات‌خیابانی‌گرفته تا شرکت درانتخابات، به‌روشنی‌نمایان‌ساخت که هرگاه‌توطئه‌ای در شرف تکوین بوده است. توده‌های‌هوادارانقلاب ازجمله خیل عظیم زحمتکشان‌روستاباحضور پیگیر خود درصحنه، این‌توطئه‌هارا در نطفه خفه‌کرده‌اند.

چه‌بایدکردکه‌توده‌های زحمتکش و مبارز روستا، هنگامه‌خطر رادریابند وباحضور پیوسته خود در صحنه، مانع به‌آماج‌نشستن تیرهای زهرآگین دشمنان‌داخلی و خارجی انقلاب شوند؟

آیاشرط مسلم پیروزی قطعی بر امپریالیسم وبی‌بازگشت‌ساختن مرحله سوم انقلاب آن‌نیست‌که‌برپایگاه‌های اقتصادی و احتماعی آن، یعنی سلطه و حاکمیت بزرگ‌مالکان وکلان‌سرمایه‌داران‌علیه‌کنیم؟

آیالزوم اتخاذ جدی‌ترین تدابیردرست درهمین زمینه‌حس‌نمیشود؟

آیاکمترین شکی درضرورت‌برآوردن‌خواست‌های‌دهقانان‌درزمینه‌های‌گوناگونی که آورده شد، ودر درجه‌اول اجرای‌بندهای "ج" و "د" قانون‌اصلاحات‌ارضی، واگذاری وسائل لازم تولیدی وامکانات کشت و دامپروری، همکاری صمیمانه باروستائیان و نیز رفع تدریجی‌مظالم وآثار طاغوت‌درخصوص‌امکانات معیشتی‌وتامین حداقل زندگی وجوددارد؟

بمناسبت ۶۵ مین سالگرد انتشار "امپریالیسم واپسین مرحلهٔ سرمایه داری"

تئوری علمی ـ انقلابی امپریالیسم

۶۵ سال از زایش دکترین علمی ـ انقلابی لنین دربارهٔ امپریالیسم می‌گذرد. این دکترین آمیزهٔ ارگانیک (آلی) اندیشه علمی و کنش انقلابی، گفتار و کردار و تئوری و پراتیک است. این دکترین در شرایطی تولد یافت که مسئله آگاهی پیوسته از تجربه و بازنگری ناگسستهٔ تئوری‌های کهنه به‌ضرورت روز بدل شده بود.

اثر لنین **امپریالیسم واپسین مرحلهٔ سرمایه‌داری** که به‌حق ادامه و بسط **کاپیتال کارل مارکس** شناخته شده، به‌عنوان یکی از قله های رفیع فلسفهٔ علمی، بررسی کاوشگرانه امپریالیسم بنیادهای اقتصادی ـ اجتماعی و دورنماها و فرجام های سیاسی آن است.

تزهای اساسی این اثر به‌حقایق مسلم و پذیرفتهٔ جهانی بدل شده و در همه رساله‌های اقتصاد سیاسی و تاریخ‌نگری عینی رسوخ یافته و در مقالات و تک‌نگاریهای پرشمار به تفصیل مورد تفسیر قرار گرفته‌اند.

پنج خصلت اساسی امپریالیسم بدین سان در اثر خدشه‌ناپذیر لنین به‌فرمول درآمده‌اند:

۱ـ تمرکز تولید و سرمایه و آفرینش انحصارات

۲ـ درآمیختن سرمایه‌بانکی و سرمایه صنعتی و پدیداری الیگارشی مالی بر اساس این "سرمایه‌مالی"

۳ـ اهمیت یافتن صدور سرمایه‌ها و تفاوت آن با صدور کالاها

۴ـ تشکیل اتحادیه‌های بین‌المللی از سرمایه‌دارانی که جهان را بین خود تقسیم میکنند

۵ـ پایان یافتن تقسیم ارضی جهان بین بزرگترین قدرت‌های سرمایه‌داری.

شصت و پنج سال برای جهان بغرنج ما که در بستر پر شتابی ره می‌پوید، زمان گسترده‌ای است. در این فاصله چشمگیر تاریخی پادشاهی‌های چند ملتی و امپراتوری‌های جهانی هزار پاره شده‌اند، انقلابات رهایی‌بخش سیمای جامعه و جهان را دگرگون کرده و تئوری‌ها و فرضیه‌های بی‌شماری که در گذشته همچون والاترین دستاوردهای اندیشهٔ علمی تلقی می‌شدند فراموش شده یا معدود باقی مانده‌اند. اما دکترین لنین درباره امپریالیسم نه‌تنها کهنه نشده بلکه جوانی یافته و با تغذیه دائمی از گنجینهٔ واقعیت‌های معاصر می‌رید و شکوفا می‌گردد.

اثر درخشان **امپریالیسم واپسین مرحلهٔ سرمایه‌داری** جاذبهٔ فناناپذیری است که توجه هواخواهان فلسفه علمی و حتی دشمنان آشتی‌ناپذیر وی را بیش از پیش به‌خود جلب می‌کند.

طی این دوران هریک از خصلت‌های پنج‌گانه امپریالیسم باوجود دگرگونی‌های معینی که بر اثر تغییر تناسب نیروها در جهان به‌سود سوسیالیسم و جنبش‌های رهایی‌بخش صورت پذیرفته ویژگیهای اساسی خود را همچنان حفظ کرده است.

آفرینش انحصارات نوین

گردآیی و تمرکز تولید در مقایسه با تاریخ نگارش **امپریالیسم واپسین مرحلهٔ سرمایه داری** دامنهٔ بی‌سابقه‌ای یافته است.

در شرایط کنونی **سندیکاها** و تراست‌های یک‌بخشی که در دوران خود نمایشگر نوعی تمرکز در تولید بوده‌اند، مانند گذشته در شکل ناب خود تقریبا به‌ندرت وجود دارند. امروز **کنسرسیوم**‌ها رایج‌ترین و نمونه‌وارترین شکل انحصارات‌اند که گروه‌بندی‌های چند بخشی تولید را در بر می‌گیرند.

اکنون در ایالات متحده چهار انحصار غول پیکر، تولید بیش از ۷۵ درصد کالاها در ۴۳ شاخه صنعت را در دست دارند. تمرکز تولید در انحصارات معدود در این کشور به‌حدی است که بیش از ثلث تولید صنایع تبدیلی و استخراجی ایالات متحده که تقریبا ۵۰۰۰۰۰ موسسه را در برمی‌گیرد توسط ۵۰ انحصار غول پیکر انجام میگیرد. در کشورهای دیگر امپریالیستی مانند آلمان، ژاپن، فرانسه و انگلیس و غیره نیز روند تمرکز به‌همین ترتیب پیشرفت نموده که در این جا مجال ذکر همهٔ آنها نیست.

پدیداری الیگارشی مالی

همانطور که **لنین** ارزیابی نمود سرمایه مالی سرمایه بانکی یا صنعتی نیست، بلکه مقولهٔ جدید سرمایه است که در عصر امپریالیسم چهره می‌نماید. شکل‌بندی و رشد سرمایه مالی به پیدایش الیگارشی مالی یعنی تعداد بالنسبه محدودی از متنفذان مالی می‌انجامد. امروزه این متنفذان مالی بر زندگی اقتصادی و سیاسی کشورهای امپریالیستی تسلط کامل دارند.

هم اکنون در ایالات متحده ۲۶ گروه مالی انحصارگر بسیار مهم وجود دارد. از میان آنها ۱۸ گروه دارایی‌های تعداد زیادی از شرکت‌های صنعتی، ساختمان، حمل‌ونقل‌ها، تجارت، اعتبار، بانک‌ها و غیره را که جمعا بالغ بر ۱۲۵۰ میلیارد دلار است زیر نظارت دارند. گروه **مورگان** که در الیگارشی مالی از اهمیت ممتازی برخوردار است، در ۱۹۷۳ بالغ بر ۴۱۰ تا ۴۲۰ میلیارد دلار دارایی‌های صنعتی، بانکی و غیره را که ۶ بار بیش از ۱۰ سال پیش از آن بود، کنترل می‌نمود.

در سایر قلمروهای امپریالیستی، گروه‌های الیگارشی مالی مشابهی وجود دارد.

لنین پیش‌بینی می‌نمود که الیگارشی مالی برای پیشرفت خود از "سیستم مشارکت" به عنوان بهترین اسلوب استفاده خواهد کرد امروز این سیستم به اهرم اساسی تجمع سرمایه در دست الیگارشی مالی تبدیل شده است. چنانکه در آغاز سال‌های ۷۰ به‌ترتیب ۵۷ و ۶۱ درصد ثروت ملی در دست ۳ درصد آمریکایی‌ها و انگلیسی‌های بسیار ثروتمند قرار داشت. بدین سان می‌بینیم که امروز در کشورهای امپریالیستی چند گروه مالی نظارت خود را بر بخش بسیار بزرگی از صنعت، حمل‌ونقل، تجارت و بانک‌ها اعمال می‌کنند.

صدور بی‌سابقه سرمایه

اهمیت یافتن **صدور سرمایه** که در ارزیابی لنین به‌عنوان **سومین** خصلت امپریالیسم از آن یاد شده، در دوران ما یکی از عمده‌ترین اشکال چپاول کشورهای در راه رشد و اجرای سیاست نواستعماری امپریالیسم است.

صدور سرمایه‌ها مخصوصا موجب تسریع فوق‌العاده زیاد گسترش سرمایه‌داری در جهان گردید. انحصارات با ابزار صدور سرمایه مناسبات تولیدی سرمایه‌داری را به سکنهٔ پر شمار آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در مراحل رشد عقب‌مانده‌ای قرار دارند، تحمیل می‌کنند. لنین در این باره می‌نویسد: "صدور سرمایه‌ها که شدت فوق‌العاده زیادی یافته است. در رشد سرمایه‌داری کشورهایی که این سرمایه‌ها به آنجا سرازیر می‌شوند تاثیر می‌گذارند. پس اگر صدور این سرمایه‌ها تا درجهٔ معینی موجب کندی تحول کشورهای صادرکننده می‌شود، در عوض سرمایه‌داری را از حیث دامنه و عمق در سراسر جهان گسترش می‌دهد". (و. لنین، آثار، ج ۲۲ ص ۲۶۳).

سرمایه انحصارگر خارجی همواره در بخش سودمند صنعت استخراج و تولید کشاورزی کشورهای در راه رشد کار می‌افتد. برحسب این سیاست هر کشور در راه رشد تنها در یک یا دو محصول صادراتی تخصص پیدا می‌کند.

صدور سرمایه امکان می‌دهد که انحصارات بدون هیچ مقاومت بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد ملی کشورهای در راه رشد را که حاصل تلاش زحمتکشان است، تصاحب نمایند.

طبق محاسبات کارشناسان سازمان ملل متحد، کشورهای جهان سوم در ۱۹۷۷ ـ ۱۹۷۲ تنها به‌عنوان بازپرداخت وام دولتی و وام تضمین‌شده از جانب دولت می‌بایست بیش از ۴۷ میلیارد دلار به‌حساب کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری واریز نمایند.

درحال حاضر ایالات متحده از حیث حجم سرمایه‌گذاری‌ها در خارج مقام اول دارد.

در ۱۹۷۲، کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایالات متحده بالغ بر ۱۸۱ میلیارد دلار بود. از این مبلغ ۱۴۵ میلیارد دلار (۸۰٪) به سرمایهٔ انحصارگر خصوصی و ۳۶ میلیارد دلار (۲۰٪) به سرمایهٔ دولتی تعلق داشت.

در ۱۹۷۲ از ۳۴۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری‌های خارجی ۵۶ میلیارد دلار به انگلستان، ۲۹ میلیارد دلار به آلمان باختری ۲۳ میلیارد دلار به‌فرانسه و ۶/۵ میلیارد دلار به‌ژاپن تعلق داشت

انحصارات فوق ملی و چند ملیتی

چهارمین خصلت امپریالیسم که عبارت از تشکیل اتحادیه‌های بین‌المللی برای تقسیم جهان است ویژگی‌های جدیدی کسب کرده و به‌نوبهٔ خود پیش‌بینی "داهیانه لنین را در شناخت قانون‌مندی‌های اساسی امپریالیسم به‌اثبات می‌رساند.

درحال حاضر، مهم‌ترین کالاهای صنعتی، مواد اولیه و کالاهای نیمه‌ساخته در بازارهای جهانی سرمایه‌داری زیر نظارت انحصارات فوق ملی قرار دارند.

کارتل نفت جهانی که از پنج شرکت آمریکایی (استاندارد اویل اف نیوجرسی، موبیل اویل، گلف اویل، تکزاکو، استاندارد اویل اف کالیفرنیا) کمپانی‌های انگلیسی ـ هلندی رویال داچ شل، بریتیش پترولیوم انگلیسی و کمپانی فرانسز پترول تشکیل شده نمونه‌ی تیپیک از یک شرکت چند ـ ملیتی غول پیکر است. این کارتل قریب ۹۰٪ ذخایر نفتی دنیای غیرسوسیالیستی و ۸۱ درصد استخراج آن را زیر نظارت دارد.

انحصارات فوق ملی خصوصی کنونی که دامنهٔ فعالیت‌های آنها نسبت به آغاز قرن بیستم به‌طور قابل ملاحظه افزایش یافته عمدتا به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ چندملیتی‌ها که سرمایه کشورهای مختلف امپریالیستی را به‌هم پیوند می‌دهند و فوق ملی‌ها که از حیث سرمایه شرکت‌های ملی و از حیث خصلت فعالیت‌ها بین‌المللی هستند. هر دو گروه مذکور در شمار انحصارات بین‌المللی قرار دارند که به‌منظور کسب سودهای انحصاری و تقسیم بازارها و مناطق نفوذ در بین خود شبکه‌ای از شعبه‌های خود را در کشورهای متعدد بوجود آورده‌اند.

طبق برآورد کارشناسان دبیرخانهٔ سازمان ملل متحد در آغاز سالهای ۷۰ بالغ بر ۷۳۰۰ فوق ملی در جهان سرمایه‌داری وجود داشت که با ۲۷۳۰۰ شعبه خارجی جمعا ۱۶۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را در دست داشتند.

در ۱۹۷۱، میزان تولید شعبه‌های خارجی انحصارات فوق ملی ۳۳۰ میلیارد دلار یعنی یک‌ششم حجم محصول ناخالص همهٔ کشورهای سرمایه‌داری بود.

اتحادیه‌های بین‌المللی امپریالیستی در دوران ما به‌مقیاس وسیعی انسجام یافته‌اند. طبق برخی ارزیابی‌ها ۷۰۰ انحصار بسیار بزرگ فوق ملی به موهبت شبکه شعبه‌های خود در خارج در ۱۹۸۰ ـ ۶۰ درصد و در ۱۹۸۵ ـ ۷۵ درصد تولید سرمایه‌داری جهانی را کنترل کرده و خواهند کرد. تقریبا ۶۰ درصد حجم تولید شعبه‌های خارجی فوق ملی‌ها به شعبه‌های آمریکایی تعلق دارند.

گسترش وسیع فوق ملی‌ها مدیون شرایط جدید دوران پس از جنگ است محدودیت ناگهانی قلمرو سرزمینی فرمانروایی امپریالیسم مبارزه برای تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای در راه رشد، اعتلای مبارزهٔ طبقاتی و جنبش‌های ضد امپریالیستی در دنیای سرمایه ـ داری، تشدید فوق‌العاده تضادها بین افزایش تمرکز سرمایه و تنگی بازارهای ملی و انقلاب علمی و فنی از عواملی هستند که مستقیما بر اقتصاد سرمایه‌داری مدرن و نیز بر گسترش انحصارات بین‌المللی به‌شکل فوق ملی‌ها و چند ملیتی‌ها اثر می‌گذارند. ما هم اکنون شاهد تمرکز تولید و سرمایه در دست انحصارات بزرگ خصوصی یعنی شاهد پدیده‌ای هستیم که مرزهای ملی را پشت سر می‌گذارد. این انحصارات حاکمیت بسیاری از کشورهای جهان سرمایه‌داری و به‌ویژه حاکمیت کشورهای در راه رشد را مورد تهدید قرار می‌دهند

سالن‌های کنفرانس عرصهٔ بازتقسیم قلمروهای نفوذ

درعصر ما مخصوصا **پنجمین** خصلت امپریالیسم: تقسیم ارضی جهان و بازتقسیم آن و قانون نابرابری رشد اقتصادی و سیاسی امپریالیسم تحت تاثیر رشد و تحکیم جامعه جهانی سوسیالیستی و دستاوردهای عظیم سیاسی کشورهای در راه رشد با ویژگی‌های جدیدی نمایان می‌گردد.

در شرایط کنونی سیستم بازتقسیم جدید جهان به سبب تناسب نیروها به‌سود صلح و سوسیالیسم عملا موقوف مانده است. روزگاری **سسیل رودس** یکی از سیاستمداران نامدار عصر خود که **لنین** از وی در کتابش یاد می‌کند خواب مستعمره کردن همه دنیا و حتی ستارگان دور دست را می‌دید. اکنون جانشینان وی نمی‌توانند زیمبابوه را که زمانی نام او را برخود داشت از استقلال بازدارند.

درحال حاضر، وسیلهٔ اساسی بازتقسیم قلمروهای نفوذ، دیگر منازعات نظامی جهانی نیست، بلکه مبارزهٔ اقتصادی شدید پیرامون بازارهای فروش کالاها و سرویس‌ها، منابع مواد اولیه، سرمایه‌گذاری‌های سودمند، مبارزه پیرامون اطلاعات علمی ـ فنی و اختراعات و نیز درگیری برای رقابت‌های ارزی و ذخایر طلاست. این مبارزه نه در میدان‌های نبرد بلکه در سالن‌های کنفرانس پایتخت‌های "هفت قدرت بزرگ" ایالات متحده ژاپن، جمهوری فدرال آلمان، انگلستان، فرانسه ایتالیا و کانادا جریان دارد. علاوه براین، مبارزه در سالن‌های کنفرانس از حیث شکل یک نمایش بی‌قید و شرط قدرت و رویارویی گروه‌ها نیست، به عکس مذاکرات دشوار و طولانی دیپلماتیک است که در آن قوی ضعیف را از پا درمی‌آورد.

البته، اینها امکان فاجعهٔ نظامی جهانی را نفی نمی‌کنند. در سالهای اخیر، خطر فاجعه هسته‌ای شدت یافته است. یک‌چنین فاجعه‌ای می‌تواند در یک لحظه تمدن بشریت را که طی هزاران سال به‌وجود آمده نابود کند. محافل جنگ‌طلب امپریالیسم و در جای اول آمریکا دور جدید مسابقهٔ تسلیحاتی را آغاز کرده‌اند. تولید وسایل جنگی به غده خطرناکی برای ارگانیسم جامعه بشری بدل شده است در واشنگتن تکیه به قدرت هسته‌ای را یگانه وسیله برای جلوگیری از دگرگونی‌های اجتماعی در جهان، سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و مبارزه بااندیشه‌های انقلابی طبقه کارگر که بطور فزاینده ارواح زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری را تسخیر می‌کند، می‌دانند.

لنین احتمال ساختن سلاحی که تمدن انسان را در روی زمین نابود سازد، پیش بینی می‌نمود. طبق یادداشت‌های ه. ولز که پس از مرگش انتشار یافت، **لنین** در یک گفتگو با وی در ۱۹۲۰ این اندیشه را بیان نموده که قدرت فنی جنبه نامحدود پیدا می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که وسیله امحاء پیشرفت می‌شود. برنامهٔ صلح و خلع سلاح اردوگاه سوسیالیسم و در راس آن اتحاد شوروی صرفا به‌خاطر نجات بشریت و تمدن وی از یک چنین بلیهٔ خطرناک جهانی است. پایان دادن به مسابقهٔ تسلیحاتی از مهمترین وظایف نیروهای ترقی‌خواه جهان است.

امپریالیسم و جنبشهای انقلابی

لنین عصر امپریالیسم را عصر رهایی طبقه کارگر از قید استثمار سرمایه‌داری و اوج جنبش‌های رهایی‌بخش ضد استثماری ارزیابی نمود. او در توصیف انگیزه‌های بنیادین این انقلابات می‌نویسد: "سرمایه‌داری به یک سیستم جهانی ستم، استثماری مشتی کشورهای "پیشرو" بر اکثریت وسیع جمعیت روی زمین و خفقان مالی آنان تبدیل شده است."

برای این که شرایط ذهنی واپس زدن سلطهٔ استثماری امپریالیسم و سرانجام اطمینان به فروپاشی آن انسجام یابد، لازم بود که طبقه کارگر به‌عنوان پیشاهنگ جهانی جنبش‌های انقلابی محمل‌های ضرور مادی و معنوی پیروزی بر امپریالیسم را فراهم نماید و با رستاخیز خود در سست ترین حلقهٔ. فرمانروایی سرمایه‌داری امپریالیستی ضربه کاری بر آن وارد آورد.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر که نخستین تجربه انقلابی طبقهٔ کارگر در فروپاشی نظام سرمایه‌داری بود، راه رستاخیز پیروزمند را به روی بشریت گشود و تاثیر شگرفی بر جنبش‌های رهایی‌بخش نهاد. لنین درباره پیوند ناگزیر مبارزات طبقهٔ کارگر در راه سوسیالیسم و جنبش‌های ملی نوشت: "... انقلابات سوسیالیستی تنها و اساسا مبارزهٔ پرولتاریای انقلابی هر کشور با بورژوازی خودی نخواهد بود. نه، این مبارزه همه مستعمرات و کشورهای تحت ستم امپریالیسم و همهٔ کشورهای وابسته بر ضد امپریالیسم بین‌المللی خواهد بود".

رویدادهای تاریخی پس از انقلاب اکتبر صحت پیش‌بینی‌های داهیانه لنین را در تاثیر متقابل مبارزات انقلابی پرولتاریای پیروزمند و خلقهای تحت ستم امپریالیسم و نیز تفکیک‌ناپذیری آنها را در روند انقلاب جهانی ثابت کرد.

اثر داهیانه **امپریالیسم واپسین مرحله سرمایه‌داری** قانونمندی اساسی مبارزه با امپریالیسم و رهایی بشریت را از قید استثمار سرمایه‌داری نشان داد.

رمز پیروزی نهایی و بنیادی بر امپریالیسم نه‌تنها شناخت مظاهر آن، بلکه مکانیسم و ساختار بغرنج آن است.

امپریالیسم را به‌عنوان واپسین مرحله سرمایه‌داری چنانکه هست بشناسیم و پیروزی بر آن را با این شناخت تضمین نمائیم.

گسترش ...

بقیه از صفحه ۱

زمینهٔ مبادلهٔ کالا وهمکاری‌های اقتصادی و فنی میان اتحاد شوروی وجمهوری سوسیالیستی ویتنام طی سالهای ۱۹۸۵–۱۹۸۱ منعقد گردید. دراین موافقت‌نامه پیش‌بینی شده است که تبادل کالاو سایر همکاری‌های اقتصادی وفنی میان دوکشور به میزان ۹۰% افزوده خواهد شد. طبق این موافقت نامه میزان صدور نفت و فرآورده‌های نفتی، کود شیمیایی، فلزات سیاه، فولاد نورد، اتومبیل پنبه وکالاهای دیگر از اتحاد شوروی به ویتنام افزایش خواهد یافت. میزان صدور محصولات صادراتی سنتی ویتنام مانند قهوه، چای، میوه و کالاهای مصرفی به اتحاد شوروی افزوده خواهد شد.

علاوه براین، چند موافقت‌نامهٔ درازمدت میان اتحاد شوروی و ویتنام سوسیالیستی به امضا رسیده است، که به‌موجب آنها کمک‌های اقتصادی و فنی اتحاد شوروی درزمینهٔ گسترش تاسیسات صنعتی وکشاورزی، ایجاد صنایع نیرو و پرورش کادرهای متخصص دررشته‌های صنعتی، کشاورزی پزشکی ودیگررشته‌ها به‌جمهوری سوسیالیستی ویتنام توسعه خواهد یافت.

طی ۲۶ سالی که ازهمکاری‌های اقتصادی و فنی میان اتحاد شوروی وجمهوری سوسیالیستی ویتنام می‌گذرد، باکمک اتحاد شوروی در کشور ویتنام متجاوز از ۲۰۰ واحد مختلف صنعتی و اقتصادی احداث وبازسازی شده است. مجموعه این واحدها پایهٔ اساسی اقتصاد سوسیالیستی را درکشورویتنام تشکیل می‌دهد.

درحال حاضرباکمکهای اقتصادی وهمکاری فنی اتحاد شوروی در جمهوری سوسیالیستی ویتنام متجاوزازصدواحد صنعتی وکشاورزی ساخته می‌شود، ازآن جمله نیروگاه‌های عظیم بااستفاده از نیروی آب رود سیاه درویتنام باظرفیت یک میلیون کیلووات، که بزرگترین نیروگاه درمنطقهٔ جنوب خاوری آسیا خواهد بود. علاوه براینها یک کار‌خانهٔ سیمان باظرفیت تولیدی یک‌میلیون و ۲۰۰ هزارتن وتاسیسات استخراج معادن زغال سنگ باظرفیت تولیدی دومیلیون وچهارصد هزارتن زغال‌سنگ درسال در دست ساختمان هستند. درموافقت‌نامه‌های اتحاد شوروی با جمهوری سوسیالیستی ویتنام به‌مسئلهٔ بازسازی تاسیسات صنعتی وکشاورزی، که درسال ۱۹۷۹ در اثرتجاوز نظامی چین به جمهوری سوسیالیستی ویتنام ویران شده‌اند، توجه فراوانی معطوف شده است.

تاسال ۱۹۷۸ دولت چین، طبق موافقت‌نامه‌های اقتصادی که باجمهوری سوسیالیستی ویتنام داشت، درساختمان تعدادی واحد صنعتی ودیگرتاسیسات اقتصادی باویتنام همکاری می‌کرد که پس از تجاوز نظامی چین به ویتنام این روابط همکاری، ازجانب چین قطع گردید و در نتیجه به اقتصاد ویتنام، خسارات سنگین وارد آمد. درموافقت‌نامهٔ جدید کمک‌های اقتصادی و همکاری‌های فنی اتحاد شوروی باجمهوری سوسیالیستی ویتنام، اتحاد شوروی متعهد شده است که کارساختمان تمام تاسیسات صنعتی وکشاورزی را، که بعلت قطع روابط اقتصادی وکمکهای فنی چین به‌ویتنام، متوقف گردیده، به‌پایان برساندو تجهیزات فنی این تاسیسات راتامین کند.

یکی دیگراززمینه‌های مهم همکاری‌های فنی اتحاد شوروی باویتنام سوسیالیستی عبارت از تجسس واکتشاف واستخراج و بهره برداری از منابع طبیعی زیرزمینی آن کشوراست. بخش جنوبی جمهوری سوسیالیستی ویتنام، بویژه درفلات قاره ازلحاظ منابع نفت وگاز بسیارغنی است. کمک‌های اقتصادی وفنی اتحاد شوروی به‌ویتنام سوسیالیستی امکان می‌دهد که ازاین منابع بهره برداری کند به‌همین‌منظور، طبق موافقت اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام یک‌موسسهٔ مشترک شوروی و ویتنام برای انجام امور اکتشاف و استخراج وبهره‌برداری ازاین منابع تشکیل شده است. بااکتشاف وبهره‌برداری ازمنابع نفت و گاز درویتنام سوسیالیستی، صنایع ملی نفت و گاز، که تاکنون درآن کشوروجودنداشته پایه‌گذاری خواهد شد.

کمک‌های اقتصادی وفنی اتحاشوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همیاری اقتصادی "به‌جمهوری سوسیالیستی ویتنام در ایجاد پایه‌های صنعتی وفنی اقتصاد سوسیالیستی وشکوفایی علمی وفرهنگی جامعهٔ سوسیالیستی ویتنام نقش موثرو ارزنده‌ای دارد. رهبران جمهوری سوسیالیستی ویتنام، بارها دراین مورد خاطرنشان ساخته‌اند که برخورداری ازکمک ها و همکاری‌های اقتصادی وفنی اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی، بازسازی اقتصاد ملی و تحولات عظیم سوسیالیستی درسرزمین ویتنام را تسهیل کرده وبه‌آن سرعت می‌بخشد. این تحولات موجب تقویت بنیهٔ اقتصادی کشور و استوارترشدن پایه‌های استقلال اقتصادی آن می‌شودودربرطرف کردن پیامدهای زیان بار جنگ تجاوزی امپریالیسم آمریکاوتجاوز نظامی چین علیه‌ویتنام سوسیالیستی نقش‌بسیارموثری دارد.

رویدادهای بریتانیا ـ تظاهر جامعه بیمار سرمایه‌داری

بدنبال اوجگیری جنبش اعتراضی جوانان بریتانیا علیه بیکاری، تبعیض نژادی و دیگر پدیده‌های زیانبار اجتماعی ـ اقتصادی نظام سرمایه‌داری، درهفته‌های اخیر، دهها شهر بزرگ و کوچک بریتانیا شاهد شعله‌ورشدن خشم جوشان جوانان و سرکوب وحشیانه تظاهرات آنان توسط پلیس فاشیست بریتانیا بود. بگفته **ویلیام وایت لائو**، وزیر کشور بریتانیا، تاکنون سه‌هزارتن دستگیرودهها تن مجروح گردیده‌اند.

گسترش تظاهرات حق‌طلبانهٔ جوانان محروم از آزادی و حقوق اجتماعی ودمکراتیک درکشور "مادردمکراسی" باواکنش‌های ستیزه‌جویانه و خونین دولت محافظه کار تاچر روبرو شد:

ـ سخنگوی دولت دستور منع یک ماههٔ تظاهرات را اعلام داشت.

ـ ویلیام وایت لائو، وزیرکشوربریتانیا، مقررات حکومت نظامی رااعلام کرد، که‌برپایهٔ آن، هرگونه‌تظاهرات ویاتجمع درلندن ودیگر شهرهای بزرگ‌انگلیس از ساعت شش بامداد به مدت یک‌ماه ممنوع است. وی همچنین در مجلس نمایندگان گفت: " خشونت‌هایی از این قبیل دریک جامعهٔ آزاد (!) قابل‌تحمل نیست".

ـ دولت با تهیه و تصویب فوری‌قوانین جدید، به پلیس اختیارات پردامنه‌ای برای سرکوب مردم واگذار کردو رسماگفته شد که دستگیرشدگان در دادگاه‌های ویژه‌ای محاکمه می‌شوند.

ازسوی دیگر بانگ اعتراض خشم آگین کلیهٔ احزاب ونیروهای مترقی درسراسر جهان علیه رفتارغیرانسانی وجابرانهٔ دولت انگلیس بالاگرفت.

ولی تاچر، طی مصاحبه‌ای، این مبارزات عادلانه و خونبار را "وحشتناک" خواند و به خبرنگاران گفت:

"ازاین‌ماجرابسیار نگرانم، زیراکسی‌تصور نمی‌کرد که در انگلیس چنین وقایعی اتفاق بیفتد (!)"

وی همچنین‌افزود:

"مقامات انگلیس‌اکنون‌بایدکوشش کنند که‌به علت این شورش ها پی‌ببرندو از وقوع مجدد آن جلوگیری کنند"

اینک برای آگاهی برخاستگاه و سرشت این‌مبارزات حق جویانه، به بازنگری‌برنامه و عملکرد ننگین دولت تاچرمی‌پردازیم وپیامد‌های دوسال ونیم حکومت اورا بررسی می‌کنیم:

درسال ۱۹۷۹، محافظه‌کاران در آغاز حکومت خود، برنامهٔ استراتژیک خود را، که حاوی موادپنجگانه اصلی زیرین بود، طی بیانیه‌ای اعلام‌کردند:

۱ـ "بهبودبخشیدن به‌زندگی‌اقتصادی واجتماعی‌کشور، ازطریق کنترل تورم‌وایجاد توازن نسبی میان حقوق و وظایف جنبش سندیکائی.

۲ـ ایجادآن چنان انگیزه‌هایی که در پرتو آنها، به کارهای دشوار روی آورده شود به‌موفقیت ها پاداش تعلق گیرد و شغل های جدیدراستین در چارچوب یک اقتصاددرحال گسترش ایجادگردد.

۳ـ پارلمان وحکومت قانون‌تقویت شود

۴ـ حمایت از زندگی خانوادگی از طریق کمک به‌مردم در راستائی که‌صاحب‌خانه شوند، شاخص های آموزش‌کودکانشان ارتقاء یابد و خدمات رفاهی در پشتیبانی‌موثر از سالخوردگان، بیماران، ازکارافتادگان‌ونیازمندان واقعی‌متمرکز شود.

۵ـ قدرت دفاعی‌وهمکاری‌بامتحدانمان برای حمایت از منافعمان، که درجهان بطور فزاینده‌ای تهدید می‌گردد، تقویت شود."

رابرت رودس جیمز، یکی‌از اعضای‌محافظه‌کارپارلمان انگلیس، این‌موادپنجگانه را به زبان ساده‌و همه فهم چنین بیان می‌کند: کاهش اعتبار اصلاحات دولتی، که‌محافظه‌کاران مدعی هستند بارآن برگردهٔ فرد سنگینی می‌کندو امکانات او را محدودمی‌سازد، تشویق تلاش برای ثروت اندوزی‌فردی، مسلط ساختن دیگربارهٔ بخش خصوصی دراقتصاد. بعقیدهٔ **جیمز**، باید مالیات برسرمایه‌های خصوصی کاهش یابد، ماشین بوروکراسی محدودگردد، اتحادیه‌ها سرجای خودنشانده شوند. وهزینهٔ خدمات اجتماعی تقلیل پذیرد. به‌تهی‌نقش دولت باید به "ایجادتوازن بین حکومت وفرد" محدودگردد. بنظروی، دردوران‌حکومت "حزب کارگر" این توازن بسودحکومت‌دگرگون شده‌بود، حال‌آنکه محافظه کاران برای فرد اصالت و برتری قائل‌می‌شوند!

حکومت محافظه‌کار تاچر در عرصهٔ عمل

حکومت محافظه کار تاچر، در گستره اقتصادی، هدف عمدهٔ خودرا کاستن از رشد ذخیرهٔ پولی اعلام کرد، که شکست سختی را متحمل شد.

درنخستین سال‌حکومت محافظه کارنرخ تورم دوبرابرشد، ودرماه آوریل ۱۹۸۰ به ۲۲% رسید، که‌این رقم از ۱۹۷۶ بدینسو بالاترین نرخ تورم بحساب‌می‌آید. دربهارسال گذشته، بریتانیاازاین‌نظر دربین‌کشورهای غربی بزرگ مقام نخست را دارابود (نرخ تورم درایتالیا ۲۰/۵%، درایالات‌متحده ۱۴/۷%، درفرانسه ۱۳/۷%، درژاپن ۸% و درآلمان غربی ۵/۸% بود) و درسال ۱۹۷۹ کسری تجارت خارجی تا رقم ۳میلیارد پوندافزایش یافت.

درظرف‌نخستین سال‌حکومت محافظه‌کارقیمت های خرده فروشی ۱۹/۸% بالا رفت و به طورعمده بهای شیر، سبزیجات تازه، سیگار ذغال، بنزین، نوشابه‌های‌الکلی وکرایه‌اتوبوس افزایش پذیرفت. درحالیکه چهارسال پیش، قیمت هتل‌ها و رستوران‌های درجهٔ یک لندن درجهان دررده‌ٔ سی‌وهشتم قرارداشت، اکنون لندن ازاین حیث گران‌ترین شهرجهان به‌شمار می‌آید. البته بایددقت کردکه‌افزایش قیمت‌های خرده فروشی به‌هیچ‌روباافزایش دستمزدها همخوانی ندارد.

پیامد دیگرحکومت محافظه‌کارچنین‌است: تاپایان سال ۱۹۸۰ رقم بیکاران به ۲۲۴۴۰۰۰ رسید، که‌این رقم نشانگر پیوستن یک‌میلیون تن‌به‌ارتش‌بیکاران وبزرگترین‌رقم شماربیکاران‌از سال ۱۹۳۰ بدین‌سو است. بنابه آخرین آمار انتشاریافته‌ازسوی‌مجله "تایمز"، شمار بیکاران ۲۶۸۰۹۷۷ است، یعنی ۱۱/۱% نیروی کاراین کشور را تشکیل‌می‌دهد. البته‌نرخ بیکاری در سراسربریتانیایکسان‌نیست. در**ایرلندشمالی** ۱۷/۶% در**لیورپول** ۱۷%، در**ویلز** ۱۳/۷% و دراسکاتلند ۱۲/۷% نیروی کار راشامل‌می‌گردد. دراین‌بین، رواج‌بیکاری درمیان‌زنان‌دو برابر مردان و درمیان کارگران مهاجر چهاربرابر بریتانیائی‌هاست.

افزون‌برآن، به‌گواهی آماررسمی، وضع بیش‌از یک میلیون تن ازبیکاران کشور، به دلایل گوناگون، در دفاتر کاریابی‌منعکس نگردیده‌است. "کنگرهٔ اتحادیه‌های‌بریتانیا" شمار واقعی بیکاران را چندین ماه پیش ۳۷۷۳۰۰۰ اعلام داشت.

حکومت وکارفرماها ازرشد شتابان‌بیکاری برای‌اعمال‌فشاربرزحمتکشان و اتحادیه های حافظ منافع شان بهره‌برداری می‌کنند. آنها امیدوارند که هراس ازبیکاری ارادهٔ کارگران‌را فلج کندوکارگران رابه پذیرش کاهش دستمزد واقعی ناگزیر سازد. ازاین روست که‌کابینه تاچر ۶% بردستمزدهامی‌افزاید، درجائیکه‌نرخ تورم دوبرابرشده‌است.

ازسوی دیگر، گرایش فزایندهٔ کاهش تولید و رکودصنعتی بچشم می‌خورد. صنایع فولاد، کشتی‌سازی، منسوجات ودیگرشاخه‌های صنعت بادشواری‌های جدی روبرو هستند.

سقوط ماشین بریتانیای کبیر

چنین‌است‌توصیف‌مطبوعات‌از موقعیت صنایع‌اتومبیل‌سازی‌بریتانیا ـ شامل‌چهارمجتمع عمده "لیلاند"، "تالبوت"، "فورد" "وواکس‌هال" ـ وهم‌اکنون به سبب‌کاهش تولید، هزاران تن کارگردست به گریبان بیکاری وانبوه‌دیگری از کارگران دچارکم‌کاری (دویاسه روزکاردرهفته) هستند.

دولت تاچر به پیروی از سیاست‌سپردن نبض‌اقتصادبه دست سرمایه‌های خصوصی‌وبا تخصیص اعتبارات ناچیز به موسسات ملی‌شده ناقوس مرگ و ورشکستگی آنها رابه‌صدادرمی‌آوردو باتوسل به ترفند "سودآورنبودن" آنها راباگشاده دستی دراختیاراحصارات‌خصوصی می‌گذارد و دولت تاچر بدینسان، منافع انحصارات داخلی و خارجی راتامین می‌کند. شایان بیان این‌که تنهاظرف سه‌ماه ـ از اول ماه مارس تا آخرماه مه ۱۹۸۰ ـ سطح‌کل‌تولید نسبت به‌سال پیشین ۵/۵% کاهش یافت.

"**تایمز**" چندی پیش درتحلیل اوضاع اقتصادی ـ اجتماعی بریتانیا ازجمله‌نوشت:

"داروپی که او (تاچر) تجویز می‌کند، این خطر را دربردارد که بیمار رابه کام مرگ بفرستد، قبل ازآنکه شانس مناسبی برای بهبودی بدست آید."

دراوضاع واحوال‌کنونی، گذشته‌از این سیاست های ویرانگر داخلی، سیاست ماجراجویانهٔ افزایش اعتبارات نظامی ونزدیکی هر چه بیشتر به‌امپریالیسم آمریکا در پیوند با گسترش توان نظامی "پیمان‌ناتو" وتشدید سیاست شوروی ستیزی درصحنهٔ بین‌المللی ـ که درخدمت تشنج فزایی ومسابقه تسلیحاتی است ـ نیز بطور فزاینده به گرایش مسلط در دولت بریتانیا تبدیل می‌شود. بی‌تردید این سیاست نه به سوی نجات کشور از چنگال بحران‌وبیکاری‌و... بلکه‌بریتانیای‌بیمار رابراه مرگ می‌برد.

تظاهرات گستردهٔ هفته‌های اخیر، راهپیمائی‌های عظیم واعتصابات درازمدت ماه‌های‌گذشته نشانگر آنست که‌زحمتکشان‌برای ازمیدان بدرساختن حکومت تاچر بپاخاسته‌اند. خواستها‌و شعارها روشن است: همانطور که درتظاهرات ۱۵۰ هزارنفری ماه مه، که زیر شعاراصلی "ماکارمی‌خواهیم، نه‌بمب!" منعکس گردید، زحمتکشان خواهان برکناری دولت محافظه‌کارتاچر، رفع بحران بیکاری، کاهش هزینه‌های تسلیحاتی، بهبودوضع درمان و بهداشت‌ومسکن، خدمات آموزشی وبرابری حقوق‌زن ومرد، پایان دادن به تبعیض نژادی و دیگر پدیده‌های زیانبار اجتماعی‌واقتصادی سرمایه‌داری‌هستند.

در دودههٔ اخیرهیچ یک از دولت‌های بریتانیا دورهٔ کامل پنجسالهٔ حکومت خودرا به سرنیاورده‌اندو عمرشان دراثربحران ژرف اقتصادی واجتماعی به‌انتخابات عمومی دورهٔ بعدوصلت نداده‌است. چه بساکه‌آتشفشان‌خشم جوانان بریتانیا، هم‌اکنون ناقوس مرگ دولت تاچر رابه صدا درآورده‌است.

بریتانیادرتب‌بحران‌بی‌سابقه‌ای می‌سوزد. کافیست خاطرنشان سازیم که درطی سه ماه (ازآوریل تاژوئن ۱۹۸۰) ۳۰۰۰ کمپانی‌صنعتی به کام ورشکستگی درغلطیدند. ره‌آورد این اقتصاد بحران گرفته، رشدسرطانی‌بیکاری به میزان یک نفر درهر ۳۰ ثانیه‌است.

جالب اینجاست که هنگام گزینش مارگارت تاچربه رهبری حزب محافظه‌کار، وی علت "بیماری‌های‌اقتصادی مزمن‌بریتانیا" را چنین تشخیص داد:

"کوشش بی‌رحمانه‌برای تامین‌برابری به شیوه‌های گوناگون به‌اقتصادمان آسیب می‌رساند".

بربنیان "تئوری" او بریتانیاباید به کشوری‌تبدیل‌شودکه‌مردم درآن‌از "حق‌نابرابر" برخوردارگردند! ازاین‌رو، کابینهٔ محافظه کار به پیروی ازاین "تئوری" می‌بایست آنچه‌راکه هزینهٔ عمومی مازادتلقی‌می‌گردید، از میان بردارد. به بهانهٔ صرفه جویی از هزینهٔ خدمات درمانی، آموزش و پرورش ومسکن به میزان صدهامیلیون پوند کاسته شده است. اجرای‌این‌سیاست‌تنهادرعرصهٔ آموزش موجب محروم شدن بیست هزار دانشجو ازتحصیل در دانشگاه‌های دولتی‌وبیکاری ۳۰۰۰ تن‌استاد و ۴۵۰۰ شاغل‌دیگر گردید.

آری، به برکت سیاست تاچر، بر پایهٔ آماررسمی، هم‌اکنون افزون بر ۶میلیون تن‌زیر مرز فقر دربریتانیا زندگی‌می‌کنند.

این وجه از "نابرابری‌طلبی" سیاست تاچر رامی‌توان درجملات زیر ساده کرد: تاچر ومحافظه‌کاران همپالگی‌اش براین‌باورند که اگر شما پولی درکف داشته باشید، می‌توانید فرزندان خود را به مدرسهٔ خصوصی بفرستید، دکترخصوصی‌داشته باشید، یا یک خانهٔ شخصی بخرید. اگر شماپولی درکیسه‌نداشته باشید، آن‌وقت، در انطباق با "حق‌نابرابر بودن" شمافقط بایدخودراسرزنش‌کنید.

دوگرایش متضاد در سیاست خارجی کویت

نام رسمی: دولت الکویت (کشورکویت)

سرزمین: امیرنشین کویت در شمال خاوری شبه‌جزیرهٔ عرب، بین عراق درشمال و غرب وعربستان سعودی درجنوب واقع است. این کشور، با ساحل ۲۵۰ کیلومتری خود، درشرق به خلیج فارس محدود می‌شود. کویت ۲۰۶۸۸ کیلومترمربع وسعت دارد. این رقم بخش کویتی "منطقهٔ بیطرف" سابق را میان کویت و عربستان سعودی نیز شامل می‌گردد (درحدود ۲۸۵۰ کیلومتر مربع) دوکشور نامبرده شانزده سال پیش (۱۹۶۵) تصمیم گرفتند تا این منطقه (بمساحت ۵۵۷۰ کیلومترمربع) را، که نزدیک به شصت سال پیش (۱۹۲۲) ازسوی استعمارگران بریتانیائی تعیین شده بود، میان خود تقسیم کنند. این تصمیم چهار سال بعد (۱۹۶۹) به اجرا درآمدو طرفین به توافق رسیدند که مشترکا از منابع نفتی این منطقه (درحدود ۲میلیاردتن) بهره‌برداری کنند. چندجزیرهٔ کوچک وبزرگ به مساحت ۱۰۰۰ کیلومترمربع در خلیج فارس نیز به کویت تعلق دارد.

آب وهوای کویت بسیار گرم است و در تابستان گرمای این کشور به ۴۰ تا ۵۰ درجه می‌رسد. میانگین گرما در دیماه ۱۴ درجه است. رطوبت هوا درکویت درماههای تابستان درحدود ۹۰٪ است. میانگین سالانهٔ بارش ۱۵۵ میلی متر است.

سکنه: بر پایهٔ سرشماری بهار سال ۱۳۵۹، درکویت ۱۳۵۵۸۲۷ نفرزندگی می‌کنند بدینسان، جمعیت این کشور در ۵ سال گذشته ۳۶/۴٪ افزایش یافته است. ۴۹٪ افراد مقیم کویت خارجی هستندو یا بطور موقت در این کشور زندگی می‌کنند. خارجیان مقیم کویت، فزون بر ۲۵۰ هزار فلسطینی، کارگران اردنی، ایرانی، عراقی، لبنانی، هندی، پاکستانی و غیره را دربرمی‌گیرند. اینان بیشتر در رشتهٔ ساختمان، صنعت، بهداری و یا بخش مدیریت اشتغال دارند.

پایتخت کویت الکویت نام دارد، که دارای ۳۵۰ هزارنفر جمعیت است (باحومه در حدود ۷۰۰ نفر). دیگرشهرهای بزرگ کویت عبارتند از: **الاحمدی:** ۱۸۲۰۰۰ نفر، **الحوالی:** ۱۶۰۰۰۰ نفر و **سلیمیه:** ۱۰۰۰۰۰ نفر.

مذهب رسمی: کویت اسلام است (۷۵٪ سنی و ۲۵٪ شیعه).

زبان رسمی: عربی، انگلیسی نیز بعنوان زبان اداری بسیار رایج است.

حکومت: کویت، بموجب قانون اساسی، سلطنت (امیرنشین) مشروطه است. رئیس کشور از دیماه ۱۳۵۷ تا کنون **شیخ جابرالاحمدالجابر الصباح**. وی همچنین فرماندهٔ کل نیروهای مسلح کویت بشمار می‌رود. امیرکویت "مصون و **تغییرناپذیر**" و ازامتیازات **مقننه و مجریه** وسیع برخوردار است. امیرکویت نخست‌وزیر این کشور را منصوب می‌کند ومی‌تواند، پس از موافقت یک سوم نمایندگان، پارلمان رامنحل سازد.

دولت کویت در برابر امیر مسئول است. نخست وزیرکنونی کویت، **شیخ سعدالعبدالله السالم الصباح**، درعین حال ولیعهد این کشور است.

کویت نخستین بار در ۲۴ آبان ۱۳۵۱ (۱۵ نوامبر ۱۹۶۲) دارای قانون اساسی شد. در ۸ بهمن ۱۳۵۲ (۲۸ ژانویه ۱۹۶۳) اولین **مجلس ملی** کویت انتخاب گشت. مجلس ملی ۵۰ نماینده را در برمی‌گیرد، که هرچهارسال یکبار، انتخاب می‌شوند. درکویت، تنها مردان ۲۱ سال به بالا حق رای دارند. در تاریخ ۴ اسفند ۵۹ (۲۳ فوریه ۱۹۸۰) پس از چهار سال تعلیق، پارلمان جدید کویت انتخاب شد.

کویت ازنظر اداری به سه ایالت **الکویت الحولی والاحمدی** تقسیم می‌گردد.

نیروهای مسلح کویت ۱۲ هزار نفررا در برمی‌گیرند (نیروی زمینی: ۱۰۵۰۰ نفر، نیروی هوائی: ۱۰۰۰ نفر، نیروی دریایی: ۵۰۰ نفر) بیش از دوسال است، که در کویت نظام وظیفهٔ عمومی (۱۸ ماه) معمول شده است.

پول: دینارکویت= ۱۰۰۰ فلس= ۳/۳ دلار ایالات متحده.

تاریخ: شیخ نشین کویت دراواسط سده هیجدهم از سوی خاندان **الصباح** که از درون شبه جزیرهٔ عرب به این سرزمین کوچ کرده بود تاسیس یافت. اماکویت (بعربی یعنی دژکوچک) بخشی ازامپراطوری عثمانی باقی ماند. در آن هنگام مهمترین فعالیت اقتصادی درکویت صید مروارید بود. درسال ۱۱۰۰ (۱۸۲۱)، بریتانیا مرکز تجاری خود را از بصره به کویت منتقل کردو کویت، بدینسان به پایگاه مهم بازرگانی وکشتی‌رانی مبدل شد. دراواخرسدهٔ بیستم (۲۳ ژانویه ۱۸۹۹)، "**قراردادحفاظت**" میان امیرنشین کویت و بریتانیا انعقاد یافت، که هدف آن مقابله با مقاصد انضمام طلبانهٔ امپراتوری آلمان بود. هفت سال بعد، بریتانیا کویت را تحت الحمایهٔ خود اعلام کرد. تا ایجاد "منطقهٔ بیطرف"، نزدیک به شصت سال پیش (۱۹۲۲)، کویت پی درپی هدف تهاجمات قبیله‌های مختلف عربستان سعودی قرار می‌گرفت. درهمین سال بود که نخستین بار نفت درکویت کشف شد.

کویت در ۲۹ خرداد ۱۳۴۰ (۱۹ ژوئن ۱۹۶۱) به استقلال دست یافت و "**قرار داد حفاظت**" با بریتانیا جای خود را به "**قرارداد دوستی ومشورت**" داد.

اقتصاد: اقتصادکویت برپایهٔ ذخیره‌های غنی نفت وگاز طبیعی استوار است. به موجب برآوردی (۱۳۵۷)، ذخیره‌های نفتی کویت بالغ بر ۹/۲ میلیاردتن می‌شود. بدین ترتیب، کویت ازنظر ذخیره‌های نفتی، در **جهان سرمایه‌داری، درمقام سوم قرار دارد.**

درآمد سالیانه کویت از بابت صادرات نفت، که بیست و پنج سال پیش، درآغازاستخراج نفت دراین کشور، از ۷۶/۰ میلیارد دلار تجاوز نمی‌کرد، سال پیش به ۱۱ میلیارددلار رسید. درسال ۱۳۵۸، کویت ۱۰۴ میلیون تن نفت و ۵۲۵۰ میلیون مترمکعب گاز استخراج کرد. بخش تولید نفت و گاز ۹۵٪ درآمد ملی کویت را تامین می‌سازد. باتاسیس "کویت پترولیوم اورگانایزیشن"، استخراج، پالایش، ترابری وفروش نفت دریک کنسرن دولتی تمرکز یافته است.

بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌های کویت در زیرساز اقتصادی ـ اجتماعی، پتروشیمی، تولید مصالح ساختمانی، انرژی، صنایع سبک و تصفیهٔ آب آشامیدنی گردآمده است.

بعلت شرایط نامساعدجوی، توسعهٔ کشاورزی درکویت بسیارمحدوداست. تنها یک درصد مساحت کویت قابل‌کشت است. در کویت، بیش ازهمه چیز، سبزی کاشته‌میشود ازسوی دیگر، فرآورده‌های ماهیگیری بیش از ۹۷٪ نیازمندی مردم کویت را تامین میسازد.

صدور نفت و فرآورده‌های نفتی ۹۰ـ۸۵ درصد درآمدصادراتی کویت را تشکیل می‌دهد. دراین زمینه، همچنین درآمد سرمایه‌گذاری‌های کویت در کشورهای خارج نقش مهمی ایفامی‌کند.

واردات کویت بیشتر ماشین‌آلات، تجهیزات ترابری و فرآورده‌های صنعتی را شامل می‌شود. بازرگانی خارجی کویت، در درجهٔ نخست، با ژاپن، ایالات متحده آمریکا بریتانیا ودیگرکشورهای غربی صورت میگیرد.

درسالهای اخیر، کویت به یکی از مهم‌ترین کانون‌های بازرگانی‌مالی درخاور نزدیک ومیانه توسعه یافته است. کویت همچنین به بسیاری از کشورهای رشدیابنده اعتبار می‌دهد، (درحدود ۸٪ فرآورده‌ناویژه‌اجتماعی).

آموزش وپرورش وبهداری. در کویت آموزش و پرورش مقدماتی، ازجمله پوشاک و خوراک دانش‌آموزان، رایگان است. در این کشور ۱۶۲۱۷، معلم به تعلیم ۲۱۵۴۵۰ شاگرد اشتغال دارند. پنج سال پیش، دانشگاهی ملی دراین کشور گشایش یافت. بهداری نیز درکویت مجانی است.

اوضاع کنونی. درسیاست داخلی کویت گرایش های متضادی دیده می‌شود:

دراین کشور، بموجب قانون، احزاب سیاسی حق فعالیت ندارند. اما انتخابات اخیر کویت نشان دادکه درمیان نامزد های انتخاباتی نیز گرایش های مختلف سیاسی دیده می‌شود. مهمترین موضوع‌های کار زار انتخاباتی عبارت بود از: حق انتخاب برای زنان، تدوین قانون جدیداجاره، سیاست دستمزد، عوارض مدارس و بیمارستان های **خصوصی و غیره. در پارلمان کنونی** کویت، هواداران شیخ **جابرالاحمدالجابرالصباح** دارای اکثریت **مطلق هستند. گفته می‌شودکه** امیرکویت، بیمناک از **افزایش** نفوذ شیعیان، حوزه‌های انتخاباتی را طوری تعیین کرد، که شمارهٔ نمایندگان شیعه در پارلمان ازده بیشتر نباشد.

درسیاست خارجی نیز گرایش های متضادی دیده می‌شود: ازیکسو، کویت خودرا هوادار سیاست غیرمتعهد می‌داند و در راه گسترش مناسبات خود باکشورهای سوسیالیستی کوشش می‌ورزد. دولت کویت، درچارچوب بین‌المللی، خواهان تدابیرجدی برای خلع سلاح وبراندازی استعمارو نژادپرستی است. درزمینهٔ مسئلهٔ خاورنزدیک، کویت از راه حل سیاسی همه جانبه پشتیبانی می‌کند وقراردادجداگانه‌وخیانتکارانه "کمپ دیوید" رامردودمی‌شمرد. در پیوندبااوضاع خطرناک منطقهٔ خلیج فارس، کویت از پیشنهاد پنج ماده‌ای "اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی" دربارهٔ صلح وامنیت در این منطقه، که **لئونیدبرژنف** در دهلی‌نو مطرح ساخت، هواداری کرده‌است.

چنانکه ازاعلامیهٔ مشترک میان دولت‌های کویت و جمهوری‌دموکراتیک خلق یمن، در پایان سفر اخیر امیرکویت (اواسط زمستان ۱۳۵۹) به عدن برمی‌آید، این دوکشورمخالف هرگونه مداخله نظامی درمنطقهٔ خلیج فارس، شبه جزیره عرب و دریای سرخ هستند. مواضع مثبت نامبرده دراعلامیه مشترکی، که بمناسبت سفر وزیرخارجه کویت به اتحاد شوروی انتشاریافت (اوایل اردیبهشت ۱۳۶۰) نیز تاکید شد.

از سوی دیگر، کویت درکنار عربستان سعودی، عمان، بحرین، امارات متحده عربی و قطر، درکنفرانس کشورهای شش گانه خلیج فارس در ریاض شرکت داشت، که مهمترین موضوع موردبحث آن تشکیل یک "سیستم امنیتی خلیج (فارس)" بود. کنفرانس ریاض "قطعنامه‌ای دراین باره تصویب کرد، که جزئیات آن هنوز فاش نشده‌است. آنچه مسلم است آنستکه این کنفرانس تصمیم گرفت تا به تاسیس یک "**شورای همکاری**" اقدام کند روزنامهٔ ارتجاعی "**دی‌ولت**" (آلمان غربی) درآن هنگام دراین باره نوشت که، تشکیل "**شورای همکاری**" به منزلهٔ "**اولین گام بسوی ایجادفدراسیونی در خلیج (فارس)، برهبری عربستان سعودی**" و به مثابه "**ابتکارجدید سعودی‌ها در راه تامین سیادت ومنافع خوددرخلیج (فارس)**" به شمار می‌رود. "**دی‌ولت**" اعتراف کرد که رهبری عربستان سعودی درخلیج فارس کاملا" **درجهت منافع غرب وابسته به‌نفت است**".

آینده‌نشان خواهدداد که‌کدام یک از این دوگرایش متضاد در سیاست خارجی کویت پیروز خواهد شد.

دستی باز...

بقیه ازصفحه ۱

گروه‌بندی مخالف واین‌که امکان تاثیرمستقیم سیاسی را دیگرار دست داده‌است، باتوجه به حضوروحمایت‌فعال‌توده‌های‌میلیونی‌زحمتکشان ومستضعفان‌که ازجمله درشرکت کم سابقه‌آنان‌در انتخابات اخیرتجلی‌یافت، و باتوجه‌به‌ترکیب همگون‌قوای‌سه‌گانه‌که‌ازاین‌پس‌خواهندتوانست‌با هماهنگی در راستای مشترکی‌حرکت کنند، باید گفت که دولت آقای دکترباهنردریک موقعیت استثنائی بسیارمثبتی‌برسرکارمی‌آیدوبایدانتظار داشت چنان عمل کند که در پایان بتواند کارنامهٔ درخشانی راعرضه نماید. آری، باتمرکز قدرت تصمیم‌گیری‌واختیارعمل‌درترکیب‌کنونی ارگانهای حاکمیت، آقای دکترباهنرودولت‌شان از همه‌جهت "دستی‌باز" دارندودرصورت عدم توفیق‌به هیچ "عذری" نمی‌توانند متوسل شوند.

بااین همه، بایدگفت که مسائل‌ومشکلات **درهمهٔ** زمینه‌هابسیاراست. درآخرین‌تحلیل‌هم **تقریبا** همه‌شان با ماهیت و محتوای انقلاب‌و **راستای‌حرکت** آن پیوند دارندوهمین است که **صف‌بندی** و درگیری‌نیروها را در داخل‌و خارج **موجب** می‌شود. باید به‌این‌نکته توجه‌داشت‌و، **درمساعدت** ومخالفت، دوستان‌ودشمنان را به **معیار** آن‌سنجیدوبرحسب آن تصمیم‌گرفت.

درصحنهٔ داخلی، نبایدپنداشت که با حذف بنی‌صدرو ازهم پاشیدن اجتماع‌گروه‌هایی که بادیدگاه‌هاومقاصدمختلف‌وگاه‌متضاد، ولی‌متفق در دشمنی‌باحرکت عمق یابندهٔ انقلاب به سود مستضعفان‌ایران، زیر پرچم‌او گردآمده‌بودند، جریان‌آمریکایی ـ لیبرالی‌بنی صدر نیزحذف شده‌است. ریشه‌ها هنوز باقی است‌و می‌تواندحتی‌از جاهایی‌که مصفا و مزکی می‌نماید شاخ و برگ بزند. وظیفهٔ انقلاب، حاکمیت‌انقلابی‌ودولت آقای دکترباهنراست‌که باشناخت‌درست‌همه‌جوانب‌ومظاهراین‌جریان، درنهایت جدیت به ریشه کن کردن آن همت بگمارند.

درسرلوحهٔ وظایفی‌که‌دولت آقای باهنر بر عهده‌دارد، اجرای‌رهنمود صریح**امام خمینی**، رهبرانقلاب‌وبنیادگذارجمهوری اسلامی‌ایران است به هنگام تنفیذ رای مردم در انتخاب آقای رجائی‌به‌ریاست جمهوری، وان پرداختن به اقدامات‌قاطع بنیادی‌است در بهبود وضع زحمتکشان‌ومستضعفان‌وتامین‌کاروسکن‌وفرهنگ وبهداشت آنان.

همچنین است اجرای قاطع و بنیادی اصلاحات ارضی به سود دهقانان‌بی‌زمین وکم زمین‌وبه‌منظوربرانداختن نظام غارتگر بزرگ مالکی، اجرای اصل قانون‌اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی‌خارجی، تشکیل‌شبکهٔ‌تعاونی‌های توزیع و مصرف، اجرای‌سهمیه بندی در مورد اساسی‌ترین کالاهای‌مصرفی همگانی: تعمیم‌آموزش دبستانی‌ودبیرستانی، بویژه در نقاط تراکم جمعیت‌کارگری، روستاهاونواحی عشایری، توسعهٔ شبکهٔ درمانگاه‌هاوبیمارستان‌ها و داروخانه‌هاواجرای درست انواع‌بیمه‌ها، تصویب و اجرای یک قانون‌انقلابی مسکن‌به‌سود زحمتکشان‌وکوتاه‌کردن‌دست صاحبان مستغلات که‌بخش‌عمده‌ای‌از درآمدخانواده‌های‌مستضعف‌را ازآنان می‌دزدند...

سیاست‌خارجی‌ایران‌هم باید بیش‌ازپیش بامصالح‌حیاتی‌انقلاب‌ضدامپریالیستی، مردمی واسلامی‌مامنطبق باشدتا اثرمثبت بازتاب آن درمیان توده‌های محروم جهان و جنبش های رهایی‌بخش وکشورهایی که‌باامپریالیسم جهانی به‌سرکردگی‌آمریکادرمبارزه‌اندبه تحکیم موقعیت کشورانقلابی‌ایران درصحنهٔ بین‌المللی‌کمک برساند. درپیکار گسترده‌وبی‌امانی که ایران انقلابی‌باجبههٔ مشترک کشورهای‌امپریالیستی‌و دست‌نشاندگان‌ومتحدان‌شان‌درافتاده‌ودست به‌گریبان‌است، مابه‌حسن‌نظر، یاری معنوی و همکاری‌مادی‌همهٔ نیروهای ضدامپریالیستی نیازمندیم. ما با این نیروها، باجبههٔ پایداری عرب، باکشورهای غیر متعهدوهمچنین، بااردوگاه‌سوسیالیسم واتحاشوروی‌خواه‌ناخواه در یک جبهه‌ایم و باید دوستی‌صادقانه‌و بی‌دریغ شان رادرچارچوب استقلال، حاکمیت‌وتمامیت‌ارضی خود و در راستای منافع ملی‌وانقلابی خود مغتنم بشماریم. دیگروقت آن‌رسیده است که به شیوهٔ خرابکاری‌عمدی‌لیبرالهای دولت موقت و زمان‌ریاست‌جمهوربنی‌صدرکه‌نمی‌گذاشتند جمهوری‌اسلامی‌ایران از خط ثابت و شایان اعتمادی‌درسیاست خارجی پیروی کند پایان داده‌شود. بی‌شک، پیشگرفتن‌یک‌چنین‌سیاست قاطعی‌که‌تنها مصالح‌انقلاب‌ومنافع کشوررادرنظر دارد، باوجودرسوبات ذهنی چند ده سالهٔ گذشته‌وباجوی‌که خواستاران‌پنهان‌وآشکارسازش باامپریالیسم به بهانهٔ اسلام وخطر موهوم شوروی به‌وجودآورده‌اند، کارآسانی‌نیست. واقع بینی‌وشهامت‌می‌طلبد. ولی‌چاره‌نیست. امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی‌آمریکا، صهیونیسم، ارتجاع منطقه‌وضدانقلاب داخلی، هر لحظه‌آمادهٔ بهره‌گیری‌ازدودلی‌ها، سرگشتگی‌ها، تعصب‌ها و اشتباهات ما هستندتاضربات خودرا برکشور وبرانقلاب فرودآرند.

درعرصهٔ داخلی‌هم، بدان‌گونه‌که**امام خمینی** تاکیدکرده‌اند، بایدتلاش دولت آقای دکترباهنر درآن‌باشدکه کلیهٔ‌نیروهای مدافع انقلاب در راستای اعادهٔ حقوق‌غصب شده محرومان‌ومستضعفان متحدگردند و تکیه‌گاه مطمئن دولت در پیروزی درجنگ‌بارژیم‌صدام و درباز سازی انقلابی‌کشورباشند. تامین‌آزادی فعالیت‌احزاب وگروه‌های‌مدافع انقلاب، مبارزه جدی باانحصارطلبی‌وقشریگری‌که تاکنون نارضایی‌هاو زیانهای عمده‌ای راموجب‌شده‌است سعی‌درتحکیم بنیادشوراها و تشویق‌فعالیت موثرآنها به صورتی‌که توده‌های‌مستضعف به راستی حاکم برسرنوشت خودشوند نیزاز اهم وظایف دولت آقای دکترباهنراست.

مردم ایران و همهٔ نیروهای انقلابی آماده‌اند از دولتی که صادقانه، قاطعانه و پیگیرانه درجهت تحقق هدفهای‌انقلاب گام بردارد، باهمهٔ توان خویش‌پشتیبانی‌کنند.

همه‌کس و...

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی، خطاب به رئیس جمهور جدید که برخلاف رئیس جمهور فراری، به‌طور عمده با آراء طبقات زحمتکش جامعه انتخاب شده است، چنین گفتند:

"شما باید برای این پابرهنه‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به‌استضعاف کشیده شده بودند و آنها را به‌حساب نمی‌آوردند... شما باید توجه‌تان به‌این توده‌های مستضعفی که با زحمت خودشان ورنج خودشان... مشغول فداکاری هستند و مستضعفند... برای اینها کار کنید... باید همه دست به‌دست هم بدهید که انشاءالله برای آنها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود.

آغاز مرحلهٔ سوم انقلاب، براثر هشیاری و آمادگی وجانبازی توده‌های زحمتکش و مستضعف وبه‌برکت آگاهی سیاسی وشورانقلابی‌شان، با پیروزی عظیمی برای حاکمیت انقلابی و شکستی پردامنه وننگین برای امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، ضدانقلاب داخلی وعناصر رنگارنگ آبرو- باختهٔ جبههٔ براندازی همراه بوده است. ازین‌رو، تاکید امام خمینی بر لزوم توجه به‌وضع توده‌های زحمتکش وبرآوردن خواست‌های آنان وتعیین این امر به‌مثابهٔ مهمترین وظیفه ومسئولیت حاکمیت انقلابی وارگانهای آن -یعنی مجلس شورای اسلامی ریاست جمهوری ودولت- از اهمیت ویژه‌ای بر- خوردار است.

امام، چه‌در دوران تدارک و وقوع انقلاب و چه‌پس‌از پیروزی آن تا به‌امروز، همواره روی عمده- ترین مسائل انگشت گذاشته، گرهی‌ترین موضوعی را که سرنوشت انقلاب به‌حل آن وابسته بوده مطرح ساخته‌اند. پس، در این آغاز مرحلهٔ سوم انقلاب، مسئله‌رسیدگی به‌حال وروز زحمتکشان وکوشش برای تامین زندگی مرفه‌شان را باید از نظر اهمیت درحد همان مسائل گرهی وسرنوشت‌سازی دانست که از جانب رهبرانقلاب در مراحل گذشته طرح شده و ضرورت پرداختن به‌آنها خاطرنشان گردیده است. بر ارگان‌های انقلابی است که به‌مسئولیت مهمی که اکنون امام برای‌شان معین کرده‌اند دقت خاص مبذول دارند وتامین خواست‌های برحق طبقات زحمتکش جامعه راسرآمد وظایف خویش به شمار آورند.

انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران، که‌خیزش عظیم توده‌های زحمتکش و مستضعف جامعه‌بود وباحضور آگاهانه‌شان گسترش ودوام یافت، ازهمان آغاز، حاکمیت انقلابی ویژه‌ای راطلب می‌کرد. این حاکمیت، برای ریشه- دوانیدن وبالیدن درجهت مطلوب، می‌بایست از درون توده‌های زحمتکش ومستضعف برخیزد و سکان‌های اساسی آن نیز به‌دست نمایندگان واقعی مردم سپرده شود. اما وجود قشرها و طیف‌های اجتماعی- سیاسی وابسته به‌حاکمیت سرمایه مانع از این امر شد. زمانی طولانی وعبوراز موانع گوناگون وبغرنج لازم آمد تا نمایندگان قشرهایی که به‌ناحق به‌عالی‌ترین مقامات حاکمیت انقلابی خزیده‌بودند طرد شوند. توده‌های زحمتکش و مستضعف، به‌رهبری قاطع ودورنگر امام خمینی، اگرچه با تحمل صدمات ودادن قربانی‌های بسیار، به‌هرحال این دوران را با پیروزی از سرگذرانیدند استقرار حاکمیت همگون انقلابی که امروزه در کار شکل گرفتن است، بی‌شک به‌برکت فداکاری وازجان گذشتگی وحضور آگاهانهٔ توده‌های زحمتکش امکان‌پذیر گشته است، واین واقعیت باید مورد توجه وتکیه وتاکید مقامات عالی حاکمیت قرارگیرد

امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، با بر- خورداری از امکانات عظیم مالی و اقتصادی و اداری وبابهره‌گیری از خیانت عوامل وابسته و طفیلی درجامعه، موانع بزرگی برسر راه انقلاب ایران ایجاد کردند. توطئه‌پشت‌سر توطئه- از خرابکاری‌های داخلی گرفته‌تا تجاوز نظامی خارجی -به‌منظور جلوگیری‌از پیشرفت وگسترش وژرفایی انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی به‌سود توده‌های زحمتکش ومستضعف ترتیب داده‌شد. اما انقلاب به‌نیروی زنده‌و زایندهٔ توده‌های زحمتکش - کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران انقلابی وروحانیان متعهد- روند تکاملی خود را طی کرد. دراین روند تکاملی، نه‌تنها دست قشرهای استثمارگر و فزون‌طلب هرچه‌بیشتر از حاکمیت انقلابی کوتاه‌گردیده است، خود حاکمیت انقلابی نیز به‌استحکام وانسجام بیشتری دست یافته‌است. ازهمین‌رو حاکمیت انقلابی امروزه از توان بیشتری برای تحقق هدف‌های ضدامپریا - لیستی ومردمی انقلاب برخوردار است.

اکنون، به‌فرمودهٔ امام خمینی، ضدانقلاب داخلی به‌مرحله‌ای‌از ضعف وبی‌اعتباری رسیده است‌که "بحمدالله داخلش دیگر داخل آدم نیست"، واین نتیجه مستقیم قربانی‌هایی است‌که به‌خصوص محرومان جامعه‌در دفاع از انقلاب متحمل‌شده- اند. جانبازی اینان، بازهم به‌گفتهٔ **امام خمینی**، شرایطی فراهم آورده است‌که "امروز دست همه باز است. مجلس دستش باز است وهیچکس آقابالاسراو نیست. دولت‌هم دستش باز است ومجلس تاییدش می‌کند. رئیس جمهور هم دستش باز است و ملت تاییدش کرده‌اند. هیچ‌عذری برای‌ما نیست."

این‌همه‌تاکید برامکان ولزوم کار به سود مستضعفان وزحمتکشان ازجانب رهبرانقلاب دلیل روشن بردرک اهمیت وفوریت اقداماتی است‌که باید سریعا به‌سود آنان صورت‌گیرد. بیش‌از این‌نمی‌توان ونباید در پرداختن به‌حل مسائل مبتلابه کار و زندگی زحمتکشان وتودهٔ مستضعف درنگ کرد و لحظه‌ای به‌تعلل وکوتاهی گذراند.

این مسائل، که‌از فرط تکرار نه‌تنها برای مسئولان حاکمیت انقلابی بل‌برای همگان - از موافق ومخالف - شناخته‌شده است، همان‌گونه‌که امام اشاره‌کرده‌اند، دریک جمله‌خلاصه می‌شود: پرداختن به‌ایجاد زندگی مرفه ویک وضع قابل قبول‌برای طبقات زحمتکش و مستضعف جامعه است‌که‌هستهٔ اساسی ودرونی انقلاب راتشکیل داده‌ومی دهند.

بایداعتراف‌کرد که‌طبقات زحمتکش و مستضعف جامعه‌ما، که‌اکثریت مطلق ساکنان کشورند نه‌تنها هنوز ازاستثمار واسارت اقتصادی بجامانده ازدوران طاغوت رهانشده‌اند، بلکه بر اثر توطئه‌های امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی آمریکا وضدانقلاب داخلی متکی به‌کلان سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی با مشکلات توانفرسای دیگری نیزروبرو شده‌اند. ادامهٔ سلطهٔ بزرگ‌مالکی وکلان سرمایه- داری تجاری ومستغلاتی ریشهٔ اصلی محرومیت- هاومشکلاتی است‌که‌افزون برآن‌که‌مانع برخورداری توده‌های زحمتکش و مستضعف از مواهب انقلاب است، امید امپریالیسم وضدانقلاب وابسته‌به‌آن رابه‌درهم شکستن انقلاب زنده‌نگه‌می دارد. به همین‌سبب، در این آغاز مرحلهٔ سوم انقلاب، باید قاطعانه‌به‌این امر پرداخت.

خاتمه‌دادن به‌عمر مالکیت‌های غاصبانهٔ فئودال-ملاکی، رهایی میلیونها دهقان زحمت- کش ازغارت واستثمار قرون‌وسطائی، اجرای اصلاحات ارضی واقعی که‌به‌طورعمده در بندهای "ج" و "د" مصوبه‌شورای انقلاب خلاصه‌شده است، کمک‌های همه‌جانبه‌مالی وفنی به‌دهقانان زحمتکش فوری‌ترین پاسخی است‌که‌باید به‌شرکت وسیع آنان وعائله‌نجدیده‌شان درانتخابات اخیر ریاست جمهوری وحمایت بیدریغ شان ازحاکمیت انقلابی داده‌شود. یک‌بار برای‌همیشه باید به‌ذهن سپرد که‌اگر انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ما، به‌هر علتی، در ریشه‌کن ساختن بقایای نظام فئودال - ملاکی در روستاهای ایران ناموفق بماند، راه برای شکست انقلاب بازخواهد ماندوهموار خواهدشد. باید ازچنین اشتباه وچنین غفلتی، که امپریالیسم وضدانقلاب به‌وقوع آن امیدبسته‌اند، آگاهانه و جداپرهیز نمود.

کلان‌سرمایه‌داری‌درشهر، به‌ویژه کلان- سرمایه‌داری تجاری که‌مرکب از سرمایهٔ طفیلی و وابسته‌است، ترمز عمده رشدنیروهای مولده در کشورماست وتامین استقلال اقتصادی کشور و رشد تولید داخلی- بویژه صنعتی -را مانع می‌شود. سرمایه‌بزرگ‌تجاری‌در وابسته‌نگاه‌داشتن اقتصاد ایران به‌بازارغارت پیشه امپریالیستی وحیف و میل‌منابع ارزی کشور، وهمچنین دردامن‌زدن به تورم وگرانی وهمه‌گونه‌اختلال درمعیشت عمومی نقش‌عمده‌واساسی دارد. باید این اهرم اقتصادی ضدانقلاب درهم شکسته‌شود واین راهزن نابکار که‌بااحتکار و تورم و گرانفروشی کارد برگلوی انقلاب می‌فشارد وتودهٔ مردم راعاصی وناراضی می داردازپادرآورده‌شود.

آزادی فعالیت سرمایه‌های بزرگ‌تجاری به معنای ممانعت‌از گرایش سرمایه‌به‌سوی‌تولید و تشویق‌افراد به‌واسطه‌شدن‌بین‌تولید ومصرف به امیددرآمد بی‌زحمت‌می‌باشد. سرمایه‌های‌بزرگ تجاری نقش دلال رابه‌سود امپریالیسم و به‌زیان اقتصادملی ایفا می‌کنند. باابقای‌کلان‌سرمایه - داری تجاری درمواضع غارتگرانه کنونی آن، کسب موفقیت‌های‌اقتصادی‌به‌سود انقلاب غیر- ممکن‌خواهد

باآنچه گفته‌شد، حاکمیت انقلابی، اگر خواسته‌باشد به‌هدف‌های‌انقلاب‌وفادار بماند، باید تصویب‌قانون‌ملی‌کردن بازرگانی خارجی و اجرای‌فوری و قاطع آن را وظیفهٔ اصلی خود بشمارد ونیز بی درنگ به‌تمرکز اهرم‌های‌عمدهٔ بازرگانی داخلی دست دولت واجرای وسیع و فراگیر سهمیه‌بندی‌کالاهای‌اساسی بپردازد. آراء یکپارچه‌سیزده‌میلیونی‌توده‌های‌مردم به رئیس جمهور جدید، که‌ابراز اعتماد مجددی‌به‌حاکمیت انقلابی‌بود، وثیقهٔ معتبری‌است‌برای برداشتن قدم‌های‌جدی در زمینه‌هایی‌همچون‌ملی کردن بازرگانی‌خارجی‌واجرای‌تصمیمات‌مربوط بدان.

همچنین، حل‌مسئلهٔ مسکن ازدید منافع طبقات‌زحمتکش و مستضعف ازضرورت‌های‌مرحله کنونی انقلاب‌است. این‌که‌میلیونها زحمتکش محروم ازمسکن‌باشند ومالکیت‌های‌عمدهٔ مسکن ومستغلات‌شهری همچنان به‌قوت خود باقی باشد، این‌که "فئودالیته" شهری "قسمت اعظم درآمدخانواده‌های‌زحمتکش رابه نام اجارهٔ مسکن- وآن سربه‌میلیاردها ریال‌میزند- ازآنان برباید وببلعد، قابل‌تحمل نیست. دولت انقلابی می‌تواند وباید به‌حل‌بنیادی‌مسئله‌مسکن اقدام کند.

حل‌مسئله‌آموزش‌عالی وگشودن درهای دانشگاه‌ها به‌روی فرزندان طبقات‌زحمتکش: کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران کار- ورز ضرورت فوری دارد. انقلاب‌فرهنگی به‌معنی واقعی‌آن‌همانا خروج‌دانشگاه‌ها و آموزش‌عالی از انحصار طبقات‌استثمارگر ورهایی‌از نفوذفرهنگی امپریالیسم‌است، ودر ایران‌انقلابی امروز، خواست‌اکثریت مطلق‌مردم جزاین‌نیست. باید درهای بستهٔ دانشگاه‌ها رادر چارچوب این خواست‌انقلابی توده‌ها به‌روی‌جوانان‌بازکرد.

درزمینهٔ ایجادکار وبه‌راه‌انداختن چرخ تولیداجتماعی درهمهٔ رشته‌های اقتصادی، تبدیل دستگاه‌دولتی ازیک‌ماشین‌عظیم پرخرج غیرمولد به‌سازمان‌ضرورمورداحتیاج تولید و خدمات‌اجتماعی ضرورت‌اساسی‌دارد حاکمیت انقلابی‌و ارگان‌های‌آن، اعم‌ازارگان‌های‌قانون- گذاری و اجرائی، باید هرچه‌سریع‌تر به‌حل و فصل مسائل‌اقتصادی - اجتماعی که از مسائل گرهی انقلاب‌است بپردازند.

تحقق‌خواستهایی که‌به‌بهبودوضع مادی و معنوی‌توده‌های‌زحمتکش‌می‌انجامد وهمانگونه‌که **امام خمینی** گفته‌اند، زندگی‌ساده‌توام‌بارفاهی‌را به‌آنان‌نوید می‌دهد، به‌آنچه‌اشاره‌کردیم خلاصه نمی‌شود. درزندگی‌زحمتکشان و توده‌های مستضعف‌جامعهٔ ما، دررژیم‌طاغوتی‌گذشته‌و در دوران‌های‌پیش‌ازآن، هزاران گره و مشکل اقتصادی، اجتماعی‌وسیاسی‌ایجادشده‌است که اکنون، ببرکت‌پیروزی‌انقلاب‌ضدامپریالیستی، مردمی‌واسلامی‌ایران وبا استحکام پایه‌های حاکمیت‌انقلابی، باید این‌گره‌ها بازشود.

توده‌های زحمتکش ومستضعف، تا کنون درقبال نارسائیهای‌زندگی‌و کارخویش، آگاهانه صبروتحمل‌انقلابی‌نشان‌داده‌اند. **امام خمینی**، دربیانات‌پرمغز اخیر خویش، بدرستی توجه می‌دهند که‌بیش‌از‌این‌نباید صبر وتحمل‌انقلابی مردم رابلاجواب‌گذاشت.

وقت‌آن‌رسیده‌است که توجه به وضع زندگی‌وکارتوده‌های‌زحمتکش و مستضعف درصدر وظایف‌حاکمیت‌انقلابی‌قرارگیرد. -

ماردرآستین...

بقیه از صفحه ۱

تازهرتباه‌کننده‌خودرابر جان‌انقلاب بریزد.

بدون‌شک‌فرار **بنی‌صدر** بدون‌یک‌سازمان- دهی ضدانقلابی میسر نبوده‌است. برخی از اطلاعات‌که‌تاکنون درباره‌این فرار منتشرشده، نیز این‌نظر راتائید می‌کند. ازجمله **حجت‌- الاسلام ری‌شهری**، **حاکم شرع** ورئیس دادگاه‌های انقلاب‌اسلامی ارتش‌گفته‌است:

"احتمالا ازدوروز قبل در محوطه‌فرود- گاه‌مخفی بوده (بنی‌صدر) وهنگام پرواز هواپیما دوآمبولانس‌نیز در نزدیکی هواپیمادیده‌شده- اندکه‌احتمالا زن‌بنی‌صدر نیز در یکی از آمبولانس‌ها بوده وهمراه‌بنی‌صدر ازکشور خارج شده‌است." (کیهان- ۱۲مرداد ۱۳۶۰)

کشف‌سازمان‌دهندگان‌این فرار، معرفی آنها به‌مردم ومجازاتشان مسلما گام بلندی‌است که‌بسود انقلاب برداشته‌می‌شود. اماآنچه‌مهم تر است، عبرت‌آموزی‌ازاین‌حادثه و اقدام جدی برای حل‌ریشه‌ای مساله‌است.

فرار **بنی‌صدرو رجوی**، همانطورکه **حجت- الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** رئیس مجلس شورای اسلامی‌وامام‌جمعه موقت تهران صادقانه در خطبه‌های‌نمازروزقدس‌اعلام کرد. نشان‌دادکه: **"ضعف داشتیم"**، وچنانکه **بهزادنبوی** سخنگوی دولت‌اعلام داشت:

"فرار اینها نقطه ضعفی است برای رژیم جمهوری‌اسلامی." (جمهوری‌اسلامی ۱۲ مرداد ۱۳۶۰)

این‌ضعف‌از جمله عبارت از این بود که:

"فضای کشورما اینقدر بی‌در و دروازه باشدکه‌یک‌هواپیما بتواند ازتهران تا مرز غربی به‌راحتی عبوربکند." (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی- جمهوری‌اسلامی، شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۰)

اما همانطورکه‌رئیس مجلس اعلام کرده است، این‌ضعف رابایدبه قوت‌تبدیل‌کرد: **"تا مسئولان به‌فکرجدی‌بیفتند وکاربکنند."** واین‌کار جدی، یعنی پاک‌سازی انقلابی دستگاه دولت و ارتش ازعناصر ضدانقلابی ومشکوک، کاری که متاسفانه‌در دوسال‌ونیم‌گذشته‌به‌شکل‌ناقص‌انجام شده‌ودرنتیجه‌نه‌تنها **"تصوراینکه ریشه‌هایش (آمریکاوضدانقلاب) در سرتاپای دستگاه‌قانون گذاری‌واجرائی ودر نهادهای گوناگون انقلابی خشکیده‌باشد، بکلی دورازواقعیت‌است."** (بهاء- الدین‌علم‌الهدی، نماینده‌اردبیل- جلسه‌علنی مجلس - ۹مرداد ۶۰)

بلکه‌حوادث‌اخیر وبویژه‌فرار "سپهسالار" و "نخست‌وزیرش" رجوی‌نشان‌داد که‌خطر خیلی جدی‌است.

چنانکه‌رئیس‌مجلس‌شورای اسلامی گفته است:

"فرارآقای‌بنی‌صدروقبلش فرار بوئینگ دیگری به‌مصرکاملا نشان‌میدهدکه‌محیط نیروی هوائی‌آلوده‌است... **شخص‌آقای‌بنی‌صدر دراین آلودگی‌سهم به‌سزائی دارد. همین آقای‌خلبان معزی ازطرف‌دادگاه‌انقلاب حکم‌اخراجش‌صادرشد وپرونده‌اش‌موجوداست، اما ایشان (بنی‌صدر) تمکین نکرده واورانگه‌داشته وامثال او فراوانند. اینها راحساب‌شده‌مهره‌چینی‌کرده‌اند برای روز معین وکارمعین"** (همان‌جلسه) **واین مهره‌ها طرفدار سلطنت‌و مدنی وغیره هستند."** (همان جلسه- حجت‌الاسلام خلخالی) وچیدن‌آنها در قسمت‌های‌مختلف بابرنامهٔ حساب‌شده‌ای انجام گرفته‌است.

"بنی‌صدر زمانی‌که‌فرمانده‌کل‌قوا شد یک استراتژی‌خاصی رادر **جهت حاکمیت دادن‌ضد- انقلاب درارتش‌وکنارگذاشتن‌عناصرمومن‌به‌انقلاب** راپیاده‌کرد. اطلاعیه‌ای‌منتشرساخت (بنی‌صدر) که‌تمامی امرای‌بازنشسته‌ارتش‌باید به سرکارخود بازگردند... **جوسازی‌بنی‌صدرباعث شد که پاک‌ترین‌افسران‌ارتش‌را بعنوان‌مسامحه وسهل- انگاری‌ازرده‌خارج‌کنند...**" (بهزاد نبوی- جمهوری‌اسلامی-۱۳مرداد ۱۳۶۰)

واین‌حقایق، که‌امروز فاش‌می‌شود، مسلما تنها مشتی نمونهٔ خرواراست. بدون‌کمترین‌تردید آنچه‌**بنی‌صدر**در ارتش‌و دیگر سازمان‌ها ونهاد- ها انجام داد، توسط عناصر نفوذی و ناشناخته ضدانقلاب درتمام دستگاه‌های‌اداری و اجرائی کشورانجام گرفته‌است. هدف‌آنهم روشن است: مساعدکردن محیط برای بهره‌برداری. گاه این بهره‌برداری به‌شکل‌قراردادن این وآن‌است. اما بهره‌برداری‌نهائی‌هنگامی‌خواهدبود که ضد- انقلاب درصد دزدن‌ضربه‌آخر به‌انقلاب باشد. درآن‌هنگام‌است‌که‌تمامی مهره‌های‌چیده‌شده به یاری ضدانقلاب خواهند شتافت.

بزرگترین‌پندار فرار **بنی‌صدر** و **رجوی** این است‌که‌رشته‌های‌آنها ودیگر ضدانقلابیون پنبه شود. اگرتاکنون به‌هشدارهای‌مکرردر مکررنیرو- های‌انقلابی‌مدافع انقلاب توجه‌نشده‌است، امروز باید به‌آن‌توجه‌جدی‌کرد. همانطور که آقای **بهاء- الدین‌علم‌الهدی** نماینده‌امجلس، گفت، باید درمرحلهٔ اول: **"مجلس‌هرچه‌زودتر لایحهٔ باز- سازی‌راتصویب‌نماید، تاادارات از لوث وجود ضدانقلاب‌ها"** پاک‌سازی‌شود. وبرای‌آنکه این‌امر باموفقیت‌انجام شود، باید ازگذشته‌های دور و نزدیک‌درس‌عبرت‌گرفت. باید برای بازسازی ادارات‌معیارهای‌عملی‌وانقلابی درنظرگرفت. این معیارها بایدچنان‌باشدکه‌به‌همهٔ نیروهای مدافع انقلاب‌فرصت‌خدمت‌وجانفشانی در راه‌انقلاب‌را بدهدو درعوض راه‌را برهمهٔ ضدانقلابیون درهر لباس وهر رنگ ببندند. تنها به‌این طریق است‌که نیروهای‌متحد انقلاب‌قادرخواهند بود در کنار یکدیگر فعالیت‌کنند، ضدانقلابیون‌را، که به ویژه زیرماسک "اسلام" پنهان شده‌اند، شناسائی‌کنند وفعالیتشان راخنثی نمایند. چنین شیوه‌ای‌قادر خواهد بود سرمارهائی‌راکه‌به‌شیوه‌های گوناگون‌در **آستین** انقلاب پرورانده‌شده، برسنگ‌بکوبد.



وقایع مهم جهان در یک هفته

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان:

هرگونه تظاهرات و اعتصابات خطرات جدی برای کشور خواهد آفرید

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان به بررسی اوضاع اقتصادی ـ اجتماعی کشور و راه های پیشبرد مصوبات کنگره فوق العاده اخیر حزب پرداخت.

هیئت سیاسی برنامهٔ تثبیت اقتصادی دولت را تصویب کرد و خاطر نشان ساخت که باید قیمت‌ها را افزایش داد. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان هشدار داد که خواست افزایش دستمزدها به اقتصاد لهستان لطمه بیشتری وارد خواهد آورد و کوشش برخی از محافل "همبستگی" را برای "بهره برداری از کمبود موقت خواربار و زیر علامت سئوال قرار دادن مشی سیاسی حزب" محکوم ساخت بیانیه اجلاس هیئت سیاسی یادآور می شود که هرگونه اعتصاب و تظاهرات خطرات جدی برای کشور خواهد آفرید.

قرار است که به زودی پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان به بررسی اوضاع کشور بپردازد.

از سوی دیگر، هیئت رئیسه دولت لهستان شورایی اضطراری برای حل مسائل حاد لهستان، از جمله رفع کمبود مواد غذایی و استقرار شرایط عادی برای فعالیت های اقتصادی ـ دفاعی، تشکیل داد. کمیسونی دیگر وظیفه مبارزه با احتکار و سودجویی را به عهده گرفته است.

روزنامه "تریبونالودو" در این زمینه می نویسد:

"تاکنون تنها میلیس با محتکران مبارزه میکرد. اکنون ارتش نیز به پلیس خواهد پیوست."

یک سخنگوی دولت لهستان گفت: "بیانیه رهبری "همبستگی"، مبنی براینکه برنامه عملی وجود ندارد حداقل شگفت انگیز است. بویژه آنکه کنگره نهم حزب چنین برنامه‌ای را برای چیرگی بربحران اتخاذ و پارلمان هم آن را تصویب کرد. "همبستگی" از تظاهرات واعتصاب دست برنداشت ونشان نداد که خواهان خاتمه دادن به روش هایی است که به تضعیف اقتصاد و افزایش تشنج سیاسی در کشور منجر می شود.

از سوی دیگر، "شورای نظامی" وزارت دفاع لهستان به ریاست یاروزلسکی نخست وزیر و وزیر دفاع آن کشور، تشکیل جلسه داد. "شورای نظامی" تضمین شرایط امنیتی ودفاعی لهستان را بررسی کرد. علاوه براین، تدابیری در زمینه کمک نیروهای مسلح به اقتصاد ملی اتخاذ شد.

آیا "سیا" در سانحه هوائی پاناما وقتل توریخوس دست داشت؟

ناظران پاناما این امکان را رد نمی کنند که عوامل "سیا" مسبب سانحهٔ هوایی بودند، که در نتیجه آن ژنرال عمر توریخوس، فرمانده کل نیروهای مسلح پاناما، درگذشت. "سیا" تاکنون در چند توطئه قتل رهبران پانامایی دست داشته است.

برژنف به شرکت کنندگان "راه پیمایی صلح ۸۱":

اتحاد شوروی برای تحکیم صلح همیشه آماده گفتگو است

شرکت کنندگان "کنگره بین المللی برای منع جنگ افزارهای هسته‌ای"، که در توکیو برگزار شد، خواستار کارزار جهانی برای تبلیغ این شعار گردیده اند. این کنگره در آستانه برگزاری کنفرانس بین ـ المللی در پایتخت ژاپن تشکیل شد، که در آن صد نماینده بیش از سی کشور جهان و هزاران ژاپنی خواهان خلع سلاح و منع سلاح های هسته‌ای گردیدند. کنفرانس اخیر اجلاس خود را در ناکازاکی وهیرو ـ شیما، که آمریکایی ها بر آنها درمرداد ۱۳۲۴ بمب اتمی افکندند، برگزار کرد.

به مناسبت سی وششمین سالگرد بمباران اتمی ناکازاکی وهیروشیما (در روزهای ۱۵و۱۸ مرداد ۱۳۲۴) تظاهرات صلح در بسیاری از کشورهای جهان از جمله درهیروشیما، پاریس وشهرهای مختلف اتریش، سوئیس، کانادا و ایالات متحده برپاشد.

* * *

لئونید برژنف، رهبر شوروی، پیامی برای شرکت کنندگان در "راه پیمایی صلح ۸۱" فرستاد. برژنف در این پیام نوشت:

"اتحاد شوروی سیاستی اصولی و پیگیر را به سود تنش زدایی، تحدید سلاح ها و خلع سلاح عمومی وکامل دنبال می کند. اتحاد شوروی پشتیبانی خود را از ایجاد منطقه‌ای بری از سلاح های اتمی در شمال اروپا وتبدیل قاره به منطقهٔ امنیت، صلح ومناسبات دوستانه ابراز میدارد. همه مسائل، از جمله مسئله استقرار موشک های هسته‌ای، باید سرمیز مذاکره حل شود."

ایالات متحدهٔ آمریکا وهم ـ پیمانانش به قدرت نمائی نظامی در مناطق گوناگون جهان دست می زنند. روز پنج ـ شنبه ۱۵ مرداد ۶۰ مانورهای مشترک نیروهای دریایی آمریکا وژاپن در بخش، مرکزی دریای ژاپن، آغاز شد. مانور دیگری با شرکت آمریکا وبیش از ده کشور اروپا و آمریکای لاتین در اقیانوس اطلس برگزار گردید. همچنین قرار است. مانور ـ هایی در دریای بالتیک و دریای نروژ، نزدیک مرزهای اتحاد شوروی، صورت پذیرد. درمانورهای اخیر ۲۵۰ رزمناو، ۱۲۰۰ هواپیما و ۱۲۰ هزار ملوان نیروی دریایی شرکت خواهند کرد.

سفیر آمریکا در السالوادور پشتیبانی کشور خود را از "خونتا"ی جنایتکار تجدید کرد

سفیر جدید آمریکا در السالوادور به "خونتا"ی این کشور اطمینان داده است، که ایالات متحده کماکان از آن پشتیبانی خواهد کرد.

همزمان با این ابراز پشتیبانی، نیروهای مسلح "خونتا" به کمک کار ـ شناسان وجنگ افزارهای آمریکایی "اقدامات تنبیهی" را علیه دهقانان السالوادور آغاز کرده اند.

از سوی دیگر، "خونتا"ی وابسته به آمریکا دوران اضطراری را برای یکماه دیگر تمدید نموده است، از جمله شرایط اضطراری عبارت است از لغو تضمین ـ های قانون اساسی ومنع عبور ومرور شبانه.

به گفته محافل کلیسای السالوادور، از آغاز سال جاری میلادی بیش از ۸۰۰ نفر قربانی مقررات عبور و مرور شبانه شده اند.

کودکان ایران از نبرد با رژیم شاه تا جنگ علیه متجاوزان صدامی



دومین نمایشگاه جهانی عکس، که روز دوازدهم مرداد ماه جاری در سالن موزه هنرهای معاصر افتتاح شد، درسالن موزه هنرهای معاصر برپاست

دراین نمایشگاه ۳۵۰ عکس از ۸۰ عکاس ایرانی و ۵۱۵ عکس از ۲۱۴ عکاس خارجی به تماشا گذاشته شده است. عکس های ارائه شده ازعکاسان ایرانی در نمایشگاه حاکی ازنگرش ژرف آنان برجامعه طبقاتی وتوجه عمیق آنها به ابعاد گوناگون زندگی کودکان دارد. دراین عکس ها که ۴۷ جنبه گوناگون زندگی کودک ایرانی درآنها ثبت شده، تماشاگر با یک روند تکاملی روبروست، روندی که از زندگی کودکان دراسارت رژیم شاه ملعون آغاز می شود وتا شرکت در انقلاب پیروزمند ۲۲ بهمن ادامه می یابد، روندی که به هیچ روی از کل حرکت جامعه ایران جدانیست و در واقع بخش تفکیک ناپذیر آنست. وآن گاه این روند ادامه می یابد و در نمایشگاه با کودکانی روبروهستیم که درعکس های قبلی با کوکتل مولوتف بارژیم شاه می جنگید ند واکنون در دفاع از انقلاب، به نبرد با متجاوزان صدامی رفته اند.

این عکس ها، در قیاس با عکس های عکاسان خارجی، که موضوع مشخصی را ارائه نداده وتنها بطورکلی به زندگی کودکان سراسر جهان پرداخته اند، ازنظر مضمونی تفوق کامل دارند، هر چند که در تکنیک، عکاس های خارجی موفق ـ ترانـد.

برگزار کنندگان نمایشگاه که باید به خاطر برپائی این نمایشگاه انسانی از آنها ممنون بود موفق شده اند که باکنار هم گذاردن عکس های کودکان خارجی، که در رفاه به سرمی برند، وعکس کودکان تحت ستم، به ویژه سیاه پوستان عمق فاجعه حاکم برجوامع سرمایه ـ داری را هرچه عریان تر به نمایش بگذارند.

این نمایشگاه واقع در موزهٔ هنرهای معاصر ـ کارگر جنوبی، جنب پارک لاله ـ تا ۳۱ شهریور ماه جاری برپاست و ساعت کار آن از ۹ صبح تا ۸ بعد ازظهر است.

مرگ دو زندانی دیگر زندان "میز"

در بلفاست (ایرلند شمالی)، پس از مرگ دو زندانی دیگر زندان "میز"، هزاران نفر به تظاهرات خشم آمیز دست زدند. لینچ در هفتادویکمین ودوهرتی درهفتاد و سومین روز اعتصاب غذای خود در گذشتند. تظاهر ـ کنندگان در ناحیه‌های کاتولیک نشین بلفاست به احداث سنگر پرداختند و باپلیس ونیروهای نظامی، که ازگلوله های پلاستیکی استفاده کردند، درگیر شدند.

درشهر دری نیز راه پیمایی به افتخار لینچ ودوهرتی وشش مبارز دیگر، که پیش از آنها بر اثر اعتصاب غذا درگذشتند، برگزار گردید.

هشت زندانی زندان "میز" خواهان قطع سرکوبگری استعمارگران بریتانیایی وکسب موقعیت زندانی سیاسی بودند.

هامفری آتکینز وزیر بریتانیا برای امور ایرلند، در پارلمان لندن اعلام کرد که تاکنون شماره کشته شدگان ایرلند امسال به مراتب بیشتر از پارسال است.

ضد انقلابیون افغانی به کشتار پیران وکودکان دست می زنند

ببرک کارمل، رهبر افغانستان، همه مسلمانان کشورخود را فراخواند تا از "جبهه ملی ـ میهنی"، که چندی پیش تشکیل شد، پشتیبانی کنند ودر صفوف آن در راه پیشرفت ملی و رفاه برزمند.

اوکه به مناسبت عیدفطر در کابل سخن میگفت، خاطرنشان ساخت که مردم افغانستان هنگامی این عید را جشن می ـ گیرند که مبارزه آنها علیه دشمنان انقلاب نیروهای امپریالیسم وبرتری جویان چینی ادامه دارد.

ببرک کارمل گفت:

"آنها که خود را قهرمان اسلام می ـ خوانند، به کشتار کودکان وپیران می ـ پردازند، مدرسه ها و مسجدها را آتش میزنند وقصد آنها آنست که افغانستان را به آشوب بکشانند."

دولت ریگان آفریقای جنوبی را به تشدید تجاوز علیه آنگولا تشویق می کند

دولت آنگولا تحریکات مسلحانهٔ وسیع آفریقای جنوبی راعلیه این کشور "تهدیدی برای صلح جهانی" خواند. به گفته سخنگوی دولت آنگولا، نیروهای مهاجم یک تیپ پیاده نظام، یک گردان موتوریزه و دو گردان مرکب از مزدوران رادربرمی گرفتند. نژادپرستان در این تهاجم چندین قریه را در جنوب آنگولا به تصرف خود درآوردند.

دولت آنگولا این حق را برای خود قائل شده است که از "شورای امنیت" خواهان اقدامات مشخص برای خاتمه به تجاوز باشد.

به گزارش "د.پ.آ." (خبرگزاری آلمان غربی) ازنامی بیا، ژنرال لوید، فرمانده نیروهای آفریقای جنوبی اعتراف کرده است که سربازان او هر روز به عملیات جنگی درجنوب آنگولا دست می زنند. نیروهای آفریقای جنوبی به کشتار غیر ـ نظامیان می پردازند وخانه ها وجاده ها و خرمن را نابود می سازند.

دراین میان، آنگولا به خاطر تجاوزات آفریقای جنوبی، به "شورای امنیت" شکایت کرده است. به عقیده ناظران، با روی کار آمدن ریگان در ایالات متحده آمریکا، آفریقای جنوبی تجاوزات خود را علیه آنگولا شدت بخشیده است.

ادامه پروازهای تحریک آمیز هواپیماهای اسرائیلی برفراز لبنان

سرکیس، رئیس جمهور لبنان، کشورهای عرب را فراخواند تا برای دفع تجاوزگران اسرائیلی به اقدام مشترک دست زنند.

وی درسخنرانی به مناسبت "روز ارتش" گفت که اسرائیل حاکمیت لبنان را نقض می کند وبه بمباران شهرهای آن و اردوگاه های آوارگان فلسطینی می پردازد و صدها زن و بچه وپیر را به هلاکت می ـ رساند.

دراین میان، چند کشتی جنگی در نزدیکی شهر صیدا حریم دریایی لبنان را مورد تجاوز قرار دادند.

روز یکشنبه ۱۱ مرداد ۶۰، هواپیما ـ های اسرائیل بار دیگر به پروازهای تحریک آمیز بر فراز لبنان پرداختند. "تل آویو"، علیرغم قرارداد آتش بس اخیر، تقریبا هر روز به اینگونه پروازها دست میزند.

کریم رویه، یکی از رهبران "حزب کمونیست لبنان"، تاکید کرد که ایالات متحده آمریکا مسئول اقدامات "تل آویو" است، زیراکه به تشویق اسرائیل می ـ پردازد وسلاح های مدرن دراختیار آن می گذارد.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
محمود اعتماد زاده (م. ابه آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی
صندوق پستی - ۳۱۴/۱۱۱۷